



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

آیین زندگی

درس های اخلاق اسلامی

آیه اشدهاج شیخ جواد تهرانی مدس سر

چاپ دهم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی

نویسنده:

جواد آقاهرانی

ناشر چاپی:

موسسه در راه حق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۲۰	مقدمه ی نویسنده
۲۴	یک هدف مهم از بعثت انبیاء
۲۷	اصلاح نیت
۳۶	شرک ریایی
۳۹	شرک طاعتی
۴۵	شرک به اسباب طبیعی
۴۸	تکبر و تواضع
۵۴	عجب
۵۸	خودستایی
۶۲	حسد (رشک)
۶۶	بخل
۷۰	حسن خلق
۷۴	صبر
۸۱	توکل به خدا
۸۴	اغتصام به خدا
۸۸	خوف و رجا و حسن ظن به خداوند متعال
۹۳	راست گویی و دروغ گویی
۹۷	بدترین دروغ ها
۱۰۰	وفای به عهد (پیمان) و پیمان شکنی
۱۰۸	عدالت و ظلم

۱۱۵	ادای امانت و خیانت
۱۲۱	کار و کوشش در اسلام
۱۳۱	آگاهی
۱۳۲	صنعت
۱۳۴	دستورات کلی در معاملات
۱۳۹	دو رویی و دو زبانی
۱۴۱	خشم
۱۴۴	کظم عیظ
۱۴۹	خوش زبانی و بدزبانی
۱۵۴	دشمنی و کینه جویی، دوری و جدایی از یکدیگر
۱۶۱	حرص و آز
۱۶۳	طمع (چشم داشت به دیگران)
۱۶۵	حیا و شرم، و بی شرمی
۱۶۹	سوءظن و تهمت به مؤمنین
۱۶۹	وتجسس از عیوب و لغزش های آنان
۱۷۳	سخن چینی
۱۷۶	بهتان
۱۸۰	غیبت
۱۸۴	مسخره کردن یکدیگر، و به نام
۱۸۴	ولقب های زشت یکدیگر را خواندن
۱۸۶	سبک شمردن و اهانت و تحقیر
۱۸۶	واپدء و ترساندن مؤمن
۱۹۰	دشنام دادن و طعنه زدن و لعن کردن
۱۹۰	وسرزنش نمودن مؤمن و نسبت کفر به مؤمن دادن
۱۹۵	صلح و سازش
۱۹۸	اهتمام به امور مسلمین

- ۲۰۴ امر به معروف و نهی از منکر
- ۲۱۲ خیر خواستن برای دیگران
- ۲۱۵ اتحاد در برابر دشمنان
- ۲۱۹ برتری تقوا، ایمان و دانش
- ۲۲۳ انفاق
- ۲۳۶ نیکی به والدین و خویشان
- ۲۴۳ محبت دنیا
- ۲۵۱ نمونه ای از مدارک دال بر مدح دنیا و محبت آن
- ۲۵۱ برای تحصیل رضای الهی یا ثواب های اخروی
- ۲۵۵ درباره مرکز

آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی

مشخصات کتاب

سرشناسه: تهرانی، جواد، ۱۳۶۸ - ۱۲۸۳

عنوان و نام پدیدآور: آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی / نویسنده جواد آقا تهرانی

مشخصات نشر: قم: در راه حق، ۱۳۸۲.

مشخصات ظاهری: ص ۲۴۷

شابک: ۹۶۴-۹۶۴۲۵-۳۰-۵۷۰۰۰ ریال

یادداشت: عنوان روی جلد: آیین زندگی درسهای اخلاق اسلامی.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس

عنوان روی جلد: آیین زندگی درسهای اخلاق اسلامی.

موضوع: اخلاق اسلامی

شناسه افزوده: موسسه در راه حق

رده بندی کنگره: BP۲۴۷/۸/ت ۹۲۸۸ ۱۳۸۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۱۸۴۳۷

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

آیین زندگی و درسهای اخلاق اسلامی

نویسنده جواد آقانهزانی

ص: ۴

موضوع: اخلاق اسلامى

ص: ٦

باسمه تعالی شانه

بعضی از دوستان از اینجانب تقاضا کردند تا کتابی ساده و همگانی که مشتمل بر دروس اخلاق اسلامی و راهنمای قسمت هایی از آیین زندگی باشد بنویسم، تا مورد استفاده غالب طبقات قرار گیرد. پس از گذشت مدتی، آن چه به نظر رسید که در این کار برای خودم بی تکلف و برای خوانندگان سودمندتر باشد، این بود که مقداری از آیات قرآن کریم و احادیث پیغمبر و ائمه دین (سلام الله علیهم اجمعین) را با ترجمه تقریبی آن ها به فارسی، جمع و تألیف نمایم، تا به توفیق خداوند متعال،

ص: ۱۳

خوانندگان محترم چون مستقیماً با کلمات وحی و عبارات و نصوص منقوله از ذوات مقدسه پیغمبر و ائمه دین (علیهم السلام) رو به رو می گردند، درس بهتری فرا گیرند و استفاده بیشتری بنمایند؛ لذا به نوشتن این تألیف پرداختم و آن را «آیین زندگی و درس های اخلاق اسلامی» نام نهادم. وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

یادآوری

مؤلف در این کتاب، هم در نظم و ترتیب مطالب و هم در نقل آیات و روایات، به هیچ وجه نظری خاص نداشته است؛ فقط هر موضوع و مطلبی که متناسب با هدف تألیف این کتاب بوده - و به تدریج به خاطرش می آمده - با ذکر مدارکی نوشته است تا برای تنظیم و ترتیب مطالب و یا ذکر مدارک به زحمت نیفتاده باشد.

در مطالب کتاب راجع به هر موضوع، تمام آیات و روایات استقصاء نشده است؛ بلکه راجع به هر مطلبی، منظور فقط گفتن بعضی مدارک از آیات یا روایات بوده است؛ نه آن که تمام آیات و روایات آن موضوع، گفته شود و استقصاء گردد.

ص: ۱۴

مؤلف تأکید داشته است که نقل روایات از کتب معتبر باشد؛ بنابراین هر جا که از «مستدرک الوسائل» روایت نقل کرده، توجه نموده است که روایات نقل شده از مآخذ نسبتاً معتبر آن کتاب نقل شود.

در ترجمه و ذکر معانی آیات و روایات - چنان که در مقدمه کتاب اشاره شده است - هدف مؤلف، ترجمه تقریبی آن ها بوده است؛ حتی اگر روانی عبارت ها هم محفوظ نگردد.

اینک که تألیف این جلد به پایان رسیده فکر می کند که آیا از عهده همان ترجمه های تقریبی هم برآمده است یا نه؟ البته پیش خود و وجدانش نمی تواند هرگز چنین تعهدی را داشته باشد، ولی در همین ترجمه های ناقص نیز، امید استفاده برای خوانندگان محترم می رود. چیزی که مؤلف دانسته و می فهمد این است که افراد اجتماع، اگر پای بند به دستورات اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی خود گردند، به زندگی مرفه و آسوده و منظمی در دنیا و آخرت هم نائل می شوند. آری یگانه راه ترقی و تعالی و تأمین سعادت حقیقی دنیا و آخرت و خارج شدن از اضطراب ها و وحشت های زندگی پریچ و خم دنیا، پیروی از تعالیم و دستورات اسلامی است. دین مقدس اسلام با استخراج ذخیره های زمینی، صنعت و اختراعات مادی و علوم حسی و تجربی مخالفت ندارد، ولی می گوید: «بشر همین زندگی صنعتی و علمی را در چهار چوب قوانین و مقررات الهی که به مصالح واقعی فردی

و اجتماعی و دنیوی و اخروی مردم وضع شده است باید سپری کند تا از هر گونه بدبختی در دنیا و آخرت نجات یابد.»

وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

ص: ۱۶

یک هدف مهم از بعثت انبیاء

از آیات قرآن کریم و احادیث چنین بر می آید که یک هدف مهم از بعثت انبیا - به ویژه خاتم آنان صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - راهنمایی به تهذیب اخلاق و پاک نمودن ارواح بشر از بدی هاست؛ به عبارت دیگر تربیت مردم و بیان دستورها و قانون هایی در زندگی است که مردم در سایه فراگرفتن و به کار بستن آن ها، به صلاح واقعی، سعادت حقیقی، و خوشبختی زندگی دنیا و آخرت نائل گردند و از پلیدی ها و زشتی ها و آشفتگی ها محفوظ بمانند.

«هم چنان که رسولی از شما (بشر) فرستادیم که آیات ما را بر شما تلاوت کند و شما را (از پلیدی جهل و کفر و اخلاق زشت) پاک کند و به شما کتاب و حکمت و آن چه را که خود نمی دانستید (و ممکن نبود از راه فکر و اندیشه به آن دانا گردید) از راه وحی بیاموزد؛ پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا شکر کنید و (نعمت) مرا ناسپاسی مکنید.»

در سوره آل عمران است که «خداوند بر اهل ایمان منت نهاد که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خدا را بر آنان بخواند و آنان را (از هر نقص و آلا-یش) پاک نماید و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد؛ به راستی پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.»

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «همانا برای تکمیل اخلاق ستوده، مبعوث شدم.»

و نیز از آن حضرت است که فرمود: «بر شما اخلاق ستوده لازم است؛ همانا که خداوند عزّ و جلّ مرا به آن ها مبعوث فرمود.»

علی (علیه السلام) بر منبر در خطبه ای فرمود: «ای مردم! خداوند تبارک و تعالی چون خلق را آفرید، خواست که آنان بر آداب رفیعه و اخلاق شریفه باشند و نیز می دانست که ممکن نیست آنان چنین شوند مگر این که آن ذات مقدس، خود آن چه را که به سود و زیان آنان است تعریف نموده و آگاهشان فرماید. تعریف خوبی ها و بدی ها جز به امر و نهی (به وسیله انبیا) نمی باشد.»

مهم ترین پایه اصلاح افراد جامعه، اصلاح نیت است. اگر کارهای آدمی، فقط برای رضای خدا و امتثال فرمان و دستور او و لااقل به منظور تحصیل ثواب اخروی و نجات از عذاب و مکافات الهی باشد، به صلاح و سعادت دنیا و آخرت او و خیر جامعه تمام خواهد شد؛ اما اگر به منظور شؤن و منافع دنیا از ریاست و جاه

و مقام و شهرت و مال و منال دنیوی باشد، نتیجه عالی و صحیح بر آن ها مترتب نمی گردد و به سعادت و خیر دائمی بشر تمام نمی شود. (۱) آری! شریف ترین و عالی ترین هدف برای فعالیت های مردم در هر اجتماعی، تحصیل رضای پروردگار جهان است که در سایه آن، تأمین سعادت جاودانی و نجات از عذاب ابدی، میسر است. اجتماعی که دارای چنین هدف عالی باشد، هرگز در آن هیچ گونه تجاوز و تعدی و فسق و فجور راه نخواهد یافت. در قرآن کریم و احادیث به تصحیح و اخلاص نیت، بسیار اهمیت داده شده است.

قرآن کریم

«آگاه باشید که دین خالص - از هر شرک و ریا - برای خداست.» (۲)

«و امر نشدند جز به این که پرستش کنند خدا را در حالی که دین را برای او خالص گردانند و از غیر دین حق، روی بگردانند و نماز را اقامه نمایند و زکات دهند و این است دین - ملت و شریعت - درست و راست.» (۳)

ص: ۲۱

۱- (۱). این بحث، با بحث «محبت دنیا» که در آخر کتاب ذکر شده، مرتبط است.

۲- (۲). «أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ». (زمر، ۳)

۳- (۳). «وَمَا أُمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ». (بینه، ۵)

«پس کسی که به لقاء پروردگارش امید دارد، باید کار شایسته کند و در پرستش پروردگار، احدی را شریک نسازد.»

«از مردمان، کسی هست که جان خود را به طلب رضای خدا می فروشد و خدا به (چنین) بندگان رئوف و مهربان است.»

«مَثَلِ آنان که اموالشان را در طلب رضای خدا و برای استواری نفوسشان (بر ایمان و طاعت پروردگار) انفاق می کنند، مثل بوستانی بر مکان بلندی است که بر آن باران درشت برسد، پس دو چندان ثمر بدهد؛ و اگر به آن باران درشت نرسد، پس باران ریز (بر آن کفاف دهد) و خدا به آن چه می کنید (از روی اخلاص یا ریا) بینا است.»

«آن چه از خیر و نیکی، انفاق می کنید به نفع خودتان است و شما جز برای طلب رضای خدا انفاق نمی کنید (نباید بکنید) و آن چه از خیر و نیکی انفاق می کنید (پاداش آن) تماماً به شما داده می شود و به شما ستم نمی شود.»

«هیچ خیر و فایده ای در بسیاری از سخنان سَری و راز گفتن مردم نیست، مگر (راز گفتن) کسی که به صدقه ای یا به کار نیکی یا به اصلاحی میان مردم امر نماید؛ هر که به طلب رضای خدا چنین کند پس (ما که خداوند گاریم) به زودی اجر عظیم به او عطا خواهیم نمود.»

«کسی که (به عمل و کار خود) کشت (و ثواب) آخرت را اراده می کند؛ در کشت وی می افزاییم (و یکی را دست کم، ده برابر ثواب می دهیم) و کسی که (به اعمالش) کشت (و نفع) دنیا را اراده می کند از آن (به مقداری که به مقتضای حکمت بخواهیم) می دهیم؛ ولی در آخرت برای او هیچ بهره ای نیست.»

«کسانی که (به اعمالشان) فقط زندگانی دنیا و زینت آن را اراده می نمایند، ما (مزد) اعمال آنان را در دنیا کاملاً می دهیم و هیچ از مزدشان در دنیا کم نمی شود؛ (ولی) هم اینان هستند که در آخرت برای آنان جز آتش دوزخ، نصیبی نیست و آن چه را که آنان در دنیا به جا آوردند و می کردند، همه در آخرت ضایع و باطل می گردد.»

«کسانی که (به اعمالشان) دنیای زودگذر را اراده می کنند، برای هر کدام آن چه را که بخواهیم (از متاع دنیا) تعجیل می کنیم و در همین دنیا می دهیم، (اما به هنگام رستخیز) دوزخ را جایگاه او قرار می دهیم که با نکوهش و مردودی و راندگی (از رحمت پروردگار) وارد آن گردد، و کسانی که (به اعمالشان) آخرت را اراده کنند و با داشتن ایمان، کوشش خود را برای (ثواب) آخرت صرف نمایند؛ پس سعی آنان مشکور (و مأجور) خواهد بود.»

امام صادق علیه السلام: «همانا خداوند در روز قیامت، مردم را بر نیاتشان محشور می فرماید.»

درباره قول خداوند عزوجل: «هر کس به لقاء پروردگارش امیدوار باشد، باید عمل شایسته نماید و در بندگی پروردگارش احدی را شریک قرار ندهد». از امام صادق (علیه السلام) روایت است: «شخصی که چیزی از عمل ثواب را به جا می آورد نه به طلب رضای خدا، بلکه به منظور خودنمایی و خودستایی که میل دارد به گوش مردم برسد، پس اوست که در عبادت پروردگارش مشرک شده است.»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «مسلماً اعمال بسته به نیات است و برای هر شخص، از عملش، آن چه را که نیت نموده است عاید می شود؛ پس کسی که به طلب اجر پروردگار جهاد کند، همانا اجر او بر پروردگار عزوجل خواهد بود و هر

کس جهاد کند به اراده متاع دنیا، یا برای عقالی (خراج و زکاتی) برای او جز همان را که قصد او بوده است، نیست.»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هر کس به قصد جلب توجه مردم دانش بجوید، بوی بهشت را نخواهد یافت.»

امام صادق (علیه السلام): «کسی که حدیث را برای منفعت دنیا بخواند، در آخرت برای او هیچ نصیبی نخواهد بود و کسی که برای خیر آخرت بخواند، خداوند خیر دنیا و آخرت به او عطا خواهد فرمود.»

امام صادق (علیه السلام): «هر ریایی شرک است؛ کسی که برای مردم عمل کند، اجر و ثواب او بر مردم است و کسی که برای خدا کار کند، ثواب او بر خدا خواهد بود.»

امام صادق (علیه السلام): «خداوند متعال فرموده است: من بی نیازترین بی نیازان از شریک هستم، پس هر که در عملی، دیگری را شریک من قرار دهد آن عمل را از او قبول نمی کنم و فقط عملی را می پذیرم که تنها برای من باشد.»

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «خلاص و نجات (از عذاب الهی) فقط به اخلاص ممکن می شود.»

امام باقر (علیه السلام): «اگر بنده ای عملی به جا آورد که بدان رضای خدا و سرای آخرت را طلب کند، ولی در آن رضای احدی از مردم را نیز داخل کند مشرک است (به شرک ریایی).»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «راستی برای هر امر حقی، حقیقتی است و بنده خدا به حقیقت اخلاص نمی رسد، مگر این که دوست نداشته باشد که بر هیچ عملی ستوده شود.»

ص: ۲۷

امام صادق (علیه السلام): «عمل خالص آن است که نخواهی احدی تو را بر آن بستاید، مگر خداوند عزوجل.»

ص: ۲۸

شرك ریايي

ریا حرام و موجب بطلان عبادت و یک قسم شرک است که با آن آدمی عبادت خدا را برای وانمودن به خلق به جا می آورد. هر عبادتی را اگر شخص به داعی امثال امر الهی برای تحصیل رضای او، یا برای شکرگزاری از نعمت های او، یا حصول قرب به او، یا به محبت او، یا دست

ص: ۲۹

کم برای نجات از عذاب الهی، یا تحصیل ثواب او به جای آورد صحیح است؛ ولی اگر برای تحصیل رضای غیر خداوند یا تحصیل ثنّون و منافع دنیا از ریاست و جاه و مقام شهرت و... باشد، باطل خواهد بود. (۱)

روایات

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در آخر سوره کَهِف در ذیل آیه: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا» از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که آن حضرت فرمود: «تفسیر این آیه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد، او فرمود: کسی که برای نشان دادن به مردم و ریاکاری نماز بخواند یا زکات دهد یا روزه بگیرد یا حج نماید، مشرک است. (باری) هر کس عملی از آن

ص: ۳۰

۱- (۱). ناگفته نماند اقسام شرکی که در این کتاب ذکر می شود از «شرک ریایی» و «شرک طاعتی» و «شرک به اسباب طبیعی»، غیر از «شرک مشرکین» معروف است که از کفارند. شرک آنان بدترین شرک ها و بزرگ ترین معصیت ها و موجب کفر و خروج از اسلام است؛ و آن «شرک در عبودیت» است که آدمی، غیر از خداوند متعال را عبادت و پرستش نماید.

چه که خداوند بدان امر نموده، برای نشان دادن به مردم و ریاکاری به جا آورد، مشرک است و خداوند عزوجل عمل ریاکار را قبول نمی فرماید.»(۱)

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد که فردای قیامت، نجات در چیست؟ فرمود: «نجات در این است که با خدا خدعه نکنید که خدا به شما خدعه خواهد کرد؛ پس هر کس با خدا خدعه کند خدا به او خدعه خواهد نمود و از او ایمان را خلع می کند و اگر بفهمد، (در حقیقت) نفس خود را خدعه نموده است.» سؤال شد: چگونه شخص با خدا خدعه می کند؟ فرمود: «گفته خدا را به جا می آورد، ولی غیر خدا را اراده می کند» و فرمود: «پرهیزید از خدا در ریا؛ که ریا شرک به خداست و ریاکار در روز قیامت به چهار اسم خوانده می شود: ای بدکار، ای کافر، ای حيله گر، ای زیان کار. (و به او گفته می شود) عمل تو نابود و اجر تو باطل شد. امروز برای تو خلاصی نیست و مزدت را از آن که عمل را برای او انجام دادی بخواه.»(۲)

ص: ۳۱

۱- (۱). فی تفسیر القمی فی ذیل آیه «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا.» عَنِ الْبَاقِرِ (علیه السلام): «سَيِّئِلَ رَسُولُ اللَّهِ عَنْ تَفْسِيرِ هَذِهِ الْآيَةِ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): مَنْ صَلَّى مُرَائَاهُ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ زَكَّى مُرَائَاهُ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ صَامَ مُرَائَاهُ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ حَجَّ مُرَائَاهُ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ عَمِلَ عَمَلًا مِمَّا أَمَرَهُ اللَّهُ مُرَائَاهُ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَمَلَ مُرَاءٍ.»

۲- (۲). - عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ : أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) سَيِّئِلَ : «فِي مَا النَّجَاهُ غَدًا.» فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «إِنَّمَا النَّجَاهُ فِي أَنْ لَا تُخَادِعُوا اللَّهَ فَيَخْدَعُكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ يُخَادِعِ اللَّهَ يَخْدَعُهُ وَ يَخْلَعُ مِنْهُ

مناسب است در این جا از بعض اقسام «شرك» ذكرى شود كه يكى از آن ها «شرك در طاعت» است و مراد از آن اين است كه شخص به اطاعت و تحصيل رضاى غير خداوند، معصيت خداوند را انجام دهد.

قرآن كريم

«بیشتر مردم به خدا ایمان نمی آورند، مگر اینکه مشرک هم هستند؛ یعنی در بیشتر مردم، ایمان و شرک هر دو هست؛ مانند این که با ایمان به خدا و رسول، به اطاعت از شیطان معصیت خداوند می کنند؛ پس در طاعت مشرک می شوند.» (۱)

«(مردمانی) سواى خداوند، خدایانى (که به اطاعت از آنان معصیت خدای واقعی را می نمایند) پذیرفتند تا این که آن خدایان برای ایشان مایه عزت باشند؛ نه چنان است، به زودی به بندگی (و طاعت) خدایان خود کافر می گردند و با ایشان دشمن می شوند.» (۲)

ص: ۳۳

۱- (۱) «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ.» (یوسف، ۱۰۶).

۲- (۲) «وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا * كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا.» (مریم، ۸۱ و ۸۲).

«(اهل کتاب) علما و زهاد خود را (با اطاعت از آنان در معصیت خدا) اربابی برای خود (به جای خدا) قرار دادند.» (۱)

«آیا دیده ای آن که هوای خود را خدای خود قرار داد؟» (یعنی به اطاعت از هوای نفس، مخالفت و معصیت خدا نمود). (۲)

«بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی کلمه و حقیقتی که بین ما و بین شما مشترک است. این که نپرستیم جز خدا را و هیچ چیزی را برای او شریک قرار ندهیم و بعض ما، بعض دیگرمان را (به اطاعت آنان در معصیت خدا) پروردگار خود به جای خدا قرار ندهیم، پس اگر از قبول این دعوت رو بگردانند، به ایشان بگویید شاهد باشید که ما حَقّاً تسلیم امر خداییم.» (۳)

«ای فرزندان آدم! آیا با شما عهد نکردم که شیطان را (به وسیله اطاعتش) عبادت نکنید، که او برای شما دشمن آشکاری است؛ و این که مرا عبادت (و فرمان برداری) کنید، که این است راه راست.» (۴)

ص: ۳۴

۱- (۱) - «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ.» (توبه، ۳۱).

۲- (۲) - «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ.» (فرقان، ۴۳).

۳- (۳) - «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ.» (آل عمران، ۶۴).

۴- (۴) - «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ* وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ.» (یس، ۶۰ و ۶۱).

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» روایت شده که: «(مراد) شرک طاعت است نه شرک عبادت؛ یعنی به جای خدا از هوی و شیطان پیروی می کنند.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه شریفه روایت شده که فرمود: «شخص از روی نادانی اطاعت شیطان می کند پس مشرک (به شرک طاعت) می شود.»^(۲)

امام باقر (علیه السلام) درباره همین آیه، روایت شده است که مراد: «شرک طاعت است نه شرک عبادت؛ گناهی که مردم مرتکب می شوند، شرک طاعت است که در ارتکاب به آن ها، اطاعت شیطان می کنند؛ پس در اطاعت برای غیر خدا، مشرک

ص: ۳۵

۱- (۱) - عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي آيَةِ «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «شِرْكُ طَاعَةِ وَ لَيْسَ شِرْكُ عِبَادَةٍ.» (تفسیر صافی، به نقل از کافی).

۲- (۲) - عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي هَذِهِ الْآيَةِ قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «يُطِيعُ الشَّيْطَانَ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُ فَيُشْرِكُ.» (تفسیر صافی، به نقل از کافی).

به خدا می شوند (به شرک طاعت) و (و مراد از آیه شریفه) شرک عبادت نیست که عبادت و پرستش غیر خدا بنمایند.»(۱)

از حضرت رضا (علیه السلام) در نامه اش به مأمون آمده است: «نیکی به پدر و مادر واجب است اگرچه آن دو مشرک باشند؛ ولی در معصیت خالق، اطاعتی نسبت به پدر و مادر و غیر پدر و مادر نیست؛ پس در معصیت خالق هیچ طاعتی برای هیچ مخلوقی (جایز) نیست.»(۲)

درباره قول خداوند عزوجل: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: «(مراد در این آیه کریمه از) عبادت، سجود و رکوع نیست؛ بلکه فقط طاعت مردمان است. هر کس در معصیت خالق، اطاعت مخلوق نماید، مخلوق را عبادت نموده است.»(۳)

ص: ۳۶

۱- (۱). (تفسیر صافی، به نقل از قمی و عیاشی).

۲- (۲) - عَنِ الرَّضَا (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمَأْمُونِ، قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «وَبُرِّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَ أَنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَ لَا ط-اعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ وَ لَا لِعَٰبِرِهِمَا فَإِنَّهُ لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۹۴).

۳- (۳) - عَنِ ابِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا» قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «لَيْسَ الْعِبَادَةُ هِيَ السُّجُودُ وَ الرَّكُوعُ أَمَّا هِيَ طَاعَةُ الرَّجَالِ، مَنْ اطَاعَ الْمَخْلُوقَ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ فَقَدْ عَبَدَهُ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۹۴).

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمودند: «در معصیت خالق هیچ طاعتی برای هیچ مخلوقی (جایز) نیست (۱)».

ص: ۳۷

۱- (۱) - عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۹۳)

شرک به اسباب طبیعی

شرک به وسیله اسباب طبیعی، به این گونه است که شخص فقط به وسایل و اسباب طبیعی نظیر بدوزد و آثار را مستقلاً به آن ها مستند کند؛ به عبارت دیگر کلیه امور و حوادث را منحصرأ ناشی از علل و اسباب ظاهری بداند.

ص: ۳۸

درباره شرک در آیه کریمه «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» تفسیر دیگری نیز، به غیر از تفسیر گذشته از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «کسی می گوید اگر فلان شخص نبود (مثلاً از گرسنگی) هلاک می شدم و اگر فلان شخص نبود مبتلا به چنین و چنان بلا-یی می شدم و اگر فلانی نبود خانواده من تلف می شدند. آیا نمی بینی که این گوینده در مُلک خدا برای او شریکی قرار داده است که او را روزی می دهد و از او دفع بلا می کند». کسی عرض نمود: اگر کسی بگوید: اگر خداوند بر من به وسیله فلانی مِت نمی نهاد، هلاک می شدم، چگونه است؟ فرمود: «بلی، در این گفتار عیبی نیست.» (۱)

از امام باقر و صادق (علیهما السلام) درباره شرک در این آیه نیز، نقل شده است که مراد، شرک در نعمت هاست؛ یعنی در نعمت های خداوند متعال، مردم از منعم

ص: ۳۹

۱- (۱). عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي تَفْسِيرِ «وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ» قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «هُوَ الرَّجُلُ يَقُولُ: لَوْلَا فُلَانٌ لَهَلَكْتُ، وَ لَوْلَا فُلَانٌ لَأَصَبْتُ كَذَا وَ كَذَا، وَ لَوْلَا فُلَانٌ لَضَاعَ عِيَالِي، الْاَتْرَى أَنَّهُ قَدْ جَعَلَ لِلَّهِ شَرِيكًا فِي مُلْكِهِ يَرْزُقُهُ وَ يَدْفَعُ عَنْهُ.» قِيلَ: «فَيَقُولُ لَوْلَا اِنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيَّ بِفُلَانٍ لَهَلَكْتُ.» قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «نَعَمْ لَا بَأْسَ بِهَذَا.» .

حقیقی غفلت می کنند و نعمت را تنها به وسایط در نعمت، مستند می نمایند؛ پس غیر خدا را از این راه، شریک خدا در ایصال و اعطای نعمت قرار می دهند. (۱)

ص: ۴۰

۱- (۱) . - وَ عَنْهُمَا (عليهما السلام): «شَرِكُ النَّعْمِ» وَ عَنِ الرَّضَا (عليه السلام): «شَرِكُ لَا يُبْلَغُ بِهِ الْكُفْرَ» (تفسیر صافی، به نقل از عیاشی).

تکبر و تواضع

یکی از صفات ناپسند «تکبر» است و آن عبارت است از این که آدمی خود را برتر و بالاتر از دیگری بیندارد و در رفتار و کردار و گفتارش دیگری را تحقیر نماید. فرق تکبر با «عُجْب» - که بعد از این می آید - آن است که در حالت عجب، آدمی خود را شخصِ ممتازی دانسته و خودپسند است اگر چه پای کسی

ص: ۴۱

دیگر در میان نباشد؛ ولی در حالت کبر، پای غیر نیز در میان است و خود را از او برتر و بالاتر می بیند. ضد صفت تکبر، «فروتنی» است که از اخلاق و صفات نیکوست.

قرآن کریم

«از روی کبر و ناز، بر زمین راه مرو که تو (با پای خود) هرگز زمین را نمی توانی شکافت، و در بلندی هرگز به کوه ها نخواهی رسید.»(۱)

در وصیت لقمان به فرزندش در سوره لقمان: «به تکبر و ناز، از مردم رُخ متاب و در زمین به نشاط و تبختر، قدم بر مدار که خدا مردم متکبر فخر کننده را دوست نمی دارد. در رفتن میانه رو باش و از صدایت بگناه، که ناخوش ترین صداها، آواز خران است.»(۲)

ص: ۴۲

-
- ۱- (۱). «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا.» (بنی اسرائیل، ۳۷)
- ۲- (۲) - «وَلَا تُصَيِّرْ كَفْرًا لِّلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ*» وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.» (لقمان، ۱۸ و ۱۹).

حتی خطاب به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که: «برای مؤمنین بآلت (دست و بازو و جوانب) را فرود آور (یعنی فروتن باش)» (۱)

«برای هر کس از مؤمنین که پیرو تو شد، بآلت (دست و بازو و جوانب) را فرود آور (یعنی فروتن باش)» (۲)

روایات

امام کاظم (علیه السلام): «تواضع آن است که رفتارت با مردم چنان باشد که دوست داری آنان با تو آن گونه رفتار کنند.» (۳)

امام کاظم (علیه السلام): «تواضع درجاتی دارد؛ از آن جمله این است که شخص منزلت و اندازه خود را بشناسد؛ پس با قلب سالم و آرام، خویش را در همان منزلت خود نازل کند، دوست نداشته باشد این که با احدی رفتار کند، مگر مانند آن چه با او

ص: ۴۳

۱- (۱) . - «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ.» (حجر، ۸۸).

۲- (۲) . - «وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ.» (شعراء، ۲۱۵).

۳- (۳) . «التَّوَّاضِعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۶).

رفتار می شود، اگر از کسی بدی ببیند آن را به نیکی دفع کند، فرو خورنده خشم و دارنده گذشت نسبت به مردم باشد؛ خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»(۱)

امام صادق (علیه السلام): «از (نشانه های) تواضع این است که شخص به نشستن در پایین مجلس راضی شود، بر کسی که روبرو می شود سلام کند، ترک جدال کند اگر چه مُحِق باشد و دوست نداشته باشد که بر تقوا ستایش شود.»(۲)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «به راستی فروتنی بر بلندی منزلت می افزاید، پس فروتنی کنید تا خداوند شما را بلند کند.»(۳)

امام صادق (علیه السلام): «از بزرگی کردن و کبر پرهیزید که «کبریایی» ردای خداوند عزوجل است؛ پس کسی که با خدا در ردایش منازعه کند، خداوند او را در روز قیامت می شکند و ذلیل می کند.»(۴)

ص: ۴۴

۱- (۱) - «لِلتَّوَّاضِعِ دَرَجَاتٌ: مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلُهَا مَنَزَلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ، لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مَثَلًا مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ، أَنْ رَأَى سَيِّئَةً دَرَأَهَا بِالْحَسَنَةِ، كَاطْمِ الْغَيْظِ عَافٍ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۶).

۲- (۲) - «إِنَّ مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ يَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَأَنْ يُسَلِّمَ عَلَى مَنْ يَلْقَى وَأَنْ يَتْرُكَ الْمِرَاءَ وَأَنْ كَانَ مُحِقًّا وَ لَا يُحِبُّ أَنْ يُحْمَدَ عَلَى التَّقْوَى.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۶).

۳- (۳) - «إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَّاضِعُوا يَرْفَعِكُمُ اللَّهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۷).

۴- (۴) - «إِيَّاكُمْ وَ الْعَظْمَةَ وَ الْكِبْرَ فَإِنَّ الْكِبْرَ رِذَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ نَارَعَ اللَّهَ رِذَائَهُ قَصِيَمَهُ اللَّهُ وَ أَذَلَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۱).

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «اکثر اهل جهنم متکبرانند.»^(۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «به درستی محبوب ترین شما نزد من و نزدیک ترین شما به جوار من، در قیامت، نیکوترین شماست از جهت خلق، و شدیدترین شماست از جهت تواضع؛ دورترین شما از من در روز قیامت، مستکبرانند.»^(۲)

علی (علیه السلام): «زشت ترین خوی ها تکبر است.»

* «بدترین آفت های خرد، کبر است.»

* «از کبر بپرهیز که بزرگ ترین گناهان و پست ترین عیوب و زینت اهریمن است.» * «فروتنی (آدم را) بلند، و تکبر او را پست می کند.»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «بر شما باد دوستی مساکینِ مسلمین، که هر کس آنان را تحقیر کند و تکبر نماید، از دین خدا لغزیده است و خداوند حقیر کننده و دشمنِ سخت اوست.»^(۴)

ص: ۴۵

۱- (۱) - «أَكْثَرُ أَهْلِ جَهَنَّمَ الْمُتَكَبِّرُونَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۲).

۲- (۲) - «إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ وَ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَجْلِسًا أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَشَدُّكُمْ تَوَاضِعًا وَ إِنَّ أَبْعَدَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَمَةِ الثَّرَاوُونَ وَ هُمُ الْمُسْتَكْبِرُونَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۲).

۳- (۳) - «أَقْبَحُ الْخُلُقِ التَّكَبُّرُ * شَرُّ آفَاتِ الْعَقْلِ الْكِبْرُ * اِيَّاكَ وَ الْكِبْرَ فَإِنَّهُ أَغْظَمُ الذُّنُوبِ وَ أَلْأَمُّ الْعُيُوبِ وَ هُوَ حَلِيَّةُ ابْلِيسَ * التَّوَاضِعُ يَرْفَعُ وَ التَّكَبُّرُ يَضَعُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۹ به نقل از آمدی در غرر).

۴- (۴) - «عَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ فَإِنَّ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَ تَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَهُ حَاقِرٌ مَاقِتٌ.» (تحف العقول، فرازی از نامه امام صادق (علیه السلام) به گروهی از شیعیان و یاران آن حضرت).

نقل شده است که امام رضا (علیه السلام) در نامه اش به مأمون، و امام صادق (علیه السلام) در حدیث «شرایع الدین»، کبر و استعمال تکبر را در عداد گناهان کبیره شمرده اند.»^(۱)

علی (علیه السلام) در پیماننش به محمدبن ابی بکر، هنگامی که حکومت مصر را به او واگذار نمود، فرمود: «برای مردم بال بیفکن (یعنی متواضع باش) و پهلویت را نرم دار (یعنی با مدارا باش) و رویت را بگشا (یعنی ترش روی مباش).»^(۲)

امام رضا (علیه السلام): «کسی که فقیر مسلمانانی را ملاقات کند و به او نه به آن گونه که با مال داران سلام می کند، سلام کند، در روز قیامت با غضب خداوند عزوجل روبرو می شود.»^(۳)

ص: ۴۶

۱- (۱) - «(الکبائر) هِيَ قَتِيلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَ الزَّانَا وَ السَّرِقَةَ وَ شُرْبُ الخَمْرِ وَ عُقُوقُ الوَالِدَيْنِ (الی انْ قَالَ) علیه السلام) وَ الْكِذْبُ وَ الْكِبْرُ وَ الْاِسْرَافُ وَ التَّبْدِيرُ وَ الْخِيَانَةُ.» الخیر. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۶۴).

۲- (۲) - «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ اِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ اِبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ.» (نهج البلاغه).

۳- (۳) - «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَيَّ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۰).

خودپسندی، از خود راضی بودن، خود بینی، به خود بالیدن، بزرگ انگاشتنِ خود، به جهت وصفی از اوصاف نفسانی، یا به جهت رأی و فکر خود در امور، یا به عمل و کرداری از خود، حالتی بسیار بد و مهلك است و در مدارك دین اسلام از آن مذمت و منع شده است.

امام صادق (علیه السلام): «کسی که خودپسندی بر او وارد شود، هلاک می شود.»^(۱)

از امام صادق یا امام باقر (علیهما السلام) روایت شده است: «دو نفر وارد مسجد شدند؛ یکی عابد و دیگری فاسق و چون از مسجد خارج شدند فاسق صدیق بود، و عابد فاسق؛ زیرا چون عابد داخل مسجد شد به عبادت خود می بالید و در این فکر بود، ولی مرد فاسق در فکر پشیمانی از گناهش بود و طلب آمرزش از خداوند متعال می نمود.»^(۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «سه چیز از جمله مهلکات است: هوی و هوسی که پیروی شود و حرص و بخلی که اطاعت گردد، و به خود بالیدن انسان.»^(۳)

ص: ۴۸

۱- (۱) روایات ۱. «مَنْ دَخَلَ الْعُجْبُ هَلَكَ.» (وافی، جزء سوم، ص ۱۵۱)

۲- (۲). «دَخَلَ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَالْآخَرُ فَاسِقٌ فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجِدِ وَالْفَاسِقُ صِدِّيقٌ وَالْعَابِدُ فَاسِقٌ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ مُدِلًّا بِعِبَادَتِهِ يُدَلُّ بِهَا فَيَكُونُ فِكْرُهُ فِي ذَلِكَ وَ يَكُونُ فِكْرُهُ الْفَاسِقِ فِي التَّنَدُّمِ عَلَى فِسْقِهِ وَ يَسْتَتَعْفُرُ اللَّهُ تَعَالَى مِمَّا ذَكَرَ مِنَ الذُّنُوبِ.» (همان)

۳- (۳). «ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ هَوَىٌّ مُتَّبَعٌ وَ شُحٌّ مُطَاعٌ وَ اعْجَابٌ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ» (وسائل الشیعه، ج ۱، باب ۲۳، ص ۱۶)

علی (علیه السلام): «از نادانی همین بس تو را، که به دانشت بیالی.» (۱)

علی (علیه السلام): «کار بدی که تو را بد آید و بد حال کند، بهتر است نزد خداوند از کار نیکی که تو را به عجب آورد.» (۲)

علی (علیه السلام): «معجب شدن آدمی به نفس خود (یعنی خودپسندی آدمی) دلیل بر ضعف عقل اوست.» (۳)

امام باقر (علیه السلام): «سه چیز شکننده پشت است: کسی که عمل (خیر) خود را زیاد شمرد، گناه خود را فراموش کند و به رأی خود معجب و خودپسند شود.» (۴)

امام کاظم (علیه السلام): «برای عجب درجاتی است که از آن جمله این است که: کار بد انسان در نظرش به صورت خوبی جلوه کند و آن را نیکو بیند؛ پس او را کار بد، خوش آید و به خود ببالد و پندارد که کاری نیکو کرده است...» (۵)

و از آن جمله این است که عبد به پروردگار خود ایمان آورد و منت بر او نهد و حال آن که خدا را بر او منت است.» (۶)

ص: ۴۹

۱- (۱). «حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تُعْجِبَ بِعِلْمِكَ.» (همان، باب ۲۳، ص ۱۷)

۲- (۲). «سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ.» (همان)

۳- (۳). «اِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ.» (همان، ص ۱۶)

۴- (۴). «ثَلَاثُ قَاصِمَاتِ الظَّهْرِ رَجُلٌ اسْتَكْتَرَّ عَمَلَهُ وَ نَسِيَ ذُنُوبَهُ وَ اعْجَبَ بِرَأْيِهِ.» (همان، ج ۱، باب ۲۲، ص ۱۵)

۵- (۵). «لِلْعُجْبِ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يُزَيَّنَ لِلْعَبْدِ سُوءُ عَمَلِهِ فَيَرَاهُ حَسَنًا فَيُعْجِبُهُ وَ يُحْسِبُ أَنَّهُ يُحْسِنُ صُنْعًا وَ مِنْهَا أَنْ يُؤْمِنَ الْعَبْدُ بِرَبِّهِ فَيُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لِلَّهِ عَلَيْهِ فِيهِ الْمَنُّ.» (همان، باب ۲۳، ص ۱۶)

۶- (۶). بدترین اقسام عجب همین قسم است، خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو (ای رسول ما به مردم) آیا شما رای خبر دهیم به زیانکارترین اشخاص؟ کسانی که کوشش شان در زندگی دنیا، تباه شد در حالی که خویش رای نیکوکار می پنداشتند.» (کهف، ۱۰۳ و ۱۰۴)

منشأ عجب در انسان، نوعاً نادانی است. معجب، خود و خدا را به درستی نشناخته و فقر ذاتی خود و عظمت خدا را نمی داند؛ از این جهت به کمالات مادی و بدنی و روحی خود و به رأی و فکر و کارهای حسنه خود می بالد، غافل از این که کمالات روحی و نعمت های مادی از فضل و جانب خدا است و فکر صحیح و رأی صواب و کارهای حسنه نیز، همه به توفیق و تأیید خداوند است...

پس جای خودپسندی و عجب برای انسان نیست و گاه همین عجب و خودپسندی موجب و منشأ خودستایی در انسان می شود. (۱)

ص: ۵۰

۱- (۱) «وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ.» (نحل، ۵۳) «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.» (نور، ۲۱) «إِنَّ اللَّهَ لَمَدُّو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.» (غافر، ۶۱) «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ.» (نساء، ۷۹)

تزکیه نفس: خود ستودن. در قرآن کریم و احادیث از خودستایی مذمت و منع شده است. ستاییدن خود، مدح و ثنای خود گفتن است. قرآن در مقام مذمت اشخاصی که خود را می ستایند می فرماید:

ص: ۵۱

«آیا نظر نینفکندی به سوی آنان که تزکیه نفس و خودستایی می نمایند (چه کار قبیحی می کنند)، بلکه خداست که (می تواند) هر کس را بخواهد (و شایسته باشد) تزکیه نموده و بستاید، و به اندازه رشته باریکی هم که در میان شکاف دانه خرما است، ظلم و ستم نمی شوند.»^(۱)

«خداوند به (احوال و چگونگی های) شما داناتر است هنگامی که شما را (از نطفه و نطفه را از غذا و غذا را) از زمین ایجاد فرمود و هنگامی که شما در شکم های مادرانتان جنین بودید؛ پس تزکیه نفس (یعنی خودستایی) نکنید (بلکه خدا را سپاس و ستایش کنید به نعمت هایی که در خود و با خود می بینید). او داناتر است به کسی که پرهیزکار است.»^(۲)

ص: ۵۲

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا.» (نساء، ۴۹)
- ۲- (۲). «هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى.» (نجم، ۳۲)

«و اما نعمت پروردگارت را بیان کن (با نسبت دادن به پروردگار متعال، از آن سخن بگو.» (۱)

روایات

امام باقر (علیه السلام): «احدی از شما به کثرت نماز و روزه و زکات و قربانیش (یا سایر عباداتش) افتخار نکند که خداوند عزوجل داناتر است به کسی که پرهیزکار شود از شما.» (۲)

از امام صادق (علیه السلام) در مورد معنی آیه «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ» سؤال شد. آن حضرت فرمود: «گفتار انسان که (در مقام تزکیه و خودستایی) گوید: دیشب نماز خواندم، دیروز روزه گرفتم و مانند این.» (۳)

ص: ۵۳

۱- (۱). «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ.» (ضحی، ۱۱)

۲- (۲) روایات ۳. فی تَفْسِيرِ الصَّافِي عَنِ الْعَلَلِ عَنِ الْبَاقِرِ (علیه السلام) فی آیه «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى»: «لا یفتخر احدکم بکثره صلوته و صیامه و زکوته و نسکه لا الله عزوجل اعلم بمن اتقی منکم.»

۳- (۳). فی الصَّافِي عَنِ الْمَعَانِي عَنِ الصَّادِقِ (علیه السلام) أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ هَذِهِ الْآيَةِ «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ» فَقَالَ (علیه السلام): «قول الانسان صلیت البارحه و صمت امس و نحو هذا.»

از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: «آیا جایز است که شخص تزکیه نفس خود کند؟ فرمود: بلی، در موقع اضطرار (که نوعاً هر حرامی حلال می شود). آیا نشنیده ای قول یوسف (علیه السلام) را: "اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ" ، و قول عبد صالح را: "وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ" یعنی یوسف (علیه السلام) در موقع ضرورت، از خود تعریف کرده و خود را «نگهبانی بسیار دانا» معرفی کرده و صالح (علیه السلام) نیز خود را «خیرخواهی امین» معرفی نموده است».^(۱)

ص: ۵۴

۱- (۱). فِي الصَّافِي، عَنِ الْعِيَّاشِيِّ، عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) أَنَّهُ سُئِلَ: «هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَزَكِيَ الْمَرْءُ نَفْسَهُ». قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «نَعَمْ إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهِ؛ أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ يُوسُفَ (عَلَيْهِ السَّلَام) «اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ» وَ قَوْلَ الْعَبْدِ الصَّالِحِ " وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ " .»

حسد (رشک)

از بدترین رذائل و عیوب، اظهار حسد است که در اسلام از آن نهی شده است. حسد عبارت است از آرزوی زوال نعمتی از دیگری، تا همان نعمت به او داده شود؛ و اگر مثل آن نعمت را از خدا بخواهد و آرزوی زوال آن را از دیگران نکند، آن را

ص: ۵۵

غبطه خوانند که مذموم نیست. ضد صفت حسد، صفت خیرخواهی (برای مردم) است.

قرآن کریم

«بلکه آنان بر آنچه خداوند به مردم از فضل خود داده رشک می برند.» (۱)

«چیزی را که خدا با آن بعضی از شما را به بعض دیگر فزونی و برتری داده است آرزو نکنید؛ مردان را از آنچه به دست آورده اند بهره ای است و زنان را نیز از آن چه کسب نموده اند بهره ای؛ و از فضل خدا بخواهید (تا مثل آن چه را که به دیگران داده است، به شما هم بدهد؛ نه این که آن نعمت را از دیگری زایل کند و به شما بدهد) که خداوند به همه چیز دانا است.» (۲)

ص: ۵۶

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.» (نساء، ۵۴)
- ۲- (۲). «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ سَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.» (نساء، ۳۲)

در تفسیر آیه شریفه فوق از امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمود: «یعنی احدی از شما نگوید: ای کاش آن چه به فلانی - از مال و نعمت و زن نیکو - داده شده است، مال من بود؛ این حسد است؛ جایز است بگوید: پرودگارا! مثل آن را به من عطا فرما.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «آفت دین، رشک و خودپسندی و نازیدن است.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «همانا رشک، ایمان را می خورد؛ چنان که آتش هیزم را.» (۳)

امام صادق (علیه السلام): «همانا مؤمن غبطه (۴) می خورد و رشک نمی ورزد، و منافق رشک می ورزد و غبطه نمی خورد.» (۵)

ص: ۵۷

-
- ۱- (۱) روایات ۱. عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي تَفْسِيرِ آيَةِ: «أَيُّ لَاقِلٍ أَحَدُكُمْ لَيْتَ مَا أُعْطِيَ فُلَانٌ مِنَ الْمَالِ وَالنَّعْمَةِ وَالْمَرْثَةِ الْحَسَنَاءِ كَانَ لِي فَإِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ حَسَدًا وَ لَكِنْ يَجُوزُ أَنْ يَقُولَ اللَّهُمَّ اعْطِنِي مِثْلَهُ.» (تفسیر صافی، به نقل از مجمع)
- ۲- (۲). «آفَةُ الدِّينِ الْحَسَدُ وَالْعُجْبُ وَالْفَخْرُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۰)
- ۳- (۳). «إِنَّ الْحَسَدَ لَيَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ.» (همان)
- ۴- (۴). «إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَغْبِطُ وَلَا يَحْسُدُ وَالْمُنَافِقُ يَحْسُدُ وَلَا يَغْبِطُ.» (همان)
- ۵- (۵). معنی غبطه در اول این بحث گذشت.

امام صادق (علیه السلام): «از خدا بپرهیزید و به یکدیگر رشک موزید.»^(۱)

امام کاظم (علیه السلام): «بهترین چیزی که بعد از معرفت خدا، به وسیله آن، عبد به خداوند تقرب پیدا می کند نماز است و نیکی به پدر و مادر و ترک رشک و خودپسندی و فخر (نازیدن).»^(۲)

علی (علیه السلام): «حسد سرآمد عیب هاست.»^(۳)

* «حسود، آقا نمی شود.»

* «حسود دائماً بیمار است، گرچه جسمش سالم باشد.»

* «ثمره حسد، بدبختی دنیا و آخرت است.»

* «سرآمد رذائل، حسد است.»

* «از حسد بپرهیز که حسد بدترین خوی و زشت ترین طبیعت است.»

ص: ۵۸

۱- (۱). «اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا يَحْسُدْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا.» (همان)

۲- (۲). «أَفْضَلُ مَا يَتَقَرَّبُ بِهِ الْعَبْدُ إِلَى اللَّهِ بِعِدِّ الْمَعْرِفَةِ بِهِ، الصَّلَاةُ وَ بُرْءُ الْوَالِدَيْنِ وَ تَرْكُ الْحَسَدِ وَ الْعُجْبِ وَ الْفَخْرِ.» (تحف العقول،

از وصیت امام کاظم علیه السلام به هشام)

۳- (۳). «الْحَسَدُ رَأْسُ الْعُيُوبِ * الْحَسُودُ لَا يَسُودُ * الْحَسُودُ دَائِمُ السُّقْمِ وَ إِنْ كَانَ صَاحِبِ الْجِسْمِ * ثَمَرُهُ الْحَسَدُ شَقَاءُ الدُّنْيَا

وَ الْآخِرَةِ * رَأْسُ الرَّذَائِلِ الْحَسَدُ * إِيَّاكَ وَ الْحَسَدَ فَإِنَّهُ شَرُّ شَيْمِهِ وَ أَقْبَحُ سَائِرِ جَيْهِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۸، به نقل از

آمدی در «غرر»)

بخل یکی از صفات رذیله است که در اسلام از آن مذمت شده است. این صفت موجب پستی و تزییع شأن و شرف آدمی و محرومیت نیازمندان از حقوق حقّه آن هاست.

«آنان که در آن چه خداوند از فضل خویش به ایشان عطا کرده، بخل می ورزند، نپندارند که آن بخل برایشان خیر است، (نه) بلکه برایشان شرّ است.» (۱)

«هان! شما کسانی هستید که فراخوانده می شوید تا در راه خدا انفاق کنید پس برخی از شما کسانی اند که بخل می ورزند؛ و کسی که بخل می ورزد، جز این نیست که بر خود بخل می کند (و به خود ضرر زده است) و خداوند بی نیاز است و شما نیازمندانید.» (۲)

«مسلماً خداوند کسی را که متکبر و نازان باشد دوست ندارد. همان کسانی که بخل می ورزند و مردم را به بخل وا می دارند و آنچه را که خداوند از فضل خود به

ص: ۶۰

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ.» (آل عمران، ۱۸۰)
۲- (۲). «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ.» (محمد، ۳۸)

آنان داده است پنهان می کنند، و برای کسانی که کافر (به نعمت خداوند) هستند عذابی خوارکننده مهیا کرده ایم.» (۱)

روایات

امام رضا (علیه السلام): «سخاوتمند، به خدای متعال، به مردم، و به بهشت نزدیک است. شخص بخیل، از خدا و بهشت و مردم دور است.» (۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «از بخل و حرص پرهیزید و برسید! که پیش از شما کسانی به جهت آن هلاک شدند. بخل و حرص آنان را به دروغ واداشت،

ص: ۶۱

-
- ۱- (۱). «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا - فَخُورًا * الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا.» (نساء، ۳۶ و ۳۷)
- ۲- (۲) روایات ۲. «السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۱، صفحه ۵۰۷؛ به نقل از «عیون اخبار» صدوق)

دروغ گفتند؛ و به ستم واداشت، ستم کردند، و به بریدن از هم وادار کرد، پس از هم بریدند.»(۱)

امام باقر (علیه السلام): «شخص با ایمان، ترسو و آزمند و بخیل نمی شود.»(۲)

ص: ۶۲

۱- (۱). «إِيَّاكُمْ وَ الشُّحَّ فَإِنَّمَا هَلَمَّكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشُّحِّ، أَمْرَهُمْ بِالْكَذِبِ فَكَذَبُوا وَ أَمْرَهُمْ بِالظُّلْمِ فَظَلَمُوا وَ أَمْرَهُمْ بِالْقَطِيعَةِ

فَقَطَعُوا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶)

۲- (۲). «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ جَبَانًا وَ لَا حَرِيصًا وَ لَا شَحِيحًا.» (همان)

حسن خلق

یکی از صفات نیکو، حسن خلق است که از آن در اسلام مدح بسیار و از ضد آن (بدخلقی) نکوهش زیادی شده است.

ص: ۶۳

در قرآن کریم، خطاب به پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است: «و اگر تندخو و سخت دل بودی، مردم از گرد تو پراکنده می شدند.»^(۱)

روایات

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کامل ترین مؤمنین از لحاظ ایمان، نیکوترین آنان از لحاظ خلق است.»^(۲)

جعفر بن محمد (علیه السلام): «کامل ترین مردم از لحاظ خرد، نیکوترین آنان از لحاظ خلق است.»^(۳)

ص: ۶۴

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ.» (آل عمران، ۱۵۹)

۲- (۲) روایات ۲. «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۱)

۳- (۳). «أَكْمَلُ النَّاسِ عَقْلًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا.» (همان)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هیچ چیز در ترازوی عدل، سنگین تر از حسن خلق نیست.»^(۱)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خوش خلق باشید که سرانجام آن، ناچار بهشت است؛ و دوری جوید از بد خلقی که سرانجام آن ناچار آتش است.»^(۲)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «روز رستاخیز، در میزان شخص، چیزی افضل از حسن خلق گذاشته نمی شود.»^(۳)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «حتماً برای صاحب خلق نیکو، مانند اجر روزه دار و شب زنده دار است.»^(۴)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خلق بد، عمل (نیک) را فاسد می کند، هم چنان که سرکه غسل را.»^(۵)

ص: ۶۵

۱- (۱). «ما مِنْ شَيْءٍ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.» (همان)

۲- (۲). «عَلَيْكُمْ بِحُسْنِ الْخُلُقِ فَإِنَّ حُسْنَ الْخُلُقِ فِي الْجَنَّةِ لَا مَحَالَةَ، وَ إِيَّاكُمْ وَ سُوءَ الْخُلُقِ فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ فِي النَّارِ لَا مَحَالَةَ.»
(وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۱)

۳- (۳). «ما يُوضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِءٍ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ.» (همان)

۴- (۴). «إِنَّ صَاحِبَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.» (همان)

۵- (۵). «الْخُلُقُ السَّيِّئُ يُفْسِدُ الْعَمَلَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ.» (همان)

امام صادق (علیه السلام): «به راستی خلق بد، ایمان را فاسد می کند، هم چنان که سرکه عسل را.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که بد خلق باشد، خودش را به عذاب افکنده است.»^(۲)

علی (علیه السلام): «هیچ توبه کاری نیست، مگر اینکه توبه او گناه برای وی سالم می ماند، جز بد خلق (که توبه او همیشه شکسته می شود) چون بد خلق از گناهی توبه نمی کند، مگر این که در گناه دیگری، بدتر از آن واقع می شود.»^(۳)

در بیان اندازه و حد حسن خلق، از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: «نرم می کنی جانب را (یعنی خشن و متکبر مباش) و پاکیزه می کنی کلامت را، و برادر (مسلمانان) را با روی باز و نیکو روبرو می شوی.»^(۴)

ص: ۶۶

۱- (۱). «إِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ لِيُفْسِدَ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسْلَ.» (همان، ص ۴۷۵)

۲- (۲). «مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ.» (همان)

۳- (۳). «مَا مِنْ تَائِبٍ إِلَّا وَقَدْ تَسَلَّمَ لَهُ تَوْبَتُهُ مَا خَلَا السَّيِّئَ الْخُلُقَ لِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ مِنْ ذَنْبِ الْإِذْوَاعِ فِي غَيْرِ أَشْرٍ مِنْهُ.» (همان، ص ۴۷۶)

۴- (۴). «فِي بَيَانِ حَدِّ حُسْنِ الْخُلُقِ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «تَلَيِّنْ جَنَاحَكَ وَتَطْيِبْ كَلَامَكَ وَتَلْقَى إِخَاكَ بِبِشْرٍ حَسَنٍ.» (همان، ص ۲۲۲)

در اسلام نسبت به صبر، تحریص اکیدی شده و موجب پیروزی و موفقیت در جمیع امور است.

ص: ۶۷

«ای گروهی که ایمان آورده اید (بر انجام فرایض و احتراز از منکرات و در مصائب و در پیشرفت جمیع امور) به صبر و مقاومت، و به خواندن نماز مدد جوئید و کمک بگیرید، که خداوند با صابران است.» (۱)

«و (ای رسول ما) صابران را بشارت ده؛ آنان که چون مصیبتی به ایشان رسد، گویند که ما (بنده و) از آن خداییم و به سوی او باز می گردیم. درود و صلوات عظیم و رحمتی بزرگ از پروردگارشان بر آنان، آنانند که به هدایت نائل و رهبری شده اند.» (۲)

«و (ای رسول ما)! متواضعان را بشارت بده؛ آنان که چون ذکر خدا شود دل هاشان (از عظمت او) به ترس افتد، و صابرین بر مصیبت را (بشارت بده)، و

ص: ۶۸

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.» (بقره، ۱۵۳)
- ۲- (۲). «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ.» (بقره، ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷)

(بشارت بده) آنان را که برپا دارنده نمازند (به حدود و شرایط آن) و از آن چه ما به ایشان روزی کرده ایم انفاق می کنند» (۱)

«کسانی که ایمان آورده و کارهای صالح و شایسته کرده اند، آنان را در غرفه هایی از بهشت جا می دهیم که از زیر آن ها نهرها جاری می شود؛ در آن جا جاوید خواهند بود. چه نیکوست اجر عمل کنندگان؛ آنان که (در مصیبت ها و انجام طاعات و اجتناب از معاصی) صبر کرده و بر پروردگارشان اعتماد و توکل می کنند» (۲)

«جز این نیست که اجر صابرين، بی حساب و تمام و کامل داده می شود.»

«سوگند به عصر! که انسان در خسران و زیان است؛ جز آنان که ایمان آورده و کارهای صالح و شایسته کرده و به یکدیگر سفارش به حق و سفارش به صبر و بردباری نموده اند» (۳)

ص: ۶۹

۱- (۱). «و بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ * الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَ الصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَ الْمُتَمِيمِينَ الصَّلَاةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.» (حج، ۳۴ و ۳۵)

۲- (۲). «وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَبَوَّؤُنَّهِمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.» (عنكبوت، ۵۸ و ۵۹)

۳- (۳). «وَ الْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ * إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.» (سوره عصر)

«و چه بسا پیغمبری که به همراهی او جماعت کثیری جنگ کردند و از صدماتی که به آنان در راه خدا رسید، سست نشدند و ضعیف نگشتند و خضوع و خشوع (به دشمن) نمودند؛ و خداوند صابران را دوست دارد.»^(۱)

روایات

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «صبر سه قسم است: صبر هنگام مصیبت، صبر بر طاعت، صبر از معصیت.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «صبر نسبت به ایمان، به منزله سر است نسبت به تن؛ پس هم چنان که سر، اگر برود تن از بین می رود و هلاک می شود، صبر هم چون برود ایمان می رود.»^(۳)

ص: ۷۰

۱- (۱). «وَ كَذَآئِنٌ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكَانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.» (آل عمران، ۱۴۶)

۲- (۲) روایات ۲. «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ.» (وافی، جزء دوم، ص ۶۶)

۳- (۳). «الصَّبْرُ مَنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا ذَهَبَ الرَّأْسُ ذَهَبَ الْجَسَدُ كَذَلِكَ إِذَا ذَهَبَ الصَّبْرُ ذَهَبَ الْإِيمَانُ.» (همان، جزء سوم، ص ۶۵)

علی (علیه السلام): «صبر در همهٔ امور به منزلهٔ سر است نسبت به تن؛ هم چنان که سر اگر از تن جدا شود تن فاسد می شود، صبر هم اگر از امور جدا شود امور فاسد می گردد.» (۱)

علی (علیه السلام): «صبر دو گونه است: صبر به هنگام مصیبت که نیکوست و نیکوتر از آن، صبر در برابر آن چه که خدای عزوجل آن را حرام فرموده است (صبر بر ترک معصیت).» (۲)

علی بن الحسین (علیه السلام): «صبر نسبت به ایمان به منزلهٔ سر نسبت به تن است؛ و کسی که صبر ندارد، ایمان ندارد.» (۳)

امام صادق (علیه السلام): «بر تو باد صبر در جمیع امور که خداوند تعالی محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را مبعوث نمود، آن گاه او را به صبر و رفق و مدارا امر کرد.» (۴) و فرمود:

ص: ۷۱

۱- (۱). «الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ وَ إِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ.» (همان، ص ۶۶)

۲- (۲). «الصَّبْرُ صَبْرَانِ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ حَسَنٌ جَمِيلٌ وَ أَحْسَنُ مِنْ ذَلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْكَ.» (وافی، جزء سوّم، ص ۶۵)

۳- (۳). «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ.» (همان)

۴- (۴). «عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ فِي جَمِيعِ أُمُورِكَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) فَأَمَرَهُ بِالصَّبْرِ وَ الرَّفْقِ، فَقَالَ: وَ اصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا- وَ ذَرْنِي وَ الْمُكْذِبِينَ أَوْلَى النَّعْمَةِ. وَ قَالَ تَعَالَى: اذْفَعْ بِأَلْتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَ مَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ.» (الخبر. (همان، ص ۶۷)

«ای رسول ما! بر اذیت مشرکین صابر باش و از آن‌ها به خوشی و نرمی و مدارا کناره‌گیری کن و آن‌ها را که به نعمت ما نائل شده و به جای شکر و سپاس تکذیب و دشمنی می‌کنند، به ما واگذار». و نیز خداوند در قرآن فرموده: «از بدی‌ها و مزاحمت کفار و مشرکین به خوشی و مدارا دفاع کن (بدی‌های آن‌ها را به نیکی پاسخ گوی)؛ در نتیجه آن که با تو دشمن است مانند دوست، مهربان خواهد شد و این رویه، شعار صابرین و کسانی است که بهره‌ای عظیم از تأیید و توفیق خدا دارند.»^(۱)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «اگر برایت میسر است که مشکلات و مصائب را با صبر و یقین (به مقدرات و درجات صابرین) تحمل کنی، چه بهتر؛ پس اینطور باش (یعنی با چنین یقینی صبر کن) و اگر صبر و یقین با هم میسر نیست، دست کم صابر باش؛ زیرا در صبر بر مشکلات و مکروهات منافع بسیاری است و بدان که پیروزی با صبر است و گشایش به دنبال اندوه و گرفتاری (زیرا خداوند در قرآن

ص: ۷۲

۱- (۱) شرح دو آیه، ضمن روایت فوق، نوشته شده است، نه عین ترجمه آنها.

کریم فرموده است: با هر سختی آسانی و گشایشی است (و این جمله در قرآن کریم برای تأکید تکرار شده).^(۱)

امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «به راستی من در مورد این غلام (و اعمال و رفتار نامطلوب او) و نیز بر مشکلات خانوادگی و کسانم، آن چنان شکیبایی می ورزم که از حنظل (هندوانه ابی جهل) تلخ تر است؛ زیرا کسی که صابر باشد با صبر خود به درجات روزه داران و شب زنده داران و شهدای رکاب پیغمبر می رسد.»^(۲)

ص: ۷۳

-
- ۱- (۱). «إِنْ اسْتِطَعْتَ أَنْ تَحْمَلَ بِالصَّبْرِ مَعَ الْيَقِينِ فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّرَ خَيْرًا كَثِيرًا وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرْجَ مَعَ الْكَرْبِ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۵)
- ۲- (۲). «أَنِّي لَأَصْبِرُ مِنْ غُلَامِي هَذَا وَمِنْ أَهْلِي عَلَى مَا هُوَ أَمْرٌ مِنَ الْحَنْظَلِ أَنَّهُ مَنْ صَبَرَ نَالَ بِصَبْرِهِ دَرَجَةَ الصَّائِمِ الْقَائِمِ وَ دَرَجَةَ الشَّهِيدِ الَّذِي قَدْ ضَرَبَ بِسَيْفِهِ قُدَامَ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم)» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۵)

توکل به خدا

توکل به خدا در امور، اظهار و اعتراف به عجز در انجام امور و رسیدن به مقاصد است و نیز اعتماد به خدا کردن است در واگذاری امور به ذات اقدس او. در اسلام یکی از وظایف شخص با ایمان همین است که در جمیع امور توکل بر خدا داشته باشد. باید دانست که وظیفهٔ عبد با ایمان در مقام توکل، آن است که برای

رسیدن به هر خواسته که اسباب عادی و طبیعی برای آن میسر است به اسباب عادی متمسک شود، ولی رسیدن به مطلوب را سرانجام مشروط به اراده و اذن تکوینی خداوند بداند؛ در این صورت با انجام وظیفه عادی (یعنی با تمسک به اسباب) امید و اعتمادش تنها به خواست و لطف خدا باشد که به مقصود نائل شود، آری در موردی که اسباب ظاهری و طبیعی میسر نیست و کاری از دست او بر نیاید، باید فقط و فقط به خداوند قادر متعال توکل نماید.

قرآن کریم

«خدایی جز خدای (واقعی) نیست و باید اهل ایمان تنها بر خدا توکل نمایند.» (۱)

«هر که بر خدا توکل نماید، خداوند او را کافی است.» (۲)

«مسلماً مؤمنین آنانند که چون به یاد خدا افتند دل هاشان بیمناک شود (از عظمت و مخالفت و معصیت او) و هنگامی که آیات خدا بر ایشان خوانده می شود، ایمان آنان زیاد می ردد و بر پروردگارشان توکل می کنند.» (۳)

ص: ۷۵

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ.» (تغابن، ۱۳)

۲- (۲). «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.» (طلاق، ۳)

۳- (۳). «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ.» (انفال،

(۲)

«به راستی، خداوند متوکلین را دوست دارد.»^(۱)

روایات

امام صادق (علیه السلام): «همانا بی نیازی و عزت، می گردند و در هر موضع (در هر شخصی) که توکل بیابند فرود می آیند و آن جا را وطن خود قرار می دهند.»^(۲)

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمودند: «هر کس دوست دارد که (روحاً) از تمام مردم نیرومندتر باشد، باید بر خدا توکل نماید.»^(۳)

و نیز فرمودند: «هر کس مایل است که پرهیزگارترین مردم شود پس باید توکل بر خدا کند.»^(۴)

ص: ۷۶

۱- (۱). «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.» (آل عمران، ۱۵۹)

۲- (۲) روایات ۳. «إِنَّ الْغِنَى وَالْعِزَّ يَجُولَانِ فَإِذَا ظَفَرَا بِمَوْضِعِ التَّوَكُّلِ أُوطِنَا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۷)

۳- (۳). «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۸؛ به نقل از روضه الواعظین)

۴- (۴). «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَتَقَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.» (همان)

اغتصام به خدا

اعتصام به خدا، چنگ زدن به لطف الهی و تمسک جستن و ملتجی شدن به اوست به منظور حفظ از گمراهی و معصیت خدا، یا از هر شر و مکروه دیگری. اسلام در حالی که به شدت مردم را به سعی و کوشش و تلاش در محیط زندگی

ص: ۷۷

برای بهتر زیستن و انتظام زندگانی دستور می دهد آنان را به اعتصام و توسل به خدا در همه احوال، تشویق می کند.

قرآن کریم

«ای مردم! شما را دلیل و برهانی (عظیم) از پروردگارتان آمد و به سوی شما نوری واضح فرستادیم؛ پس آنان که به خدا گرویدند و به او متمسک شدند، خدا به زودی ایشان را در رحمتی از خود و فضلی (عظیم) در می آورد و آنان را به سوی خود به راهی مستقیم هدایت می کند.» (۱)

«نماز را بر پا دارید و زکات دهید و به خدا متمسک و متوسل شوید، اوست مولای شما، چه نیکو مولا- و نیکو یآوری است.» (۲)

«و آن که به خدا متمسک و متوسل شود، محققاً به راهی راست هدایت یافته است.» (۳)

ص: ۷۸

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا * فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةِ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا.» (نساء، ۱۷۴ و ۱۷۵)
- ۲- (۲). «فَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.» (حج، ۷۸)
- ۳- (۳). «وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.» (آل عمران، ۱۰۱)

علی (علیه السلام): «کسی که به خدا متمسک شود، خدا او را نجات دهد.»^(۱)

* «کسی که متمسک به خدا شود، هیچ شیطانی به او ضرر نرساند.»

امام صادق (علیه السلام): «هر بنده ای که به خواسته خداوند توجه نماید، خداوند نیز به خواسته او توجه خواهد نمود. و کسی که به خدا اعتصام کند، خداوند او را نگهداری و محافظت فرماید. و کسی که خدا به او اقبال کند و او را حفظ نماید اگر آسمان به زمین افتد یا بلیه ای بر اهل زمین نازل گردد، باکی ندارد و با این که بلا شامل مردم می شود، او در حزب خدا (و در پناه او) است به سبب تقوی و

ص: ۷۹

۱- (۱) روایات ۲. «مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ نَجَاهُ * مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۸)

پرهیزکاری؛ مگر نه این است که خداوند می فرماید: "پرهیزکاران در جایگاه امن و امانی می باشند" [\(۱\)](#).

ص: ۸۰

۱- (۱). «أَيُّمَا عَبْدٌ أَقْبَلَ قِبَلَ مَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَقْبَلَ اللَّهُ قِبَلَ مَا يُحِبُّ، وَ مَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ عَصِمَهُ اللَّهُ، وَ مَنْ أَقْبَلَ اللَّهُ قِبَلَهُ وَ عَصِمَهُ لَمْ يُبَالِ لَوْ سَقَطَتِ السَّمَاءُ عَلَى الْأَرْضِ أَوْ كَانَتْ نَازِلَةً عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَشَمَلَتْهُمْ بَلِيَّةٌ كَانَتْ فِي حِزْبِ اللَّهِ (وَ فِي رِوَايَةٍ فِي حِزْبِ اللَّهِ) بِالْتَّقْوَى مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: "إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ آمِنٍ"» (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۴۷)

خوف و رجا و حسن ظن به خداوند متعال

اگر چه شخص با ایمان از جهت گناه و خطایش، باید پیوسته از عقاب خداوند متعال خائف بوده و از کیفر و مؤاخذه او مأمون نباشد، ولی در عین حال باید به رحمت و فضل و غفران پروردگار مهربان نیز امیدوار بوده و حسن ظن به او داشته

ص: ۸۱

باشد و هیچ گاه نباید از رحمت قادرِ متعال نا امید گشته و سوءظن به او پیدا کند؛ که یأس از رحمت خداوند و سوءظن به او، از معاصی پروردگار مهربان است.

روایات

امام باقر (علیه السلام): «هیچ بنده مؤمنی نیست، مگر این که در قلب او دو نور است: نور خوف (از گناهِش که قادر متعال او را عقوبت کند) و نور امید (به رحمت و فضل و غفران پروردگار متعال که او را ببخشد) که اگر این دو نور سنجیده شود، هیچ یک بر دیگری زیادتى نکند.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «مؤمن، مؤمن (حقیقی) نشود تا این که خائف (از گناه و عقابش) و امیدوار (به رحمت پروردگارش) گردد، و خائف و امیدوار نباشد تا این که به جهت خوف و رجائش عامل شود.»^(۲)

ص: ۸۲

۱- (۱) روایات ۱. «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُورَانِ نُورٌ خِيفَهُ وَ نُورٌ رَجَاءٌ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا وَ لَوْ وُزِنَ هَذَا لَمْ يَزِدْ عَلَى هَذَا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۸)

۲- (۲). «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ خَائِفًا رَاجِيًا وَ لَا يَكُونُ خَائِفًا رَاجِيًا حَتَّى يَكُونَ عَامِلًا لِمَا يَخَافُ وَ يَرْجُو.» (همان)

امام صادق (علیه السلام): «به خداوند امیدوار باش (ولی) به قسمی که امیدت تو را بر معصیت او جری نکند، و از خدا بترس (ولی) به نحوی که ترست تو را از رحمت او مأیوس نکند». (۱)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خداوند متعال فرموده عمل کنندگان، بر اعمال و عباداتی که برای ثواب دادن من به جا می آورند، اتکال و اعتماد نکنند؛ زیرا که ایشان اگر در عبادت من کوشش کنند و خود را به مشقت اندازند و عمرهای خود را فانی سازند، باز هم در عبادتشان مقصرند و به حقیقت و کنه عبادت من (در آن چه می طلبند از کرامت من و نعیم بهشت ها و درجات رفیع و بلند جوارم) نمی رسند؛ ولیکن به رحمت من باید وثوق و اعتماد داشته و به فضل من باید امیدوار باشند و به حسن ظن به من باید مطمئن شوند که در این صورت رحمت من به ایشان می رسد و انعام و فضل من، رضوان و خشنودی مرا به ایشان می رساند و مغفرت و آمرزش من، عفو مرا به ایشان می پوشاند؛ زیرا من خداوند رحمان و رحیم هستم و به این اسم، نام گرفته ام». (۲)

ص: ۸۳

۱- (۱). «أَرْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَا يَجْرُؤُكَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ وَ خَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَا يُؤْيِسُكَ مِنْ رَحْمَتِهِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۸)
۲- (۲). «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَا يَتَّكِلِ الْعَامِلُونَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الَّتِي يَعْمَلُونَهَا لِثَوَابِي فَإِنَّهُمْ لَوْ اجْتَهَدُوا وَ اتَّعَبُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَفْنَوْا أَعْمَارَهُمْ فِي عِبَادَتِي كَانُوا مُقْصِرِينَ غَيْرَ بِالْغَيْنِ فِي عِبَادَتِهِمْ كُنْهَ عِبَادَتِي فِيمَا يَطْلُبُونَ عِنْدِي مِنْ كَرَامَتِي وَ النَّعِيمِ فِي جَنَاتِي وَ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فِي جَوَارِي وَ لَكِنْ بِرَحْمَتِي فَلْيَثِقُوا وَ فَضَّلِي فَلْيَرْجُوا، وَ إِلَى حُسْنِ الظَّنِّ بِي

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «قسم به آن که خدایی جز او نیست، هرگز خیر دنیا و آخرت به مؤمنی داده نشده مگر با حسن ظن و امید او به خداوند و حسن خلق و امتناعش از غیبت مؤمنین. قسم به آن که خدایی جز او نیست، خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب نمی کند مگر به سوءظنش به خداوند و به تقصیرش در رجاء و امید به خداوند و به بدخلقی و غیبتش از مؤمنین. قسم به آن که خدایی جز او نیست، هیچ بنده مؤمنی حسن ظن به خداوند نبُرد مگر آن که خداوند به همان حسن ظنش با او رفتار نماید؛ برای این که خداوند کریم است، خیرات به دست اوست، حیا می کند از این که بنده مؤمنش به او حسن ظن ببرد و او خلاف ظن و رجاء بنده اش بنماید، پس به خداوند گمان نیکو دارید و به سوی او شوق و رغبت برید.»^(۱)

ص: ۸۴

۱- (۱). «وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أُعْطِيَ مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَرَجَائِهِ لَهُ وَحُسْنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفِّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ تَوْبِهِ وَالْإِسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ وَ تَقْصِيرِ مَنْ رَجَائِهِ لَهُ وَ سُوءِ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَحْسُنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ بِيَدِهِ الْخَيْرُ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ ثُمَّ يُخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجَائَهُ فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ وَ ارْعَبُوا إِلَيْهِ.» (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۵۰)

امام صادق (علیه السلام): «حسن ظن به خداوند این است که جز به خداوند امید، و جز از گناهت، بیم و هراس نداشته باشی.»^(۱)

ص: ۸۵

۱- (۱). «حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُوَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ.» (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۴۵۰)

در اسلام به راست گویی اهمیت زیاد داده شده و راست گویی از فرائض و دروغ گفتن از گناهان است. (۱)

ص: ۸۶

۱- (۱). آری اگر اصلاح بین دو نفر مسلمان متوقف بر گفتن دروغی شود، در این صورت، دروغ به قصد اصلاح و رفع فساد جایز است. و نیز اگر جلوگیری از ظلم ظالم و دفع ضرر جانی یا مالی قابل توجه از خود شخص یا برادر مسلمانش متوقف بر گفتن دروغی شود، در این صورت هم به قصد جلوگیری از ظلم، دروغ جایز است. (مدارک مسأله در وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۴ و ج ۳، ص ۲۱۹)

«به درستی که خداوند برای: مردان و زنان مسلمان، مردان و زنان با ایمان، مردان و زنان عابد، مردان و زنان راست گو، مردان و زنان شکیبیا، مردان و زنان خاشع و فروتن، مردان و زنان صدقه دهنده، مردان و زنان روزه دار، مردان و زنانی که فروج خود را از حرام محافظت کنند، و مردان و زنان بسیار یاد کننده خدا، آمرزش و پاداشی بزرگ آماده کرده است.»^(۱)

روایات

علی (علیه السلام): «هان ای مردم! راست گوئید که خدا با راست گویان است و از دروغ دوری کنید که دروغ دور از ایمان است.»^(۲)

ص: ۸۷

۱- (۱) قرآن کریم ۲. «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّيَائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.» (احزاب، ۳۵)

۲- (۲) روایات ۱. «أَيُّهَا النَّاسُ الْإِصْدُقُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ وَجَانِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّهُ مُجَانِبٌ لِلْإِيمَانِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۴، به نقل از «مشکوه الانوار»)

امام صادق (علیه السلام): «بر شما لازم است پرهیزگاری از (معصیت) خدا و راستی گفتار، و ادای امانت.»^(۱)

امام باقر (علیه السلام): «دروغ، خرابی ایمان است.»^(۲)

علی (علیه السلام) «بنده، مزه ایمان را نمی چشد تا اینکه دروغ را، چه شوخی باشد و چه جدی، ترک نماید.»^(۳)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «سه خصلت از نشانه های منافق است: چون سخن راند دروغ گوید؛ هرگاه امینش قرار دهند خیانت کند؛ و چون وعده نماید خلف کند.»^(۴)

امام رضا (علیه السلام) در نامه اش به مأمون می فرماید: (گناهان کبیره) همان قتل انسان که خداوند آن را حرام کرده و زنا و دزدی و شراب خواری و عاق والدین و

ص: ۸۸

۱- (۱). «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.» (همان، ص ۶۰، به نقل از «صفات الشعیه» مرحوم صدوق)

۲- (۲). «الْكَذِبُ هُوَ خَرَابُ الْإِيمَانِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۳)

۳- (۳). «لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَتْرَكَ الْكُذْبَ هَزْلَهُ وَ جِدَّهُ.» (همان، ص ۲۳۴)

۴- (۴). «ثَلَاثُ خِصَالٍ مِنْ عِلْمَاتِ الْمُنَافِقِ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبًا، وَ إِذَا اتَّيَمَّنَ خَانَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰؛ مفاد این حدیث در حدیث وسائل الشعیه از کتاب کافی نیز خواهد آمد.)

فرار از... و خوردن مال یتیم و مردار و خون و گوشت خوک و هر چه که بدون اسم خداوند ذبح شود - البته در غیر از حال اضطرار - (تا آن جا که می فرماید) و دروغ گفتن و تکبر ورزیدن و اسراف و حیف و میل کردن و خیانت در امانت. (۱)

امام صادق در حدیث «شرایع الدین» که در عداد گناهان کبیره، کذب را ذکر فرموده اند. (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «سه (حالت و خصلت) است که در هر کس باشد، منافق است؛ گرچه روزه بگیرد و نماز بخواند و به گمان خود مسلمان باشد: کسی که چون امینش قرار دهند خیانت کند؛ چون سخن راند و خبر دهد، دروغ گوید؛ و چون وعده نماید خلف کند.» (۳) (و سپس سه آیه را که در متن حدیث مذکور است، به مناسبت ذکر کرده اند.)

ص: ۸۹

۱- (۱). «(الْكِبَائِرُ) هِيَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى وَ الزُّنَا وَ السَّرْفَةُ وَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا وَ أَكْلُ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخَنْزِيرِ وَ مَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ (الی ان قال) (عليه السلام) وَ الْكِذْبُ وَ الْكِبِيرُ وَ الْإِسْرَافُ وَ التَّبَذِيرُ وَ الْخِيَانَةُ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۶۴)

۲- (۲). «وَ الْكِبَائِرُ مُحَرَّمَةٌ وَ هِيَ الشُّرْكُ بِاللَّهِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ أَكْلُ مَالِ الْيَتِيمِ ظُلْمًا (الی ان قال) (عليه السلام) وَ الْكِذْبُ وَ الْإِسْرَافُ وَ التَّبَذِيرُ وَ الْخِيَانَةُ.» (همان، ص ۴۶۵)

۳- (۳). «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا وَ أَنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ: مَنْ إِذَا اتَّيَمَنَ خَانَ، وَ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ فِي كِتَابِهِ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ، وَ قَالَ: أَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ كَانَ مِنْ

بدترین دروغ ها

بدترین دروغ ها، دروغ بستن به خدا و پیغمبر و ائمه دین (علیهم السلام) است و لذا به شدت از آن منع شده است.

ص: ۹۰

خداوند متعال در چند مورد از قرآن کریم می فرماید: «ستمکارتر از آن که دروغ به خدا ببندد کیست؟»^(۱)

در موردی نیز می فرماید: «مسلماً آنان که بر خدا دروغ می بندند، رستگار نمی شوند، (و لذائذ دنیای فعلی آن ها) برخوردار کمی است و (در آخرت) برای آنان عذابی دردناک است.»^(۲)

روایات

ص: ۹۱

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا.» (انعام، ۲۱ و ۹۳ و ۱۴۴؛ اعراف، ۳۷؛ یونس، ۱۷؛ هود، ۱۸؛ کهف، ۱۵؛ عنکبوت، ۶۸)

۲- (۲). «إِنَّ الَّذِينَ يَفْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ * مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ.» (نحل، ۱۱۶ و ۱۱۷)

از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است: «اگر کسی سخنی را که من نگفته ام به من ببندد، باید جایگاه خود را از آتش آماده کند.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام) است: «هر کس بر ما دروغ ببندد، بر رسول خدا دروغ بسته است و هر کس بر رسول خدا دروغ ببندد، بر خدا دروغ بسته است و هر کس بر خدا دروغ ببندد، خداوند عزوجل او را عذاب کند.»^(۲)

نیز از آن حضرت است: «دروغ بر خدا و بر رسول او و بر اوصیاء (علیهم السلام)، از گناهان کبیره است.»^(۳)

ص: ۹۲

۱- (۱) روایات ۱. «مَنْ قَالَ عَلَيَّ مَا لَمْ أَقُلْ فَلْيَتَّبِعُوهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۴) در ترجمه، «فَلْيَتَّبِعُوهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ» به غیر معنی متن، دو احتمال دیگر می باشد: الف) باید نازل شود به جایگاه خود از آتش. ب) باید بگیرد جایگاه خود را از آتش.

۲- (۲). «مَنْ كَذَبَ عَلَيْنَا فِي شَيْءٍ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَدْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ عَذَّبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۴)

۳- (۳). «الْكُذْبُ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنَ الْكَبَائِرِ.» (همان)

وفای به عهد (پیمان) و پیمان شکنی

در موضوع وفای به پیمان، نسبت به هر کس که باشد، در اسلام اهمیت زیادی داده شده و از شکستن پیمان، منع شدید شده است.

ص: ۹۳

«ای کسانی که ایمان آورده اید! به عهد و پیمان ها وفا کنید.» (۱)

در اوصاف مؤمنین رستگار می فرماید: «و کسانی که امانت ها و پیمان خود را رعایت کننده اند.» (۲)

«به عهد و پیمان وفا کنید که البته به آن (در قیامت) بازخواست خواهید شد.» (۳)

پس از آن که در آیات اول سورة «توبه» به مشرکین معاهد که نقض عهد نموده بودند، (۴) اخبار و اعلام براءت و بیزاری از جانب خداوند و رسول می شود و فقط تا چهار ماه به آنان مهلت عدم تعرض داده می شود، می فرماید: «مگر آن مشرکینی که با ایشان معاهده کردید، سپس آن ها چیزی از شرایط عهدنامه را کم نکردند و احدی از دشمنان شما را، بر ضرر شما کمک نمودند؛ پس عهد آنان را تا آخر مدت

ص: ۹۴

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.» (مائده، ۱)

۲- (۲). «فَدَأْفَلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (الِي ان قال تعالى) وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.» (مؤمنون، ۸)

۳- (۳). «وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا.» (اسراء، ۳۴)

۴- (۴). «إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوا شَيْئًا وَ لَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ.» (توبه، ۴)

معاهده، وفا و تمام کنید که (وفای به عهد در این مورد از تقوی است و) هر آینه خداوند پرهیزکاران را دوست دارد.»

درباره دسته ای از مؤمنین مکه که به مدینه هجرت نموده بودند، می فرماید: «اگر ایشان از شما (ساکنین مدینه) در دین طلب یاری کنند، پس بر شماست یاریشان کنید؛ مگر بر ضرر قومی (از کفار) که میان شما و ایشان عهد و پیمانی باشد (که در این صورت یاری کردن، حتی به مسلمین، جایز نیست) و خداوند به آن چه می کنید، بیناست.»^(۱)

روایات

ص: ۹۵

۱- (۱). «وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.» (انفال، ۷۲)

امام صادق (علیه السلام): «سه چیز است که خداوند برای احدی از مردم در آن ها رخصتی قرار نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد به نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند چه بدکار.»^(۱)

امام باقر (علیه السلام): «سه چیز است که خداوند در آن ها رخصتی قرار نداده است: ادای امانت نسبت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد نسبت به نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند و چه بدکار.»^(۲)

ص: ۹۶

۱- (۱) روایات ۱. عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ مِّنَ النَّاسِ فِيهِنَّ رُخْصَةٌ: ادَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبُرِّ وَالْفَاجِرِ، وَ بُرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۱، باب ۲؛ به نقل از خصال صدوق)

۲- (۲) . عَنِ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ فِيهِنَّ رُخْصَةٌ: ادَاءُ الْأَمَانَةِ لِلْبُرِّ وَالْفَاجِرِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبُرِّ وَالْفَاجِرِ، وَ بُرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۸؛ به نقل از کلینی)

وفای به وعده و خلف وعده

وفای به وعده، هم چنان که نزد عقلا ممدوح، و خلف آن مذموم است، در اسلام به وفای آن ترغیب و تحریص، و از خلف آن منع شده است.

قرآن کریم

ص: ۹۷

«ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا می گویید (و وعده می دهید) چیزی را که نمی کنید، این (عمل) که بگویید (و وعده بدهید) چیزی را که نمی کنید نزد خدا بسیار سخت مبعوض است.» (۱)

روایات

امام صادق (علیه السلام): «وَعْدَةُ مُؤْمِنٍ بِرَادِرِ اِيْمَانِي اَشْ، نَذْرِي اَسْتُ كَمَا كَفَّارَةُ اِي بِرِ اَنْ نِيْسْتُ (يعني اگر خلف کند، با هیچ کفاره ای جبران آن، نتواند کرد) پس هر که خلف وعده کند، در واقع به خلف با خدا شروع کرده و به بغض شدید او دچار شده؛ و این است قول خداوند متعال که فرموده: " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ " ۲»

ص: ۹۸

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ * كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.» (صف، ۲ و ۳)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام): «خلف وعده، موجب شدت بغض نزد خداوند و مردم است؛ خداوند متعال فرموده: "كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ" ۱»

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «هر که به خدا و روز آخرت ایمان آورد، هر گاه وعده کند باید وفا کند.» (۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «سه (حالت) است که در هر کس باشد منافق است، گرچه روزه بگیرد و نماز بخواند و به گمان خود مسلمان باشد: کسی که چون امین قرار داده شود خیانت کند؛ چون خبر دهد دروغ گوید؛ و چون وعده دهد خلف کند.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «مؤمن برادر مؤمن و چشم او و راهنمای اوست، خیانت و ستم و خدعه و خلف وعده به او نمی کند.» (۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که با مردم معامله کند و به آنان ظلم نکند، و سخن با مردم گوید و دروغ نگوید، و وعده به آنان دهد و خلف نکند، از

ص: ۹۹

۱- (۲). «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُفِ إِذَا وَعَدَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۲)

۲- (۳). «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا وَ أَنْ صَامَ وَ صَلَّى وَ زَعَمَ أَنَّهُ مُسْلِمٌ: مَنْ إِذَا اتَّيَمَنَ خَانَ، وَ إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ.» (همان، ص ۴۶۶)

۳- (۴). «الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يُخُونُهُ وَ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَعُشُّهُ وَ لَا يَعِدُّهُ عِدَّةً فَيُخْلِفُهُ.» (همان، ص ۲۸۸)

کسانی است که مروّتش کامل و عدالتش ظاهر و اخوّتش واجب و غیبتش حرام شده است.»^(۱)

ص: ۱۰۰

۱- (۱). «مَنْ عَامَلَ النَّاسَ فَلَمْ يَظْلِمْهُمْ وَ حَادَّثَهُمْ فَلَمْ يَكْذِبْهُمْ وَ وَعَدَهُمْ فَلَمْ يُخْلِفْهُمْ فَهُوَ مِمَّنْ كَمَلَتْ مُرُوَّتُهُ وَ ظَهَرَتْ عِدَالَتُهُ وَ وَجِبَتْ اخُوَّتُهُ وَ حُرِّمَتْ غَيْبَتُهُ.» (همان، ج ۳، ص ۴۱۷)

عدالت و ظلم

اسلام مردمان را به عدالت و داد، دعوت و امر می کند و از بی عدالتی و ستم به شدت نهی می نماید.

قرآن کریم

ص: ۱۰۱

«به راستی خدا به عدالت و (بلکه) به احسان و تفضل بر دیگران و عطای به خویشان امر و از کار بسیار زشت و منکر و تجاوز به مردم نهی می کند. خدا شما را پند می دهد شاید متذکر شوید.» (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر معامله ای کردید به ذمه و دین برای مدت معینی، آن را بنویسید و باید میانه شما نویسنده ای آن را به درستی و دادگری بنویسد (تا این که می فرماید:) و اگر مدیون، سفیه یا ضعیف (در فهم و علم) باشد و یا (به جهت مانع دیگری؛ چون، گنگی و یا اشتغال به کار لازمی) نتواند املا کند، از جانب او ولی او باید به درستی و عدالت، دین را بر نویسنده املا کند.» (۲)

«به راستی خداوند به شما امر می کند که امانات را به اهلش ادا کنید و نیز امر می کند که چون بین مردم حکومت می کنید به عدالت حکم نمایید. مسلماً خداوند شما را به خوب چیزی پند می دهد، خداوند شنوای بیناست.» (۳)

ص: ۱۰۲

۱- (۱) قرآن کریم ۱۶۷. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.» (نحل، ۹۰)

۲- (۲). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بَعْدَ بَيْعٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ (الی ان قال تعالی) فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيَمِلْ لَهُ بِالْعَدْلِ... الْآيَةَ.» (بقره، ۲۸۲)

۳- (۳). «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا.» (نساء، ۵۸)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! پیوسته به عدالت قیام کنید و برای (رضای) خدا شهادت دهید، گر چه آن شهادت به ضرر خودتان یا ضرر پدر و مادر یا خویشانتان باشد، خواه طرف غنی باشد یا فقیره؛ پس خدا نسبت به غنی و فقیر (و رعایت مصلحت آن ها) از شما سزاوارتر است. پس هوای نفس را پیروی نکنید که از حق عدول کنید، و اگر زبان خود را (در ادای شهادت) بگردانید یا از حق کناره جوید، البته خدا به آن چه می کنید آگاه است.» (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده اید، پیوسته ایستادگان برای (رضای) خدا و گواهان به عدالت باشید و دشمنی با قومی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید، عدالت کنید که عدالت به تقوی نزدیک تر است و از خدا بپرهیزید که خدا به آن چه می کنید آگاه است.» (۲)

«و اگر دو گروه از مؤمنین با یکدیگر جنگ کنند بین آن ها اصلاح کنید؛ اگر یکی از این دو گروه بر دیگری تجاوز و ستم کند با آنان که ستم می کنند، جنگ کنید تا

ص: ۱۰۳

-
- ۱- (۱). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.» (نساء، ۱۳۵)
- ۲- (۲). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.» (مائدة، ۸)

به سوی فرمان خدا برگردند پس اگر برگشتند، با عدالت بین ایشان را اصلاح کنید و (در همه امور) عدالت کنید که خداوند عادلان را دوست دارد.»(۱)

«و تمام دهید پیمانۀ و میزان را به عدالت. تکلیف نمی کنیم نفسی را مگر به قدر طاقتش، و چون سخن گوید، عدالت کنید (و جانب داری نکنید) هر چند آن کس که درباره او سخن می گوید، با شما صاحب قرابت و خویشی باشد.»(۲)

«بر نیکوکاری و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید، و بر گناه و ستم به یکدیگر کمک نکنید.»(۳)

«هر که از شما (مردم) ستم کند، به او عذاب بزرگی می چشانیم.»(۴)

«تمایل (یا تکیه و اعتماد) نکنید به کسانی که ستم کرده اند، که به شما آتش برسد، و برای شما غیر از خدا دوستانی (یارانی) نخواهد بود، پس کمک و یاری نخواهید شد.»(۵)

ص: ۱۰۴

-
- ۱- (۱). «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَت إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» (حجرات، ۹)
 - ۲- (۲) ۱. «وَ بَعَثَ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام، ۱۵۲)
 - ۳- (۳). «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ.» (مائده، ۲)
 - ۴- (۴). «وَ مَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا.» (فرقان، ۱۹)
 - ۵- (۵). «وَ لَا تَزَكُّوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ.» (هود، ۱۱۳)

امام صادق (علیه السلام): « کسی که به مردم ستم می کند، از شیعیان ما نیست.»^(۱)

علی (علیه السلام): «دشمن ستمگر و یاور ستمدیده باشید.»^(۲)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «حَقًّا شَرِّیْ که کیفرش سریع تر (از کیفر سایر شرور و معاصی) باشد، ستم و تعدی است.»^(۳)

امام باقر (علیه السلام): «تاریکی های رستاخیز، همان ستم های دنیاست.»^(۴)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «بهترین مردم کسی است که مردم از او منتفع شوند؛ بدترین مردم کسی است که مردم از او آزار ببینند، و بدتر از او کسی است که مردم او را از ترس بدی و شرّ او اکرام کنند.»^(۵)

ص: ۱۰۵

۱- (۱) روایات ۵. «لَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۴۳)

۲- (۲) . عن عليّ (عليه السلام): «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصِيْمًا وَّ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا.» (نهج البلاغه، وصیت امیرمؤمنان به امام حسن و امام حسین علیهما السلام)

۳- (۳) . «إِنَّ اعْجَلَ الشَّرِّ عُقُوبَهُ الْبُغْيُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۷)

۴- (۴) . «الظُّلْمُ فِي الدُّنْيَا هُوَ الظُّلْمَاتُ فِي الآخِرَةِ.» (همان، ص ۴۷۸)

۵- (۵) . «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِالنَّاسِ وَ شَرُّ النَّاسِ مَنْ تَأَذَى بِالنَّاسِ وَ شَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ اِكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳؛ به نقل از «اختصاص» شیخ مفید)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که همراه با ستم کاری برای کمک به او برود، با آن که می داند او ستمکار است، از ایمان خارج شده است.»^(۱)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که با ایمانی را اذیت کند، خدا او را اذیت کند، و کسی که با ایمانی را اندوهناک کند، خدا او را اندوهناک کند.»^(۲)

علی (علیه السلام): «کسی که ستم کند، ستمش او را هلاک می کند.»^(۳)

* «کسی که ستم کند، کار خود را فاسد کرده است.»

* «کسی که بر بندگان خدا ستم کند، علاوه بر بندگان (ستم دیده)، خدا هم دشمن او خواهد بود، و کسی که خدا دشمن او شود، حجت او را باطل کند (عذر او را نپذیرد) و او را در دنیا و آخرت عذاب فرماید.»

ص: ۱۰۶

۱- (۱). «مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ لِيَعِينَهُ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ ظَالِمٌ فَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْإِيمَانِ.» (همان، ص ۴۳۷؛ به نقل از «کنز الفوائد» کراچکی)

۲- (۲). «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا آذَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَخْرَجَهُ أَخْرَجَهُ اللَّهُ.» الخبر. (همان، ص ۱۰۳؛ به نقل از «لب الالباب» قطب راوندی)

۳- (۳). «مَنْ جَارَ، أَهْلَكَهُ جَوْرُهُ * مَنْ ظَلَمَ، أَفْسَدَ أَمْرَهُ * مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ، كَانَ اللَّهُ حَظِيْمَهُ دُونَ عِبَادِهِ، وَ مَنْ يَكُنِ اللَّهُ حَظِيْمَهُ، يُدْحِضُ حُجَّتَهُ وَ يُعِيدِبُهُ فِي دُنْيَاةٍ وَ مَعَادِهِ * ابْعُدُوا عَنِ الظُّلْمِ فَإِنَّهُ اعْظَمُ الْجَرَائِمِ وَ اكْبَرُ الْمَآثِمِ * ظُلْمُ الْمَرْءِ فِي الدُّنْيَا عُنْوَانُ شِقْمَائِهِ فِي الْآخِرَةِ.» (همان، ص ۲۴۲؛ به نقل از «غرر» آمدی)

* «از ستم دوری کنید که ستم بزرگ‌ترین جرم‌ها و گناهان است.»

* «ستم شخص در دنیا، سرنوشت و نمودار بدبختی اوست در آخرت.»

ص: ۱۰۷

ادای امانت و خیانت

یکی از فرایض و واجبات مهم در اسلام، ادای هر نوع «امانت» است نسبت به هر کس از نیکوکار و بدکار؛ و یکی از بدترین گناهان، «خیانت» است.

قرآن کریم

ص: ۱۰۸

«پس اگر فردی از شما به برخی اطمینان کند و او را امین خود گرداند، آن که امین قرار داده شده است، باید امانت را به صاحبش ادا کند و از (مخالفت) خدا که پروردگار اوست بپرهیزد.»^(۱)

«به راستی خداوند به شما امر می کند به این که امانت ها را به صاحبانش ادا کنید.»^(۲)

در وصف مؤمنین رستگار می فرماید: «و آن ها کسانی (هستند) که امانت ها (نزد خود را) و پیمانشان را رعایت کننده اند.»^(۳)

«به راستی خداوند، اشخاص خائن را دوست ندارد.»^(۴)

روایات

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که امانت دار نیست، هیچ ایمان ندارد.»^(۵)

ص: ۱۰۹

۱- (۱) قرآن کریم ۱۸۵. «فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ.» (بقره، ۲۸۳)

۲- (۲). «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.» (نساء، ۵۸)

۳- (۳). «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (الی ان قال) وَ الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَتِهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُونَ.» (مؤمنون، ۸)

۴- (۴). «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ.» (انفال، ۵۸)

۵- (۵) روایات ۱. «لا ایمان لمن لا امانه له.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰۴)

امام زین العابدین (علیه السلام): «بر شما باد ادای امانت! سوگند به کسی که محمد را به راستی به پیغمبری برانگیخت، اگر کشته پدرم حسین بن علی مرا بر شمشیری، که پدرم را با آن کشت، امین قرار دهد، حتماً آن را به او باز خواهم داد.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «از خدا بپرهیزید. و بر شما باد ادای امانت به کسی که شما را امین قرار دهد، پس اگر کشته علی مرا بر امانتی امین قرار دهد، حتماً امانت او را ادا خواهم کرد.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «ادای امانت کنید، گر چه به کشته حسین بن علی (علیه السلام) باشد.»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «بر شما باد پرهیزگاری خدا و راست گویی و ادای امانت.»^(۴)

ص: ۱۱۰

-
- ۱- (۱). «عَلَيْكُمْ بِإِدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي (الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام) ائْتَمَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ.» (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۶۴۱)
- ۲- (۲). «اتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَيْكُمْ بِإِدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ ائْتَمَنَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ عَلِيٍّ ائْتَمَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ.» (همان)
- ۳- (۳). «أَدُوا الْأَمَانَةَ وَلَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَام.» (همان)
- ۴- (۴). «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَإِدَاءِ الْأَمَانَةِ.» الخبر. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۰؛ به نقل از «صفات الشيعة» مرحوم صدوق)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هر کس در دنیا امانتی را خیانت کند و به صاحبش رد نکند، و مرگ او فرا رسد بر غیر ملت من مرده است و خدا را غضبناک ملاقات خواهد نمود.»^(۱) یعنی در قیامت عذاب الهی شامل حال او خواهد بود.

علی (علیه السلام): «مسلمان چون امین قرار داده شود، خیانت نمی کند و چون وعده دهد، خلاف نمی ورزد و چون سخن گوید، دروغ گو نیست.»^(۲)

علی (علیه السلام): «از خیانت پرهیز! زیرا خیانت، بی گمان بدترین گناه است و خائن مُعَذَّب به آتش خواهد بود.»^(۳)

علی (علیه السلام): «از خیانت کناره گیری کنید؛ زیرا بی گمان خیانت، از اسلام برکنار است.»^(۴)

ص: ۱۱۱

۱- (۱). «مَنْ خَانَ أَمَانَةً فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَزِدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ ادْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي وَ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۴۱)

۲- (۲). «لَيْسَ الْمُسْلِمُ بِالْخَائِنِ إِذَا اتَّمَنَ وَ لَا بِالْمُخْلِفِ إِذَا وَعَدَ وَ لَا بِالْكَذِبِ إِذَا نَطَقَ.» الخبر. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰۵؛ به نقل از «امالی» شیخ مفید)

۳- (۳). «إِيَّاكَ وَ الْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا شَرُّ مَعْصِيَةٍ فَإِنَّ الْخَائِنَ لَمُعَذَّبٌ بِالنَّارِ عَلَى خِيَانَتِهِ.» (همان، ص ۵۰۶؛ به نقل از «غرر» آمدی)

۴- (۴). «جَانِبُوا الْخِيَانَةَ فَإِنَّهَا مُجَانِبَةٌ لِإِسْلَامٍ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۰۶؛ به نقل از «غرر» آمدی)

امام صادق (علیه السلام): «سه چیز است که در هر حال (مسلمان) ناگزیر از اداء آنهاست: امانت نسبت به صالح و تبهکار، وفاء به عهد نسبت به صالح و تبهکار، نیکی و طاعت نسبت به پدر و مادر چه صالح باشند و چه تبهکار.» (۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «احدی را در مالی که نزد تو می نهد، و در امانتی که تو را بر آن امین می نماید، البته خیانت مکن؛ که خدای متعال می فرماید: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا" خداوند فرمان می دهد که امانات مردم را به آن ها مسترد نمایید "» (۲)

علی (علیه السلام): «ای کمیل! بدان و بفهم که ما، ترک ادای امانت ها را به احدی از مخلوق اجازه نمی دهیم؛ پس اگر کسی از من در این خصوص اجازه ای را روایت کند، باطل گفته و بزه کار شده و کیفر او آتش می باشد، چون دروغ گفته است. سوگند می خورم که شنیدم از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یک ساعت پیش از

ص: ۱۱۲

۱- (۱). «ثَلَاثَةٌ لَا يُبَدَّ مِنْ أَدَائِهِنَّ عَلَىٰ كُلِّ حَالٍ الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ» (همان، ص ۵۰۵؛ به نقل از «مشکوه الانوار»)

۲- (۲). «لَا تَخُونَنَّ أَحَدًا فِي مَالٍ يَضَعُهُ عِنْدَكَ وَامَانَهُ ائْتَمَنَكَ عَلَيْهَا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا.» (همان، ص ۵۰۶؛ به نقل از «مکارم الاخلاق» طبرسی)

وفاتش که سه مرتبه گفت: ای ابالحسن به نیکوکار و بدکار در چیز کوچک و بزرگ، حتی در نخ و سوزن، ادای امانت را رعایت کن.» (۱)

ص: ۱۱۳

۱- (۱). «یا کَمَيْلُ اعْلَمْ وَ افْهَمْ اَنَا لَانْتَرُخُّصُ فِي تَزَكِّ اِداءِ الْاَمَاناتِ لِأَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ فَمَنْ رَوَى عَنِّي فِي ذَلِكَ رُخْصَةً فَقَدْ ابْطَلَ وَ اِثْمٌ وَ جَزائُهُ النَّارُ بِمَا كَذَبَ، اَقْسَمْتُ لَقَدْ سَجَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) يَقُولُ لِي قَبْلَ وَفَاتِهِ بِسَاعَةٍ مَراراً ثَلَاثاً يا اَيُّها الْحَسَنُ اِدا الْاَمَانَةَ اِلَى الْبَرِّ وَ الْفاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَ جَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَ الْمَخِيْطِ.» (همان، ص ۵۰۵؛ به نقل از «بشاره المصطفى» عمادالدين طبری)

کار و کوشش در اسلام

اسلام مردم را برای به دست آوردن احتیاجات زندگی، به کار و کوشش بسیار دستور داده و از بیکاری و تنبلی و سربرار دیگران شدن، به شدت منع نموده است.

قرآن کریم

ص: ۱۱۴

«به تحقیق شما را در زمین مسلط کردیم، و برای شما در آن وسایل و مایه های زندگی قرار دادیم (تا شما به کوشش خود از زمین و آن چه در آن است استفاده برید و شکر گزایید ولی) شما اندک شکر می کنید.»(۱)

«و (خداوند) از رحمت خود، برای شما شب و روز را قرار داد تا در شب بیارمید و (در روز) از فضل او بجویید و تا شکر او گزایید.»(۲)

«پس چون نماز به پایان رسید در زمین پراکنده شوید و از فضل و احسان خدا بجویید.»(۳)

روایات

امام صادق (علیه السلام): «به راستی خداوند عزوجل، زیادی خواب و زیادی فراغت را مبعوض می دارد.»(۴)

ص: ۱۱۵

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ، قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ.» (اعراف، ۱۰)
 - ۲- (۲). «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.» (قصص، ۷۳)
 - ۳- (۳). «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ.» (جمعه، ۱۰)
 - ۴- (۴) روایات ۲۰۴. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْعِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ الْفِرَاحِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۴)

امام کاظم (علیه السلام): «از کسالت و دلتنگی دوری گزین؛ که این دو تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «در جستجوی معیشت هاتان کسالت موزید که پدران ما برای طلب معیشت تلاش می کردند.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «از جستجوی معیشت خود، کسالت موز که سربار دیگری خواهی شد.» (۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که بار خود را بر دوش دیگری اندازد، ملعون است.» (۴)

امام صادق (علیه السلام): «بر شماست پرهیز از (معاصی) خداوند عزوجل و ملازمت کاری که به وسیله آن (به شخص) آن چه نزد خداست (از ثواب یا روزی) می رسد. قسم به خدا! که امر نمی کنم شما را مگر به آن چه ما خود را امر می کنیم؛ پس بر شماست جدیت و کوشش. و چون نماز صبح را بجا آورید به جستجوی روزی و

ص: ۱۱۶

۱- (۱). «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (همان)

۲- (۲). «لَا تَكْسَلُوا فِي طَلَبِ مَعَايِشِكُمْ فَإِنَّ آبَاءَنَا كَانُوا يَزْكُضُونَ فِيهَا وَ يَطْلُبُونَهَا.» (همان)

۳- (۳). «وَ لَا تَكْسَلْ عَنْ مَعِيشَتِكَ فَتَكُونَ كَلًّا عَلَى غَيْرِكَ.» (همان)

۴- (۴). «مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ.» (همان، ص ۵۳۰)

طلب حلال بروید که خداوند شما را به زودی، روزی می دهد و بر آن شما را کمک خواهد کرد.»(۱)

امام صادق (علیه السلام): «جستجوی روزی را از راه حلال و مگذار و پای شتر خود را ببند و بر خدا توکل کن (یعنی بدون کسب و تلاش از خدا روزی خواه)».(۲)

عبدالاعلی می گوید: «در بعضی از راه های مدینه، روز تابستانی بسیار گرمی به ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) برخورددم. گفتم: فدایت شوم، حال تو در نزد خدای عزوجل و قرابت تو از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) معلوم است، با وجود این در چنین روزی برای خود کوشش می کنی؟ فرمود: ای عبدالاعلی! به جستجوی روزی خارج شدم تا از مثل تو، بی نیازی جویم».(۳)

ص: ۱۱۷

۱- (۱). «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ مَا يُنَالُ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ أَنَّى وَاللَّهِ مَا أَمُرُكُمْ إِلَّا بِمَا نَأْمُرُ بِهِ أَنْفُسِنَا فَعَلَيْكُمْ بِالْجِدِّ وَالْإِجْتِهَادِ وَ إِذَا صَلَّيْتُمُ الصُّبْحَ فَأَنْصِرْفَتُمْ فَبَكَّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ اطْلُبُوا الْحَلَالَ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَرْزُقُكُمْ وَ يُعِينُكُمْ عَلَيْهِ.» (همان، ص ۵۲۹)
۲- (۲). «لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ وَ اعْقَلْ راحِلَتَكَ وَ تَوَكَّلْ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۵، به نقل از «امالی» شیخ مفید)

۳- (۳). قَالَ عَبْدُ الْأَعْلَى: «اسْتَقْبَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي بَعْضِ طُرُقِ الْمَدِينَةِ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ شَدِيدِ الْحَرِّ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ حَالَمَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ قَرَابَتَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَ أَنْتَ تَجْهَدُ لِنَفْسِكَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ؟ فَقَالَ: يَا عَبْدَ الْأَعْلَى خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ لِأَسْتَعِينِي بِهِ عَنْ مِثْلِكَ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۲۹)

ابوعمر و شیبانی می گوید: «اباعبدالله (امام صادق علیه السلام) را بیل در دست دیدم که بر او جامه درشتی بود و در بستان خود کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت. گفتم: فدایت شوم، بیل را به من ده تا شما را در کارتان کفایت کنم. فرمود: من دوست دارم که مرد در جستجوی معیشت به حرارت آفتاب اذیت کشد.» (۱)

فضل بن ابی قره می گوید: «بر ابی عبدالله (امام صادق علیه السلام) در بستان او وارد شدیم، و گفتم: فدایت شویم، بگذار ما برایت کار کنیم یا غلامان کار کنند. فرمود: نه، واگذارید مرا. میل دارم که خداوند عزوجل مرا ببیند که به دست خود کار می کنم و به اذیت نفس خود، طلب حلال می نمایم.» (۲)

علی بن ابی حمزه گوید: «دیدم ابوالحسن (موسی بن جعفر علیه السلام) را، در زمین خود کار می کرد و عرق پاهای او را فرا گرفته بود. گفتم: فدایت شوم، مردان کجایند؟ فرمود: ای علی! کسانی که از من و پدرم بهتر بودند، با دست خود در زمینشان کار کردند. گفتم: آنان که بودند؟ فرمود: پیغمبر و امیرالمؤمنین و پدران من همه به

ص: ۱۱۸

۱- (۱). قَالَ أَبُو عَمْرٍو، الشَّيْبَانِيُّ: «رَأَيْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) وَبِيَدِهِ مَسْحَاةٌ وَعَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ وَالْعَرَقُ يَنْصَابُ عَيْنَ ظَهْرِهِ. فَقُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ اعْطِنِي أَكْفِكَ. فَقَالَ: لِي أَنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَأَذَى الرَّجُلُ بِحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۳۱)

۲- (۲). قَالَ الْفَضْلُ بْنُ أَبِي قُرَّةٍ: «دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي حَائِطٍ لَهُ فَقُلْنَا لَهُ: جَعَلْنَا اللَّهُ فِدَاكَ دَعْنَا نَعْمَلُهُ لَكَ أَوْ نَعْمَلُهُ الْغُلَامَانُ، قَالَ: لَا، دَعُونِي فَإِنِّي اشْتَهَى أَنْ يَرَانِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ اعْمَلْ بِيَدِي وَأَطْلُبْ الْحَلَالَ فِي إِذِي نَفْسِي.» (همان)

دست خود کار می کردند و این از کار پیغمبران و اوصیای ایشان و نیکوکاران است.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «اگر گمان کردی یا به تو خبر رسید که این امر (مردن، یا امر فرج) در فردا خواهد بود، البته باز هم طلب روزی را وامگذار.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «رنجبر کوشا در راه (کسب احتیاجات) عائله اش، مانند مجاهد در راه خداست.» (۳)

امام صادق (علیه السلام): «کشاورزان گنج های خداوند در زمین اویند و نزد خدا، کاری محبوب تر از کشاورزی نیست.» (۴)

امام صادق (علیه السلام): «کشاورزان گنج های خلقند، کشت می کنند پاکیزه چیزی را که خداوند (عزوجل) آن را از خاک خارج کرده، و ایشان در روز قیامت بهترین

ص: ۱۱۹

۱- (۱). قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ: «رَأَيْتُ أَيَّ الْحَسَنِ يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ قَدْ اسْتَنْفَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ الرَّجَالُ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي وَ مِنْ أَبِي فِي أَرْضِهِ، فَقُلْتُ: وَ مَنْ هُوَ؟ فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ آبَائِي كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.» (همان)

۲- (۲). «إِنْ ظَنَنْتَ أَوْ بَلَغَكَ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ كَائِنٌ فِي غَدٍ فَلَا تَدَعَنَّ طَلَبَ الرِّزْقِ.» (همان، ص ۵۳۰)

۳- (۳). «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» (همان، ص ۵۳۴)

۴- (۴). «الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۵۳۱)

مردم و مقرب ترین آنانند از جهت منزلت و مقام، و در آن روز آن ها را به نام مبارک می خوانند.»(۱)

امام صادق (علیه السلام): «کشت بنمایید و درخت بنشانید، قسم به خدا مردم کاری نکرده اند که محبوب تر و پاکیزه تر از این کار باشد.»(۲)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هیچ مسلمانی نیست که درختی بکارد و از آن انسانی یا چهارپایی یا پرندۀ ای بخورد؛ مگر آن که صدقه برای او تا روز قیامت نوشته شود.»(۳)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام): «کسی که آب و خاکی بیابد و با این حال فقیر بماند، خداوند او را (از رحمت خود) دور کند.»(۴)

امام صادق (علیه السلام): «بزرگ ترین کیمیا، زراعت است.»(۵)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام):

ص: ۱۲۰

۱- (۱). «الزَّارِعُونَ كُنُوزُ الْأَنْعَامِ، يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا وَ أَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ.» (فروع کافی، ص ۴۰۴)

۲- (۲). «إِزْرَعُوا وَ اغْرِسُوا فَلَا وَاللَّهِ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَبَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ.» (همان)

۳- (۳). «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا يَأْكُلُ مِنْهُ أَنْسَانٌ أَوْ دَابَّةٌ أَوْ طَيْرٌ إِلَّا أَنْ يُكْتَبَ لَهُ صَدَقَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۸؛ به نقل از «تفسیر» ابوالفتوح رازی)

۴- (۴). «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۱)

۵- (۵). «الْكِيمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الزَّرَاعَةُ.» (همان، ص ۶۳۷)

«تجارت کنید؛ که در تجارت برای شما بی نیازی است از آن چه مردم دارند، و خداوند عزوجل پیشه ور امین را دوست دارد.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «تجارت را وامگذارید که خوار می شوید، تجارت کنید تا خداوند به شما برکت دهد.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «از تجارت باز نایستید و از فضل خداوند عزوجل بجوید و بخواهید.» (۳)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «نیک، ده بخش است و افضل آن ها تجارت است؛ به شرطی که حق گرفته شود و حق داده شود.» (۴)

امام صادق (علیه السلام): «به راستی تارک کسب و کار، دعایش مستجاب نشود؛ گروهی از یاران پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چون آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ»

ص: ۱۲۱

۱- (۱). «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْأَمِينَ.» (همان، ص ۵۲۸)

۲- (۲). «لَا تَدْعُوا التَّجَارَاتِ فَتَهُونُوا اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ.» (همان)

۳- (۳). «لَا تَكْفُوا عَنِ التَّجَارَةِ وَ التَّمَسُّوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۸)

۴- (۴). «الْخَيْرُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ أَفْضَلُهَا التَّجَارَةُ إِذَا اخْتَدَ الْحَقُّ وَ أُعْطِيَ الْحَقُّ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۴، به نقل از «تفسیر»

ابوالفتوح رازی)

مَخْرَجاً...» ۱، نازل شد، درهای محل کسب و تجارت خود را بسته و به عبادت روی آوردند و گفتند: با این آیه ما کفایت شدیم. این خبر به پیغمبر (صلی الله علی و آله و سلم) رسید. پی ایشان فرستاد و فرمود: چه شما را بر این کار وادار کرد؟ گفتند: ای رسول خدا! خداوند روزی های ما را تَكْفُل فرمود، پس ما رو به عبادت آوردیم (و دست از کار و جستجوی روزی کشیدیم). پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی که چنین کند، دعایش مستجاب نشود، بر شما باد بر طلب روزی.»

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «همانا چند دسته از امت من، دعایشان مستجاب نگردد: کسی که بر پدر و مادر خود نفرین کند، کسی که بر بدهکار خود که مالش را برده و از او سند و شاهی نگرفته نفرین کند، کسی که بر زن خود، با آن که خداوند عزوجل رهایی و طلاقش را به دست او نهاده است نفرین کند، و کسی که در خانه بنشیند و دعا کند که خدایا به من روزی ده و خارج نشود و جستجوی روزی نکند. پس خداوند عزوجل فرماید: بنده من! آیا برای تو راه طلب و تصرف در زمین را با اعضای سالم قرار ندادم، تا عذری میان من و تو - در طلب نمودنت

برای پیروی امر من - باقی نماند (یا، تا معذور باشی میان من و خودت)، و تا این که بار بر خویشان و کسانت نشوی؟ پس اگر خواستم، تو را روزی (وسیع) دهم و اگر خواستم بر تو تنگ گیرم. و چون طلب کردی، نزد من معذور باشی. و کسی که خداوند به او مال بسیار روزی کند و او تمام آن را خرج کند و روبه دعا آورد و بگوید خدایا روزی ده مرا، خداوند عزوجل به او فرماید: آیا به تو روزی وسیع ندادم؟ پس چرا در خرج، میانه روی نکردی، هم چنان که تو را امر نمودم؟ و چرا اسراف و زیاده روی نمودی با آن که تو را از اسراف نهی کرده بودم؟» (۱)

ص: ۱۲۳

۱- (۱). «إِنَّ اصْنَافًا مِنْ أُمَّتِي لَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَائُهُمْ: رَجُلٌ يَدْعُوا عَلَىٰ وَالِدَيْهِ، وَ رَجُلٌ يَدْعُوا عَلَىٰ غَرِيمٍ ذَهَبَ لَهُ بِمَالِهِ فَلَمْ يَكْتُبْ لَهُ وَ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ، وَ رَجُلٌ يَدْعُو عَلَىٰ أَمْرَتِهِ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ تَخْلِيَةً سَبِيلَهَا بِيَدِهِ، وَ رَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ وَ يَقُولُ يَا رَبِّ ارْزُقْنِي وَ لَا يَخْرُجُ وَ لَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: عَبْدِي أَلَمْ اجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَ التَّصَدُّقِ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ فَتَكُونَ قَدْ اعْتَذَرْتَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فِي الطَّلَبِ لِاتِّبَاعِ أَمْرِي وَ لِكَيْلَا تَكُونَ كَالَّذِينَ أَهْلَكَ فَإِنْ شِئْتَ رَزَقْتُكَ وَ أَنْ شِئْتَ قَتَرْتُ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ مَعْدُورٌ عِنْدِي، وَ رَجُلٌ رَزَقَهُ اللَّهُ مَالًا كَثِيرًا فَانْفَقَهُ ثُمَّ أَقْبَلَ يَدْعُوا يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَلَمْ ارْزُقْكَ رِزْقًا وَاسِعًا فَهَلَّا اقْتَصَدْتَ فِيهِ كَمَا أَمَرْتُكَ وَ لِمَ تُسْرِفُ وَ قَدْ نَهَيْتُكَ عَنِ الْإِسْرَافِ؟» (همان)

باید دانست که خدمت گزاران فرهنگ دین، از محصلین و مبلغین و علمای واقعی (نه هر بیکاره سودجو و گرگان در لباس میش) در قرون اخیر، اگر غالباً به کسب و تجارت و زراعت و صنعت اشتغالی نداشته اند، نه تنها بیکار و طفیلی اجتماع نبوده و نیستند، بلکه سنگین ترین زحمات و خدمات معنوی و یا مقدمات آن را عهده دار و متحمل بوده اند که با انجام آن ها غالباً فرصت اشتغال به خدمت دیگری ندارند؛ در حالی که از زندگی مادی هم، اگر نگوییم بیش از حد نازل، مسلماً بیش از حد متوسط را بهره ور نشده اند. آری! کسانی که با خدا و انبیا و اوصیای دین، و حفظ و پیشرفت آن (دانسته یا ندانسته) در واقع، مخالفت و دشمنی دارند به یقین با کارکنان فرهنگ دین هم پیوسته در مقام دشمنی و افترا و خرده گیری بوده و هستند و برای تشریح این حقیقت مجالی جداگانه لازم است.

کارخانجات و ساختن همه گونه وسایل و آلات و ادواتی که به نفع بشر و موردنیاز زندگی مشروع آنان است (نه مانند صنعت شراب) در اسلام مباح و حلال است.

روایات

امام صادق (علیه السلام): «انواع و اقسام آلات و ادواتی که بندگان خدا به آن ها نیاز دارند که منافع ایشان از آنهاست و قوام زندگی شان به آن ها، و کفایت احتیاجاتشان

ص: ۱۲۵

در آنهاست. ساختن و آموختن آن، کار کردن با آن و در آن، برای خود یا غیر خود، حلال است.»^(۱)

ص: ۱۲۶

۱- (۱) روایات ۱. «أَنْوَاعُ صُنُوفِ الْأَلَايَةِ الَّتِي يَحْتَاجُ إِلَيْهَا الْعِبَادُ، مِنْهَا مَنَافِعُهُمْ وَبِهَا قِوَامُهُمْ وَفِيهَا بُلْغَةُ جَمِيعِ حَوَائِجِهِمْ فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَفِيهِ لِنَفْسِهِ أَوْ لِعَیْرِهِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۶)

دستورات کلی در معاملات

در اسلام دستورهای کلی اکید، به راستی و درستی در معاملات و به اجتناب از مکر و خدعه و تقلب و اضرار و هرگونه معامله نامشروع داده شده است.

قرآن کریم

ص: ۱۲۷

«وای (تباهی) بر کم فروشان! آنان که چون کیل و پیمانہ گیرند (برای خودشان) بر مردم، تمام گیرند و چون پیمانہ یا وزن برای مردم کنند، به آنان کم دهند، آیا باور نمی کنند که آنان برای روزی بزرگ (روز قیامت و حساب) برانگیخته می شوند؟!» (۱)

روایات

امیر مؤمنان علی (علیه السلام): «ای گروه تاجران! فقه سپس تجارت، فقه سپس تجارت، فقه سپس تجارت (یعنی قبلاً احکام شرعیۀ تجارت را بیاموزید، بعد به تجارت وارد شوید). سوگند به خدا، ربا در این امت، پنهان تر از نرم رفتن مورچه بر سنگ سخت صاف است. ایمان خودتان را (یا سوگندهای خودتان را) به صدق و راستی بیامیزید. تاجر فاجر است و فاجر در آتش است؛ مگر تاجری که حق بگیرد و حق بدهد.» (۲)

ص: ۱۲۸

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ.» (مطففین، ۵-۱)

۲- (۲) روایات ۱. «یا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجِرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجِرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجِرَ، وَاللَّهُ لِلرَّبِّا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ اخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلَةِ عَلَى الصَّفَا شُوبُوا إِيْمَانَكُمْ بِالصِّدْقِ، التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَاعْطَى الْحَقَّ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۷۴، به نقل از «کافی») و این روایت در کتاب «من لایحضره الفقیه» اینطور نقل شده: «یا مَعْشَرَ التُّجَّارِ! الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجِرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجِرَ، وَاللَّهُ لِلرَّبِّا (بِكَسْرِ اللَّامِ) فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ دَبِيبٌ اخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَا، صُونُوا (شُوبُوا - خ ل) أَمْوَالَكُمْ بِالصِّدْقِ، التَّاجِرُ فَاجِرٌ وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَاعْطَى الْحَقَّ.»

امیر مؤمنان علی (علیه السلام): «ای گروه تجار! از (مخالفت با) خدا بپرهیزید (تا این که فرمود): از قسم خوردن خودداری کنید، از دروغ اجتناب کنید، از ستم دوری کنید، به ستمدیدگان انصاف دهید، نزدیک ربا نروید، پیمانہ و میزان را تمام دهید و اشیای مردم را کم نکنید، و در زمین کوشش به فساد ننمایید.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «بر تو باد، راست زبانی در گفتارت؛ عیبی که در کالای تجارت تو است پوشان، و کسی که واگذارنده امر است به تو، مغبون مکن؛ همانا مغبون کردنش حلال نیست. و برای مردمان راضی مشو، مگر آن چه را که راضی

ص: ۱۲۹

۱- (۱). «يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ اتَّقُوا اللَّهَ (الی ان قال) (علیه السلام) تَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ وَ جَائِبُوا الْكِذْبَ وَ تَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَ انصِبُوا الْمِيزَانَ وَ لا تَقْرَبُوا الرِّبَا وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ وَ لا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَانَهُمْ وَ لا تَعْتَوُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ.» (همان، ج ۲، ص ۵۷۴)

می شوی برای خودت، و حق بده و حق بگیر و جور مکن (تا این که می گوید): تاجر فاجر است مگر تاجری که حق بدهد و حق بگیرد.» (۱)

امام کاظم (علیه السلام): «به راستی، فروش متاع در زیر سقف و تاریکی، نوعی غش و پوشاندن عیب متاع است، و غش جایز نیست.» (۲)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که عیب متاع را بر مسلمانی بیوشاند و یا به مسلمانی ضرر برساند و با او خدعه کند، از ما نیست.» (۳)

امام کاظم (علیه السلام): «کسی که خیانت کند، و عیب چیزی را بر مسلمانی بیوشد، یا از راه دیگری او را گول زند، یا به او مکر و خدعه کند، ملعون است.» (۴)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که در خرید و فروش به مسلمانی خیانت کند و عیب چیزی را بر او بیوشد، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور شود؛ زیرا که یهود نسبت به مسلمین، خائن ترین مخلقوند.» (۵)

ص: ۱۳۰

۱- (۱). «عَلَيْكَ بِصِدْقِ اللِّسَانِ فِي حَيْدِيَّتِكَ وَ لَا تَكْتُمُ عَيْبًا يَكُونُ فِي تِجَارَتِكَ وَ لَا تَغْنِبِ الْمُسْتَرْسِلَ فَإِنَّ غَنَبَهُ لَا يَحِلُّ وَ لَا تَرِضَ لِلنَّاسِ إِلَّا مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ وَ اعْطِ الْحَقَّ وَ اخْذْهُ وَ لَا تَحِفْ (الی ان قال): وَ التَّاجِرُ فَاجِرٌ إِلَّا مَنْ اعْطَى الْحَقَّ وَ اخْذَهُ.» (همان، ص ۵۷۵)

۲- (۲). «إِنَّ الْبَيْعَ فِي الظُّلَالِ غِشٌّ وَ الْغِشُّ لَا يَحِلُّ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۶۲)

۳- (۳). «لَيْسَ مِنْ مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ.» (همان)

۴- (۴). «مَلْعُونٌ مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ عَرَّهُ أَوْ مَأْكْرَهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۵۵؛ به نقل از «نوادر» فضل الله راوندی)

۵- (۵). «مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ اعْتَمَسُوا الْخَلْقَ لِلْمُسْلِمِينَ.» (وسائل الشیعه،

ج ۲، ص ۵۶۲)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که شب بگذراند، و در دلش قصد تقلبی نسبت به برادر مسلمان خود داشته باشد، شب را در غضب خدا گذرانده است، و در غضب خدا صبح کرده است؛ و او در غضب خداست تا توبه کند و از آن قصد برگردد و اگر با آن حال بمیرد، بر غیر دین اسلام مرده است.»^(۱)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «حیله ورزی و فریب و خیانت در (خور) آتش است.»^(۲)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که مسلمان است، حیله ورزی نکند و فریب ندهد.»^(۳)

ص: ۱۳۱

-
- ۱- (۱). «مَنْ بَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَيْخِطِ اللَّهِ وَ اصْبَحَ كَذَلِكَ وَ هُوَ فِي سَخِطِ اللَّهِ حَتَّى يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ وَ أَنْ مَاتَ كَذَلِكَ مَاتَ عَلَى غَيْرِ دِينِ الْإِسْلَامِ.» (همان)
- ۲- (۲). «الْمَكْرُ وَالْخَدِيعَةُ وَالْخِيَانَةُ فِي النَّارِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۹۹)
- ۳- (۳). «مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۳)

از بدترین خصال، دورویی و دوزبانی است و شخص دو رو و دوزبان در اسلام از بدترین مردم است.

روایات

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «همانا بدترین مردم روز قیامت نزد خداوند، آدم دو رو است.»^(۱)

ص: ۱۳۲

۱- (۱) روایات ۱. «إِنَّ شَرَّ النَّاسِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ اللَّهِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۵)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «بدترین مردم کسی است که دو رو، و دو زبان باشد.»^(۱)

امام موسی بن جعفر (علیه السلام): «آن که دورو و دو زبان باشد، بد بنده ای است: ثنای برادرش را گوید هنگامی که او را ببیند، و چون از او پنهان شود او را می خورد (یعنی از او بدگویی می کند)، اگر به برادرش نعمتی داده شود به او رشک ورزد، و چون ابتلائی پیدا نماید ترک یاری او کند.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که مسلمانان را به دورویی و دو زبانی ملاقات کند، در روز قیامت برای او دو زبان از آتش آماده است.»^(۳)

ص: ۱۳۳

-
- ۱- (۱). «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَانَ ذَاوَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲)
- ۲- (۲). «بِئْسَ الْعَبْدُ عَيْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَلِسَانَيْنِ: يُطْرَى إِخَاهُ إِذَا شَاهَدَهُ وَ يَأْكُلُهُ إِذَا غَابَ عَنْهُ، أَنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَ إِذَا ابْتُلِيَ خَذَلَهُ.» (همان؛ به نقل از «تحف العقول»)
- ۳- (۳). «مَنْ لَقِيَ الْمُسْلِمِينَ بِوَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ لَهُ لِسَانَانِ مِنْ نَارٍ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۵)

اسلام، مردم را از خشم نابجا (به غیر منظور خدا) که بسیار مذموم و خطرناک است، بر حذر نموده و به بردباری و فرو بردن خشم، بسیار تشویق و تحریص نموده است.

روایات

ص: ۱۳۴

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خشم، ایمان را فاسد می کند چنان که سرکه غسل را» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «خشم، کلید هر بدی است.»

امام صادق (علیه السلام): «کسی که مالکِ خشمش نشود، مالکِ عقلش نشده است.» (۲)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام): «خشم شرّ است، اگر آن را پیروی کنی (تو را) هلاک کند.» (۳)

* «خشم، دشمن تو است، پس او را مالکِ نفس خود مکن.»

* «خشم، خردها را فاسد و آدمی را از راه صواب دور کند.»

* «از خشم دوری کن که خشم آتش سوزان است.»

* «از خشم بپرهیز! زیرا ابتدای آن دیوانگی و آخر آن پشیمانی است.»

ص: ۱۳۵

۱- (۱) روایات ۱. «الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْإِيمَانَ كَمَا يُفْسِدُ الْخَلُّ الْعَسَلَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۶۹)

۲- (۲). «مَنْ لَمْ يَمْلِكْ غَضَبَهُ لَمْ يَمْلِكْ عَقْلَهُ.» (همان)

۳- (۳). «الْغَضَبُ شَرٌّ أَنْ اطَّعْتَهُ دَمَّرَ * الْغَضَبُ عَيْدٌ فَلَا تُمْلِكُهُ نَفْسِيكَ * الْغَضَبُ يُفْسِدُ الْأَلْبَابَ وَيُبْعِدُ مِنَ الصَّوَابِ * اخْتِذِرِ

الْغَضَبَ فَإِنَّهُ نَارٌ مُحْرِقَةٌ * إِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَأَوَّلُهُ جُنُونٌ وَ آخِرُهُ نَدَمٌ * بَسَّ الْقَرِينُ الْغَضَبُ يُبْذِرُ الْمَعَايِبَ وَيُذْنِبِي الشَّرَّ وَيُبَاعِدُ

الْخَيْرَ * مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ غَضَبُهُ وَ شَهْوَتُهُ فَهُوَ فِي حَيْزِ الْبُهَائِمِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۶، به نقل از «غرر» آمدی)

* «خشم، بد قرینی است؛ عیوب آدمی را ظاهر سازد و بدی را نزدیک و خوبی را دور کند.» * «کسی که خشم و شهوت بر او چیره شود، در رتبه چهارپایان است.»

ص: ۱۳۶

خداوند در وصف متّین که وعده بهشت وسیع را به آنان داده است، می فرماید:

قرآن کریم

ص: ۱۳۷

«آن‌اند که چه هنگام وسعت و چه هنگام شدت و سختی، به مردم انفاق می‌کنند، و فروخورندگان خشم و درگذرندگان از مردمند؛ و خداوند محسنین را دوست دارد.»^(۱)

«پس هر چه (نعمت) داده شده‌اید، همانا متاع و بهره زندگی دنیا است و آن چه نزد خداست (از منوبات اخروی) بهتر و پاینده تر است برای آنان که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل دارند، و آنان که از گناهان بزرگ و کارهای زشت دوری گزینند و هرگاه به خشم آیند درگذرند و چشم پوشی کنند.»^(۲)

ص: ۱۳۸

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.» (آل عمران، ۱۳۳ و ۱۳۴)

۲- (۲). «فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ.» (شوری، ۳۶ و ۳۷)

امام صادق (علیه السلام): «هیچ بنده ای نیست که خشمی را فرو خورد، مگر این که خداوند (عزوجل) عزت او را در دنیا و آخرت زیاد می کند.»^(۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که خشمی را فرو خورد و بردباری کند با این که بر انفاذ و اجرای آن خشم، قادر باشد، خداوند اجر یک شهید به او بدهد.»^(۲)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که خشمی را فرو خورد، با این که بر انفاذ آن قادر باشد، خداوند از پی آن امن و ایمانی که طعم (و لذت) آن را بیابد پاداش بدهد.»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که خشمی را فرو خورد، با آن که اگر می خواست آن را انفاذ کند می توانست، خداوند در روز قیامت قلب او را از رضا و خشنودی خود پر کند.»^(۴)

ص: ۱۳۹

- ۱- (۱) روایات ۱. «ما مِنْ عَبْدٍ كَظَمَ غَيْظًا إِلَّا زَادَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عِزًّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۴)
- ۲- (۲). «مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ أَنْفَازِهِ وَحَلَمَ عَنْهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۴)
- ۳- (۳). «مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ امْتِصَائِهِ اغْتَبَهُ اللَّهُ ائْمَانًا وَ ائْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ.» (همان)
- ۴- (۴). «مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ لَوْ شَاءَ أَنْ يُمِضِيَهُ امْتِصَاءً مَلَأَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ رِضَاءً.» (همان)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که خشمی را فرو خورد با این که بر انفاذ آن توانا باشد، خداوند قلب او را تا روز قیامت از امن و ایمان پر کند.»^(۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خردمندترین مردم، شدیدترین مردم است در مدارا و ملاحظت با مردم؛ و هوشیار و دوراندیش ترین مردم، کسی است که بیشتر از همه خشم خود را فرو خورد.»^(۲)

امام باقر (علیه السلام): «به راستی خداوند شخص با حیا و بردبار را دوست دارد.»^(۳)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «به درستی شخص به بردباری با مردم، رتبه روزی شب زنده دار را درک می کند.»^(۴)

امام باقر (علیه السلام): «کسی که خشمش را از مردم نگهدارد، خداوند عذاب روز قیامت را از او نگهدارد.»^(۵)

ص: ۱۴۰

۱- (۱). «مَنْ كَظَمَ غَيْظًا وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَىٰ انْفَاذِهِ مَلَآ اللَّهُ قَلْبَهُ آمِنًا وَ اِيْمَانًا اِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَمَةِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۸؛ به نقل از «مشکوه الانوار»)

۲- (۲). «اَعْقَلَ النَّاسِ اَشَدُّ مُدَارَاهِ لِلنَّاسِ وَ اَخْزَمُ النَّاسِ اَكْظَمُ غَيْظًا.» (همان؛ به نقل از «روضه الواعظین»)

۳- (۳). «اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْحَيِّيَّ الْحَلِيْمَ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۵۵)

۴- (۴). «اِنَّ الرَّجُلَ لَيُدْرِكُ بِمَا لِحْمِ دَرَجَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۰۴؛ به نقل از «لب الالباب» قطب راوندی)

۵- (۵). «مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَ يَوْمِ الْقِيَمَةِ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۴۶۹)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «از محبوب ترین راه ها به سوی خداوند عزوجل (فرو بردن) دو جرعه است: یکی جرعه خشمی که رد کنی آن را به بردباری، دیگری جرعه مصیبتی که رد کنی آن را به شکیبایی»^(۱).

ص: ۱۴۱

۱- (۱). «مِنْ أَحَبِّ السَّبِيلِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ جُرْعَتَانِ: جُرْعَةٌ غَيْظٌ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةٌ مُصِيبَةٌ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ.» (وسائل الشیعه، ج ۲،

ص ۲۲۴)

خوش زبانی و بدزبانی

بدزبانی قبیح و موجب آزار و برانگیختن بغض مردم است و در مدارک اسلام از آن منع و به خوش زبانی امر شده است.

قرآن کریم

«برای مردم، خوش زبان و نیک گفتار باشید.»^(۱)

ص: ۱۴۲

۱- (۱) قرآن کریم ۲. «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا.» (بقره، ۸۳)

«گفتار خوب و آموزش (لغزش فقیر) بهتر از صدقه ای است که از پی آن آزاری باشد؛ و خداوند بی نیاز و حلیم است. ای کسانی که ایمان آورده اید! صدقات خودتان را با منت و اذیت باطل نکنید.»(۱)

قرآن به اولیای اشخاص بی رشد و کم خرد می گوید: «اموال و دارایی خودتان را (مراد اموال سفیهان است که در حکم اموال اولیا است) که خداوند متعال آن ها را وسیله قیام و معیشت شما (مردم) قرار داده است، به تصرف سفیهان ندهید و روزی و پوشاک آنان را در آن اموال (و از عایدی آن ها) بدهید و (مثلاً اگر تندی و اسائه ای برای اخذ آن ها به شما نمودند) به گفتار نیکو (و وعده معروف) به آنان (پاسخ) بگویید.»(۲)

«اگر هنگام تقسیم میراث، خویشان (خویشانی که ارث بر نیستند) و یتیمان و مستمندان حاضر شدند، چیزی از ترکه روزی آنان کنید، و با ایشان با گفتاری خوب سخن بگویید (از قبیل عذرخواهی و دعای خیر برای آنان).»(۳)

ص: ۱۴۳

۱- (۱). «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى.» (بقره، ۲۶۳ و ۲۶۴)

۲- (۲). «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» (نساء، ۵)

۳- (۳). «وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» (نساء آیه، ۸)

«و باید بترسند کسانی که اگر فرزندان ناتوانی از خود باقی گذارند، بر ایشان نگران و دلوایسند؛ پس باید (در زندگی خود با فرزندان و یتیمان دیگران مدارا و مهربانی کنند و) از خدا بپرهیزند و گفتاری درست (از روی شفقت و مهربانی با آنان) بگویند.»

«بگو بر بندگان من (که به یکدیگر و درباره یکدیگر) آن چه که خوب تر است بگویند؛ که شیطان بین آنان فساد می کند و شیطان برای انسان، دشمنی آشکار است.»^(۱)

روایات

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» می فرماید: «بهترین چیزی را که دوست دارید درباره شما گفته شود، درباره مردم بگویید.»^(۲)

ص: ۱۴۴

-
- ۱- (۱). «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا.» (اسراء، ۵۳)
- ۲- (۲) روایات. «قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ.»

امام صادق (علیه السلام): «گروه شیعه! زینت ما باشید و نه عیب ما، و برای مردم خوبی بگویید و زبان هایتان را نگهدارید و آن را از سخن زائد و گفتار زشت باز دارید.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «از خدا پرهیزید و زبانتان را، جز از خیر، بازدارید.»^(۲)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که مردم به خاطر زشت گوئی اش از همنشینی و معاشرت با او بدشان بیاید، مسلماً از بدترین بندگان خداست.»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «همانا زشت گوئی و ناخوش گوئی و زبان درازی از نفاق است.»^(۴)

* «مبغوض ترین خلق خدا کسی است که مردم از زبان او در حذر باشند.»

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «همانا خداوند زشت گوئی بد زبان را دشمن می دارد.»^(۵)

ص: ۱۴۵

۱- (۱). «مَعَاشِرَ الشَّيْعَةِ كُونُوا لَنَا زِينًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا قُولُوا لِلنَّاسِ حُسَيْنًا وَ احْفَظُوا السِّنَّتَكُمْ وَ كُفُّوا عَنِ الْفُضُولِ وَ قَبِيحِ الْقَوْلِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۶)

۲- (۲). «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ كُفُّوا السِّنَّتَكُمْ إِلَّا مِنْ خَيْرٍ.» (همان، ص ۲۲۷)

۳- (۳). «إِنَّ مِنْ أَشْرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالَسَتَهُ لِفُحْشِهِ.» (همان، ص ۴۷۶)

۴- (۴). «إِنَّ الْفُحْشَ وَ الْبِدَاءَ وَ السَّلَاطَةَ مِنَ النِّفَاقِ * إِنَّ ابْغَضَ خَلْقِ اللَّهِ عَبْدًا اتَّقَى النَّاسَ لِسَانَهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۶)

۵- (۵). «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْفَاحِشَ الْبِدِيَّ.» (همان)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که از زبان او مردم می ترسند، اهل آتش است.»^(۱)

* «بدترین مردم کسی است که مردم او را از ترسِ شرّ او و اذیتِ زشت گویی اش، اکرام کنند.»

* «بدترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسانی هستند که از ترسِ شرّشان (در دنیا) اکرام و احترام شوند.»

ص: ۱۴۶

۱- (۱). «مَنْ خَافَ النَّاسَ لِسَانَهُ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ * شَرُّ النَّاسِ مَنْ أَكْرَمَهُ النَّاسُ اتِّقَاءَ شَرِّهِ وَ اذَى فُحْشِهِ * شَرُّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الَّذِينَ يُكْرَمُونَ اتِّقَاءَ شَرِّهِمْ.» (همان)

دشمنی و کینه جویی، دوری و جدایی از یکدیگر

از صفات رذیله آدمی، دشمنی و کینه جویی نسبت به دیگری است که در اسلام منع و مذمت شده است و گاه همین صفت، منشأ رذائل و اعمال مهلکه ای دیگر از قبیل غیبت و دروغ، بهتان، شماتت، مسخره، فحش، اذیت، آزار و ستم، حسد و بخل می گردد و سرانجام دنیا و آخرت آدمی را فاسد می نماید.

ص: ۱۴۷

«البته و ندارد شما را کینه گروهی که بازداشتند شما را از مسجد الحرام، بر آن که ستم کنید.»^(۱)

«البته و ندارد شما را، کینه گروهی، بر این که عدل و داد نکنید؛ عدالت کنید که عدل به تقوا نزدیک تر است.»^(۲)

روایات

امام صادق (علیه السلام): «کسی که بذر دشمنی بکارد، همان را درو کند.»^(۳)

امیرمؤمنان علی (علیه السلام): «رشک و دروغ و کینه را رها کن، این ها سه چیزند که دین را زشت کنند و انسان را هلاک

نمایند.»^(۴)

ص: ۱۴۸

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اَنْ تَغْتَدُوْا.» (مائده، ۲)

۲- (۲). «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰى اَلَّا تَعْدِلُوْا اَعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى.» (مائده، ۸)

۳- (۳) روایات ۳. «مَنْ زَرَعَ الْعَدَاوَةَ حَصَدَ مَا بَدَرَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۲)

۴- (۴). «دَعِ الْحَسَدَ وَ الْكِبْرَ وَ الْحَقْدَ فَاِنَّهُنَّ ثَلَاثَةٌ تَشِيْنُ الدِّيْنَ وَ تُهْلِكُ الرَّجُلَ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۲۸؛ به نقل از «غرر» آمدی)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «از خویش خود نبر (جدا مشو) گرچه او از تو بریده باشد.»^(۱)

امام باقر (علیه السلام): «چون دو نفر از شیعیان ما نزاع کنند و از یکدیگر مفارقت نمایند، پس باید ستمدیده به سوی رفیق خود برگردد، تا این که بگوید: ای برادر من! منم ستم کننده، تا آن که دوری و ناپیوستگی میان آن دو، بریده و تمام شود که خدای متعال داور و دادگر است، از ظالم برای مظلوم (انتقام) می گیرد.»^(۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «آگاه باشید که به درستی، دشمنی با یکدیگر، تراشنده و از بیخ و بُن کَننده دین است.»^(۳)

ص: ۱۴۹

۱- (۱). «لَا تَقْطَعِ رَحِمَكَ وَ أَنْ قَطَعْتَكَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۷)

۲- (۲). «إِذَا تَنَازَعَ اثْنَانِ مِنْ شِيعَتِنَا فَفَارَقَا أَحَدُهُمَا الْآخَرَ فَلْيَرْجِعِ الْمَظْلُومُ إِلَى صَاحِبِهِ حَتَّى يَقُولَ يَا أَخِي أَنَا الظَّالِمُ حَتَّى يَنْقَطِعَ الْهَجْرَانُ فِيمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَكَمٌ وَ عَدْلٌ يَأْخُذُ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲؛ به نقل از «تحف العقول» و صاحب «وسائل الشیعه» نیز، این روایت را در ص ۲۳۵ به نقل از کلینی ذکر کرده است.)

۳- (۳). «أَلَا إِنَّ فِي التَّبَاغُضِ الْحَالِقِ لَا اغْنَى حَالِقِهِ الشَّعْرِ وَ لَكِنْ حَالِقَهُ الدِّينِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۳)

امام باقر (علیه السلام): «اصحاب و برادران دینی خود را بزرگ دارید و احترامشان کنید، هجوم مکنید و به هم ضرر نرسانید و رشک مورزید و از بخل بپرهیزید و بندگان خالص خدا باشید.»^(۱)

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم): «برای هیچ مسلمانی جایز و حلال نیست که از برادر مسلمان خود تا سه روز قهر و دوری و ناپیوستگی کند، و پیشی گیرنده (برای آشتی)، به بهشت پیشی گرفته است.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «مؤمن نسبت به برادر با ایمانش هدیه خدای عزوجل است، پس اگر او را مسرور کند و به او پیوندد، هدیه خداوند را پذیرفته است و اگر از او ببرد و دوری و جدایی کند، هدیه خداوند را رد کرده است.»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «خداوند از هیچ مؤمنی عملی را نپذیرد، اگر او قصد بدی و سویی را بر برادر با ایمانش در دل داشته باشد.»^(۴)

ص: ۱۵۰

۱- (۱). «عَظُّمُوا صِيْحَابَكُمْ وَ قَرُّوهُمْ وَ لَا يَتَهَجَّمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَا تُضَارُّوا وَ لَا تُحَاسِدُوا وَ آيَاكُمْ وَ الْبُخْلَ وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمَخْلُصِينَ.» (همان، ص ۲۰۴)

۲- (۲). «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ إِخَاهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ السَّابِقُ سَبَقَ إِلَى الْجَنَّةِ.» (همان، ص ۲۳۵)

۳- (۳). «الْمُؤْمِنُ هَدِيَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى إِخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَإِنْ سَيَّرَهُ وَ وَصَّيْ لَهُ فَقَدْ قَبِلَ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ هَدِيَّتَهُ وَ أَنْ قَطَعَهُ وَ هَجَرَهُ فَقَدْ رَدَّ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ هَدِيَّتَهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۲؛ به نقل از «روضه» شیخ مفید)

۴- (۴). «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْ مُؤْمِنٍ عَمَلًا وَ هُوَ مُضْمِرٌ عَلَى إِخِيهِ الْمُؤْمِنِ سُوءًا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۰)

الف) در روایاتی، نهی و منعی از «شحناء»، «مشاره»، «ملاحاه» وارد شده است. مراد از شحناء، عداوت و کینه است. و مراد از مشاره، مخاصمه است. و مراد از ملاحات، منازعه. (۱)

ب) در روایاتی از دوری مؤمن بیش از سه روز، نهی شده است؛ مانند این که از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است:

"لا هجره فوق ثلاث" یا

"لا یحل لمسلم ان یهجر اخاه فوق ثلاثه". (۲)

ص: ۱۵۱

۱- (۱). به جلد دوم وسائل الشیعه، صفحه ۲۳۲ رجوع شود.

۲- (۲). وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۵.

ظاهراً مراد از این هجر، دوری گرفتن (جدایی، بریدن) مؤمنین از یکدیگر، پس از وقوع منازعه ای بین آنان می باشد.

ج) در روایاتی از حجب مسلمان مؤمن (یعنی خودداری از ملاقات با او) منع شده است؛ مانند روایت ابی حمزه از امام باقر (علیه السلام): «ای اباحمزه! هر مسلمانی که مسلمان دیگری به منزلش بیاید برای زیارت او یا طلب حاجتی از او و او در منزلش باشد و اذن ورود بخواهد، اذن ندهد و به سوی او نیز خارج نشود، این صاحب منزل، پیوسته در لعنت خدا خواهد بود تا این که یکدیگر را ملاقات کنند.» راوی می گوید: «گفتم فدایت شوم در لعنت خداست تا این که یکدیگر را ملاقات کنند؟» فرمود: «بلی.» (۱)

ص: ۱۵۲

۱- (۱). عَيْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ: «جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَقُولُ فِي مُسْلِمٍ أَتَى مُسْلِمًا وَهُوَ فِي مَنْزِلِهِ فَاسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَأْذَنْ لَهُ وَ لَمْ يَخْرُجْ إِلَيْهِ.» قَالَ (عليه السلام): «يا ابا حمزه أيما مُسْلِمٍ أَتَى مُسْلِمًا زَائِرًا أَوْ طَالِبَ حَاجَةٍ وَهُوَ فِي مَنْزِلِهِ فَاسْتَأْذَنَ عَلَيْهِ فَلَمْ يَأْذَنْ لَهُ وَ لَمْ يَخْرُجْ إِلَيْهِ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ حَتَّى يَلْتَقِيَا.» قُلْتُ: «جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي لَعْنَةِ اللَّهِ حَتَّى يَلْتَقِيَا؟» قَالَ: «نَعَمْ.» (وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۲۳۱)

در روایتی از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: «ملعون است، ملعون است، کسی که محتجب شود از برادرش (یعنی خود را از برادر ایمانی اش که اذن ملاقات می خواهد بیوشد و پنهان کند و رو نشان ندهد).»^(۱)

ص: ۱۵۳

۱- (۱). عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمَلْعُونُ مِنْ أَخِي الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَآمِهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اتَّهَمَ أَخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ غَشَّ أَخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يَنْصَحْ أَخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اخْتَجَبَ عَنْ أَخِيهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اغْتَابَ أَخَاهُ.» (همان)

حرص و آز

یکی از صفات مذموم، صفت حرص و آز است که آدمی را به خواری می کشاند و به گناه وا می دارد.

روایات

ص: ۱۵۴

علی (علیه السلام): «آز کلید رنج و مَکب تعب و باعث ورود در گناهان است.»^(۱)

* «آز نشانه بدبختان است.»

* «آز، آدمی را خوار و بدبخت می گرداند.»

امام باقر (علیه السلام): «مَثَلِ آزَمَنْد (حریص) بر دنیا، چون کرم ابریشم است که هر چه زیادتر (پيله را) بر خود بپیچد، بیرون آمدنش دورتر و مشکل تر گردد تا این که از اندوه بمیرد.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «بی نیازترین بی نیازی برای کسی است که گرفتار آز نباشد.»^(۳)

ص: ۱۵۵

۱- (۱) روایات ۱. «الْحِرْزُ مِفْتَاحُ التَّعَبِ وَ مَطِيَّةُ النُّصَبِ وَ دَاعِ إِلَى التَّقَحُّمِ فِي الدُّنُوبِ * الْحِرْزُ عَلَامَةُ الْأَشْقِيَاءِ * الْحِرْزُ يُدَلُّ وَ يُشْقَى.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۶؛ به نقل از «تحف العقول» و «غرر»)

۲- (۲). «مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودِهِ الْقَزِّ كَلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَمَّا كَانَ ابْعَدُهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۴)

۳- (۳). «أَغْنَى الْغِنَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْزِ.» (همان)

طمع (چشم داشت به دیگران)

یکی دیگر از صفات مذموم، صفت طمع است و آن توقّع و چشم داشتن از دیگران است که آدمی را پست و ذلیل می کند.

روایات

ص: ۱۵۶

امام باقر (علیه السلام): «بد بنده ای است، بنده ای که برای او طمع باشد که بکشاند او را»^(۱)

علی (علیه السلام): «بهترین امور، امری است که از طمع عاری باشد».

* «صلاح ایمان، ورع، و فساد آن طمع است.»

* «خواری مردان در مطامع است.»

* «از فریب طمع پرهیز که چراگاه آن وخیم است.»

* «کسی که نفس خود را از پستی مطامع پاک نکرد، خود را ذلیل و خوار کرده است و در آخرت خوارتر و رسواتر

است.»^(۲)

امام باقر (علیه السلام): «پایداری عزت را، به میراندن طمع بجوی.»^(۳)

ص: ۱۵۷

۱- (۱) روایات ۱. «بَسَّ الْعَبْدُ عَبْدًا يَكُونُ لَهُ طَمَعٌ يَقْوَدُهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۵)
۲- (۲). «خَيْرُ الْأُمُورِ مَا عَرِيَ عَنِ الطَّمَعِ * صِيْلَاحُ الْإِيْمَانِ الْوَرَعُ وَ فَسَادُهُ الطَّمَعُ * ذُلُّ الرَّجَالِ فِي الْمَطَامِعِ * إِيَّاكَ وَ غُرُورَ الطَّمَعِ فَانَّهُ وَخِيمُ الْمُرْتَعِ * مَنْ لَمْ يُنَزِّهِ نَفْسَهُ عَنْ دِنَائِهِ الْمَطَامِعِ فَقَدْ أَذَلَّ نَفْسَهُ وَ هُوَ فِي الْأَجْرَةِ أَذَلُّ وَ أَخْزَى.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۷؛ به نقل از «غرر» آمدی)
۳- (۳). «أُطْلِبُ بَقَاءَ الْعِزِّ بِإِمَاتَةِ الطَّمَعِ.» (تحف العقول)

حیا و شرم، و بی شرمی

شرم (حیا) در آدمی یکی از خصال پسندیده است؛ منظور، شرم از انجام دادن کار بد و از ترک طاعت پروردگار و ارتکاب معصیت است، که عقلاً و شرعاً (چنین شرمی) نیکو و ممدوح است؛ ولی شرم در انجام کار نیک و برای طاعت پروردگار و

ص: ۱۵۸

ترک کار بد و معصیت، مذموم و احمقانه است. در مواضعی که شرم و حیا ممدوح است، البته بی شرمی بسیار مذموم و ممنوع می باشد.

روایات

امام صادق (علیه السلام): «حیا از ایمان و ایمان (یعنی شخص با ایمان در آخرت) در بهشت است.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): « برای کسی که هیچ حیا ندارد، ایمانی نیست.»^(۲)

امام باقر یا امام صادق (علیهما السلام): «حیا و ایمان (ملازم یکدیگر و مانند آنند که) به یک ریسمان بسته شده اند، پس هرگاه یکی از آن دو رفت، دیگری هم می رود.»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «رأس مکارم (اخلاق)، حیا است.»^(۴)

ص: ۱۵۹

۱- (۱) روایات ۱. «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ فِي الْجَنَّةِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۳)

۲- (۲) . «لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ.» (همان)

۳- (۳) . «الْحَيَاءُ وَالْإِيمَانُ مَقْرُونَانِ فِي قَرْنٍ فَإِذَا ذَهَبَ أَحَدُهُمَا تَبِعَهُ صَاحِبُهُ.» (همان)

۴- (۴) . «رَأْسُ الْمَكَارِمِ الْحَيَاءُ.» (همان، ص ۴۴۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خداوند رحمت کند بنده ای را که از پروردگارش حیا کند. حق حیا را، (که در این صورت) حفظ می کند، آن چه را سر شامل آن است (چشم و گوش و زبان، یا افکار خود را) و شکم و آن چه را شکم در خود می گیرد (از خوردنی و نوشیدنی) و یاد می کند قبر و پوسیدگی (جسد) را و متوجه است که برای او (در آخرت) معاد و بازگشتی هست.» (۱)

امام کاظم (علیه السلام): «به تحقیق، خداوند بر هر بد زبان زشت گوی کم شرمی که از آن چه گوید و آنچه درباره او گفته شود باک ندارد، بهشت را حرام کرده است.» (۲)

امیرمؤمنان (علیه السلام): «بی شرمی، عنوان تمام بدی ها است.» (۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «حیا دو قسم است: حیای عقل و حیای حماقت. حیای عقل، علم است و حیای حماقت، جهل است.» (۴) مثلاً حیایی که شخص از کردار زشت و گفتار بد داشته باشد، حیای عقل و علم است؛ اما حیایی که برای

ص: ۱۶۰

۱- (۱). «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اسْتَحْيَى مِنْ رَبِّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ حَفِظَ الرَّأْسَ وَ مَاحَى وَ الْبُطْنَ وَ مَا وَعَى وَ ذَكَرَ الْقَبْرَ وَ الْبَلَى وَ ذَكَرَ أَنَّ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مَعَادًا.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۵؛ به نقل از «مشکوه» طبرسی)

۲- (۲). «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَاحِشٍ يَدِي قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ فِيهِ.» (همان، ص ۳۳۹؛ به نقل از «تحف العقول»)

۳- (۳). «الْفَحْهُ عُنْوَانُ كُلِّ الشَّرِّ.» (همان، ص ۳۴۰)

۴- (۴). «الْحَيَاءُ حَيَاءُ عَقْلٍ وَ حَيَاءُ حُمُقٍ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْحُمُقِ هُوَ الْجَهْلُ.» (همان، ص ۲۲۳)

انجام کار خوب و یا برای سؤال از مطالب علمی و تعلّم احکام دین داشته باشد، حیای حماقت و جهل است).

امام زین العابدین (علیه السلام): «شخص با ایمان، چیزی از امور نیک را از روی ریا انجام نمی دهد و نیز چیزی (از امور نیک) را از حیا ترک نمی کند.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): « به جهت حیا از مردم، ترک علم مکن.»^(۲)

ص: ۱۶۱

۱- (۱). «الْمُؤْمِنُ لَا يَعْمَلُ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ رِيَاءً وَلَا يَتْرُكُهُ حِيَاءً.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۳)

۲- (۲). «لَا تَدَعِ الْعِلْمَ اسْتِحْيَاءً مِنَ النَّاسِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۸۶؛ به نقل از «تحف العقول»)

سوءظن و تهمت به مؤمنین

وتجسس از عیوب و لغزش های آنان

از اموری که در اسلام منع شده است، بدبینی و بدگمان بودن نسبت به برادران ایمانی و نیز تجسس از عیوب و لغزش های آنان است.

ص: ۱۶۲

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان‌ها دوری گزینید که برخی از گمان‌ها گناه است و تجسس و کاوش (از عیوب و لغزش‌های دیگران) نکنید.» (۱)

روایات

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «امر برادر ایمانی‌ات را به بهترین وجه، حمل نما تا این که از او تو را چیزی (به نظر) آید که بر تو غالب شود و تو را از آن وجه برگرداند، و به کلمه‌ای که از برادرت صادر شود، با آن که برای آن محمل خیری می‌توانی بیابی، گمان بد مبر.» (۲)

ص: ۱۶۳

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا.» (حجرات، ۱۲)
۲- (۲) روایات ۲. «ضَعْ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَىٰ أَحْسَنِهِ حَتَّىٰ يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ مِنْهُ» (*) «وَلَا تَطُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمَلًا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۰) (*) در برخی کتب عبارت فوق به این صورت است: «حَتَّىٰ يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يُغْلِبُكَ» و در تفسیر صافی «حَتَّىٰ يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ مِنْهُ»، و در تفسیر برهان «حَتَّىٰ يَأْتِيكَ مَا يُغْلِبُكَ» ذکر شده است.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): «بدگمانی را از خودتان دور کنید که خداوند عزوجل از آن نهی کرده است.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «چون مؤمن برادر ایمانی اش را متهم نماید، یعنی در حق او گمان بد برد، ایمان در قلب او ذوب شود؛ هم چنان که نمک در آب ذوب می شود.» (۲)

امام رضا (علیه السلام): «ملعون است ملعون، کسی که برادر ایمانی اش را متهم نماید؛ ملعون است ملعون، کسی که خیانت و تقلب نماید به برادر ایمانی اش؛ ملعون است ملعون، کسی که نصیحت و خیرخواهی خالص به برادر ایمانی اش نکند؛ ملعون است ملعون، کسی که خود را محتجب و پنهان از برادر ایمانی اش کند؛ ملعون است ملعون، کسی که غیبت برادر ایمانی اش را نماید.» (۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «عیوب پوشیده مؤمنین را نجوید و لغزش های آنان را دنبال و پی گیری نکنید، که هر کس لغزش برادر ایمانیش را دنبال کند،

ص: ۱۶۴

۱- (۱). «إِطْرَحُوا سُوءَ الظَّنِّ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَهَى عَنْ ذَلِكَ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۱۰؛ به نقل از «خصال» صدوق)

۲- (۲). «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ إِخَاهُ أَنْمَاتِ الْإِيمَانِ فِي قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاتُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳- (۳). «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنِ اتَّهَمَ إِخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ غَشَّ إِخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمَّ يَنْصِيحَ إِخَاهُ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اخْتَجَبَ عَنْ إِخِيهِ، مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اغْتَابَ إِخَاهُ.» (همان، ص ۲۳۱)

خداوند نیز لغزش او را دنبال می کند و کسی که خداوند لغزشش را دنبال کند او را رسوا می کند، گرچه در داخل خانه اش باشد.»^(۱)

ص: ۱۶۵

۱- (۱). «لَا تَطْلُبُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَثْرَاتِهِمْ فَإِنَّ مَنْ اتَّبَعَ عَثْرَةَ أَخِيهِ اتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَمَنْ اتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَضَحَّهُ وَ لَوْ فِي جَوْفِ بَيْتِهِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴؛ به نقل از حسین بن سعید الاهوازی در «المؤمن»)

سخن چینی

یکی از کارهای بسیار بد، سخن چینی است که در اسلام به شدت منع شده است و گاه موجب برپا شدن فتنه و آشوب های عظیمی میان مردم گردد.

روایات

ص: ۱۶۶

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «آیا خبر دهم شما را به بدترین شما؟» (۱) گفتند: «آری! ای رسول خدا.» فرمود: «کسانی هستند که به سخن چینی می روند و میان دوستان جدایی می افکنند و عیب جویِ پاکانند.»

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «بدترین مردم کسانی هستند که مؤمنان را دشمن دارند، و دل های مؤمنان آنان را دشمن دارد؛ به سخن چینی می روند، میان دوستان جدایی می افکنند، و عیب جویِ پاکانند. روز قیامت خداوند به آنان نظر (رحمت) نیندازد و ایشان را پاکیزه نکند.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «خون ریز و شراب خوار و سخن چین، وارد بهشت نمی شوند.» (۳)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «سخن چین به بهشت نمی رود.» (۴)

ص: ۱۶۷

۱- (۱) روایات ۱. «أَلَا- أَبْبُتُّكُمْ بِشَرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ. قَالَ: الْمَشَائِئُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبِّهِ الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْمَعَائِبِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۱)

۲- (۲) «شَرَارُ النَّاسِ مَنْ يُبْغِضُ الْمُؤْمِنِينَ وَ تُبْغِضُهُ قُلُوبُهُمْ الْمَشَائِئُونَ بِالنَّمِيمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحِبِّهِ الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْعَيْبَ أَوْلِيكَ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۱۱؛ به نقل از «مجالس» شیخ طوسی)

۳- (۳). «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سَفَاكُ الدَّمِ وَ لَا مُدْمِنُ الْخَمْرِ وَ لَا مَشَاءُ بَنِمِيمَةٍ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۱)

۴- (۴). «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْفَتَاتُ * صَاحِبُ النَّمِيمَةِ لَا يَسْتَرِيحُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ.» (همان)

* «سخن چین در آخرت از عذاب خدا آسایش نمی یابد.»

امام صادق (علیه السلام): «بر سه طایفه، بهشت حرام شده است: سخن چین و شراب خوار و دیوث.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «چهار صنف از مردم داخل بهشت نمی شوند: کاهن و دو رو و دائم الخمر و سخن چین.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «به راستی سخن چین، گواه کاذب و باطل و همکار شیطان است در تحریک (فساد) بین مردم.»^(۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که آن حضرت از سخن چینی و گوش دادن به آن نهی فرموده است.^(۴)

ص: ۱۶۸

۱- (۱). «حَرَمَتِ الْجَنَّةَ عَلَى ثَلَاثَةٍ: النَّمَامِ وَ مُدْمِنِ الْخَمْرِ وَ الدَّيُّوثِ وَ هُوَ الْفَاجِرُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۱)

۲- (۲). «أَرْبَعَهُ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الْكَاهِنُ وَ الْمُنَافِقُ وَ مُدْمِنِ الْخَمْرِ وَ الْقَتَاتُ وَ هُوَ النَّمَامُ.» (سفينه البحار)

۳- (۳). «إِنَّ النَّمَامَ شَاهِدٌ زُورٌ وَ شَرِيكٌ ابْلِيسَ فِي الْأَعْرَاءِ بَيْنَ النَّاسِ.» (همان)

۴- (۴). وَ عَنِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ)، أَنَّهُ نَهَى عَنِ النَّمِيمَةِ وَ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهَا.» (همان)

از اموری که در اسلام منع شدید شده است (چنان که در فصل بعد می آید) غیبت مؤمن است و آن، گفتن و اظهار نمودن عیب و لغزشی از شخص با ایمان است که در او مستور باشد و او به اظهار و نقل آن راضی نباشد. بدتر از غیبت، بهتان است و آن نسبت دادن عیب و لغزشی است به شخص با ایمان به دروغ و

افترا. واضح است که به غیبت نمودن از مؤمن یا به بهتان به او، هتک آبرو و احترام مؤمن می شود و او از آن آزار و اذیت می کشد و این ستم بزرگی به او خواهد بود که از نظر اشخاصِ عاقلِ شرافتمند، ستم مالی کمتر از آن می باشد؛ چرا که مردم حاضرند مال را در راه حفظ آبروی خود صرف کنند.

قرآن کریم

«کسی که خود، مرتکب خطایی یا گناهی شود و به کسی که بری از آن باشد، نسبت دهد، حتماً بهتانی و گناهی آشکار را به دوش گرفته است.»^(۱)

«آنان که مردان و زنان با ایمان را به غیر آن چه اکتساب نموده اند (یعنی به نسبت دادن به آنان امری را که نکرده و نگفته باشند) بیازارند، حتماً بهتانی و گناهی آشکار را به دوش گرفته اند.»^(۲)

ص: ۱۷۰

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا.» (نساء، ۱۱۲)
- ۲- (۲). «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا.» (احزاب، ۵۸)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «غیبت آن است که برادر ایمانی ات را یاد کنی به آن چه او کراهت دارد. (سپس فرمود:) بدان که چون یاد کنی برادر ایمانی ات را به آن چه در اوست، حتماً از او غیبت کرده ای؛ و چون یاد کنی او را به آن چه در او نباشد حتماً بهتان و افترا به او زده ای.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «غیبت آن است که درباره برادر ایمانی ات آن چه را بگویی که خدا از او بر دیگران مستور کرده است؛ و اما چیزی را که آشکار است، مانند تندی و عجولی او را بگویی، پس غیبت (حرام) نخواهد بود؛ و بهتان این است که درباره او چیزی را که در او نیست بگویی.»^(۲)

ص: ۱۷۱

-
- ۱- (۱) روایات ۲. «الْغَيْبَةُ ذِكْرُكَ اخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ (ثُمَّ قَالَ) اعْلَمُ اَنَّكَ اِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا هُوَ فِيهِ فَقَدْ اغْتَبْتَهُ وَ اِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَّه.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۸)
- ۲- (۲). «الْغَيْبَةُ اَنْ تَقُولَ فِي اخِيكَ مَا سَتَرَهُ اللهُ عَلَيْهِ وَ اَمَّا الْاَمْرُ الظَّاهِرُ مِثْلُ الْحِدَّةِ وَ الْعَجَلَةِ فَلَا وَ الْبُهْتَانُ اَنْ تَقُولَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۹)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که مرد یا زن با ایمانی را به چیزی که در او نیست بهتان زند، خداوند او را در روز قیامت برانگیزاند در (مانند) چرک و خونی که از فرج زنان تبهکار بیرون آید، تا اینکه از آن چه گفته خارج شود.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که درباره مؤمنی چیزی که در او نیست بگوید، خداوند او را در (مانند) چرک و خونی که از فرج زنان تبهکار بیرون آید، حبس کند تا این که از آن چه درباره او گفته خارج شود. (ولی) غیبت جز این نیست که درباره برادر ایمانی ات آن چه را در او باشد و خداوند آن را از دیگران مستور نموده باشد بگویی؛ و چون درباره او چیزی که در او نباشد بگویی، پس این قول خداوند عزوجل در قرآن خواهد بود که فرموده است: "فَقَدْ اَحْتَمَلَ بُهْتَانًا وَاِثْمًا مُّبِينًا" ۲

ص: ۱۷۲

۱- (۱). «مَنْ بَهَتْ مُؤْمِنًا وَاَوْ مُؤْمِنَةً بِمَا لَيْسَ فِيهِ بَعَثَهُ اللهُ فِي طِينِهِ خَبَالٌ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ. قَالَ الرَّاوى قُلْتُ: وَ مَا طِينَهُ خَبَالٌ؟ قَالَ (علیه السلام): صَدِيدٌ يَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الْمُؤْمِسَاتِ.» (همان، ص ۲۳۸)

غیبت

یکی از اموری که در اسلام منع شدید شده است، غیبت مؤمن است و آن (چنان که در مسأله بهتان ذکر می‌شود) نقل و اظهار نمودن عیبی یا لغزشی از شخص با ایمان است که از مردم پنهان بوده و او به اظهار و نقل آن راضی نباشد.

ص: ۱۷۳

اما نقل کردن امری که در او ظاهر باشد یا فسقی که آشکارا انجام می دهد و خودش آن را از مردم نمی پوشاند ممنوع و حرام نیست. (۱)

قرآن کریم

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیار پندارها (و گمان های بد در حق یکدیگر) اجتناب کنید که برخی پندارها (و گمان های باطل) گناه است؛ و نیز (از حال درونی هم) تجسس نکنید، و غیبت یکدیگر نکنید؛ آیا دوست دارد کسی از شما گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ کراهت و نفرت از آن دارید؛ (پس بدانید که غیبت مؤمن در حکم همان است) و پرهیزید از خدا (از این که معصیت او نمایید و توبه کنید) که خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است.» (۲)

ص: ۱۷۴

۱- (۱). چنانکه به حسب مدارک، غیبت نمودن مظلوم از ظلم ظالمش، و غیبت نمودن از بدعت گزار در دین جایز است، و بعض موارد دیگر از جواز غیبت که در کتب فقهیه مذکور است. و ناگفته نماند استماع غیبت نیز نهی شده است، و کسی که غیبت مؤمنی را شنید در صورت قدرت باید دفاع از او کند و او را یاری نماید.

۲- (۲) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا ۚ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.» (حجرات، ۱۲)

«به تحقیق آنان که دوست دارند امر زشت و نسبت های ناروا، درباره کسانی که ایمان آورده اند شایع و فاش شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت.» (۱)

روایات

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمود: «(گناه غیبت) از زنا شدیدتر است.» (۲) شخصی عرض کرد: «ای رسول خدا! برای چه؟» فرمود: «صاحب زنا (که توبه کند)، خداوند توبه او را می پذیرد؛ ولی صاحب غیبت که توبه کند، خداوند توبه او را نمی پذیرد تا این که صاحبش (یعنی آن کس که از او غیبت شده) او را حلال کند.»

امام صادق (علیه السلام): «هر کس که درباره مؤمنی آن چه را که دو چشمش دیده یا دو گوشش شنیده (از آن چه که اظهار آن موجب غیبت او شود) نقل کند، پس او از

ص: ۱۷۵

۱- (۱). «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.» (نور، ۱۹)
۲- (۲) روایات ۳. «الْغَيْبَةُ أَشَدُّ مِنَ الزُّنَا (فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لِمَ ذَٰلِكَ؟ قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ):) أَمَّا صَاحِبُ الزُّنَا (فَيَتُوبُ) فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَمَّا صَاحِبُ الْغَيْبَةِ فَيَتُوبُ فَلَا يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَكُونَ صَاحِبُهُ الَّذِي يُحِلُّهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۸)

جمله اشخاصی خواهد شد که خداوند عزوجل درباره آنان فرموده است: "إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ" .۱

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «قسم به خدایی که الهی جز او نیست، هرگز به مؤمنی، خیر دنیا و آخرت داده نشده است، جز به حسن ظنش به خداوند عزوجل و خود داری اش از غیبت مؤمن؛ قسم به خداوندی که خدایی جز او نیست، خداوند عزوجل عذاب نمی کند مؤمنی را بعد از توبه و استغفار جز به سوءظنش (به خداوند عزوجل) و غیبتش از مؤمنین.» (۱)

ص: ۱۷۶

۱- (۲) . «وَاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أَعْطَى مُؤْمِنًا قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْكُفَّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِ، وَاللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَعْذِبُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مُؤْمِنًا بَعِيدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ إِلَّا بِسُوءِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ اغْتِيَابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۵؛ به نقل از «اختصاص» شیخ مفید)

مسخره کردن یکدیگر، و به نام

ولقب های زشت یکدیگر را خواندن

در اسلام از مسخره کردن یکدیگر، و یکدیگر را به نام و لقب های زشت خواندن نهی شده است.

ص: ۱۷۷

«ای کسانی که ایمان آورده اید، قومی قوم دیگر را مسخره و استهزا نکنند، شاید که آنان بهتر از ایشان باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید که آن زنان مورد تمسخر، بهتر از ایشان باشند و یکدیگر را عیب نکنید و به لقب های زشت نخوانید...»(۱)

ص: ۱۷۸

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمًا مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات، ۱۱)

سبک شمردن و اهانت و تحقیر

وایذاء و ترساندن مؤمن

امور مذکور (گذشته از این که از اقسام و مصادیق ظلم است و ظلم عقلاً و شرعاً بسیار قبیح و حرام است) در مدارک اسلام تحت همین عناوین خاص نیز، منع و تهدید شده است که نمونه ای از آن ها در این جا ذکر می شود.

ص: ۱۷۹

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی فقیر مسلمانی را سبک شمرد، مسلماً به حق خدا خفت و اهانت نموده و خداوند در روز قیامت او را خوار و خفیف سازد؛ مگر این که (در دنیا) توبه کند. کسی که فقیر مسلمانی را اکرام کند، خداوند در روز قیامت از او راضی باشد، و آگاه باشید کسی که برادر مسلمان خود را اکرام می نماید، همانا خداوند عزوجل را اکرام می کند.»^(۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که فقیر مسلمانی را از جهت فقرش اهانت و استخفاف کند، به تحقیق نسبت به خدا استخفاف کرده و پیوسته در غضب و نارضایی خداوند عزوجل باشد، تا آن فقیر را راضی کند.»^(۲)

ص: ۱۸۰

-
- ۱- (۱) روایات ۱. «مَنْ اسْتِخَفَّ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدِ اسْتِخَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْتِخَفُّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ / وَ مَنْ أَكْرَمَ فَقِيرًا مُسْلِمًا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ، إِلَّا وَ مَنْ أَكْرَمَ إِخَاهُ الْمُسْلِمَ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۶)
- ۲- (۲). «مَنْ أَهَانَ فَقِيرًا مُسْلِمًا مِنْ أَجْلِ فَقْرِهِ وَ اسْتِخَفَّ بِهِ فَقَدِ اسْتِخَفَّ بِاللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي غَضَبِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ سَيَخْطُهُ حَتَّى يُرْضِيَهُ.» (همان)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «خداوند عزوجل فرموده: کسی که بنده مؤمن مرا خوار و ذلیل گرداند، همان به جنگ من آمده است.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «هیچ مؤمن فقیری را تحقیر نکنید که هر کسی مؤمنی را تحقیر یا استخفاف کند، خداوند او را تحقیر خواهد کرد.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که مؤمن مستمند یا غیر مستمندی را تحقیر کند، خداوند عزوجل پیوسته دشمن و حقیر کننده اوست، تا این که او از تحقیر مؤمن دست بردارد.» (۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که مؤمنی را اذیت کند خدا او را اذیت نماید، و کسی که مؤمنی را اندوهگین کند خدا او را اندوهگین نماید.» (۴)

امام صادق (علیه السلام): «خداوند عزوجل فرموده است: کسی که بنده مؤمن مرا اذیت کند، به او اعلام جنگ می کنم؛ و کسی که بنده مؤمن مرا اکرام کند، از غضب من باید ایمن شود.» (۵)

ص: ۱۸۱

۱- (۱). «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَنْ اسْتَدَلَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۶)

۲- (۲). «لَا تُحَقِّرُوا مُؤْمِنًا فَقِيرًا فَإِنَّ مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا أَوْ اسْتَخَفَّ بِهِ حَقَّرَهُ اللَّهُ.» (همان)

۳- (۳). «مَنْ حَقَّرَ مُؤْمِنًا مِسْكِينًا أَوْ غَيْرَ مِسْكِينٍ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ حَاقِرًا لَهُ مَا قَاتَا حَتَّى يَرْجَعَ عَنِ مَحَقَّرَتِهِ آيَةً.» (همان)

۴- (۴). «مَنْ آذَى مُؤْمِنًا آذَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَحْزَنَهُ أَحْزَنَهُ اللَّهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۳؛ به نقل از «لب اللباب» قطب راوندی)

۵- (۵). «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِيَأْذَنَ بِحَرْبِ مَنِّي مَنْ آذَى عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَلِيَأْمَنَ غَضَبِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۶)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که به سوی مؤمنی نظری کند تا او را بترساند، خداوند عزوجل در روزی که سایه و پناهی جز پناه او نیست، او را بترساند.»^(۱)

ص: ۱۸۲

۱- (۱). «مَنْ نَظَرَ إِلَى مُؤْمِنٍ نَظْرَهُ لِيُخِيفَهُ بِهَا اخَافَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ.» (همان، ص ۲۴۰)

دشنام دادن و طعنه زدن و لعن کردن

وسرزنی نمودن مؤمن و نسبت کفر به مؤمن دادن

ص: ۱۸۳

امور مزبور علاوه بر این که ظلم و آزار و اذیت به مؤمن است - که عقلاً- و شرعاً قبیح و حرام است - در مدارک اسلامی تحت همین عناوین خاص نیز، منع و تهدید شده است.

روایات

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «تمام (جهات) مؤمن (یعنی) عرض و مال و خون او (بر دیگران) حرام است.»^(۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «دشنام دادن به مؤمن، فسق و جنگ با او کفر، و خوردن گوشتش (یعنی غیبتش) معصیت، و حرمت مالش مانند حرمت خون اوست.»^(۲)

امام باقر (علیه السلام): «از طعن بر مؤمن بپرهیزید.»^(۳)

ص: ۱۸۴

۱- (۱) روایات ۱. «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۹؛ به نقل از حسین بن سعید

الاهوازی در «المؤمن»)

۲- (۲). «سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَ قِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلُ لَحْمِهِ مَعْصِيَةٌ وَ حُزْمَهُ مَالِهِ كَحُزْمَةِ دَمِهِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۰)

۳- (۳). «إِيَّاكُمْ وَ الطَّغْنَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ.» (همان)

امام باقر (علیه السلام): «هیچ انسانی نیست که طعن به مؤمنی در (مقابل) چشم او یزند، مگر این که به بدترین مردن بمیرد و سزاوار شود که به هیچ خیری رجوع نکند.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «لعت چون از صاحبش (یعنی لعنت کننده) صادر شود، بین او و بین کسی که لعنت می شود سرگردان می ماند؛ حال اگر راهی یافت، به سوی او می رود و گرنه به صاحبش باز می گردد و او سزاوارتر است به آن پس برحذر شوید از این که مؤمنی را لعنت کنید، که به خود شما وارد می شود.» (۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، نخواهد مُرد تا این که دچار همان چیز می شود.» (۳)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که مؤمنی را سرزنش کند، خداوند متعال او را در دنیا و آخرت سرزنش کند.» (۴)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که مؤمنی را به کفر نسبت دهد، ملعون است ملعون؛ و کسی که مؤمنی را به کفر نسبت دهد، مانند قاتل او باشد.» (۵)

ص: ۱۸۵

-
- ۱- (۱). «ما مِنْ اِنْسَانٍ يَطْعَنُ فِي عَيْنِ مُؤْمِنٍ اِلَّا مَاتَ بِشَرِّ مَيِّتِهِ وَ كَانَ قَمِيْنًا اَنْ لَا يَرْجِعَ اِلَى خَيْرٍ.» (همان)
 - ۲- (۲). «اِنَّ اللّٰغَةَ اِذَا خَرَجَتْ مِنْ صَاحِبِهَا تَرَدَّدَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الَّذِي يَلْعَنُ فَاِنْ وَجَدَتْ مَسَاغًا وَ اِلَّا رَجَعَتْ اِلَى صَاحِبِهَا وَ كَانَ اِحْقَ بِهَا فَاحْذَرُوا اَنْ تَلْعَنُوا مُؤْمِنًا فَيَحِلَّ بِكُمْ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۴۰)
 - ۳- (۳). «مَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ.» (همان، ص ۲۳۷)
 - ۴- (۴). «مَنْ اَنْبَ مُؤْمِنًا اَنْبَهُ اللّٰهُ تَعَالَى فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ.» (همان)
 - ۵- (۵). «مَلْعُوْنٌ مَلْعُوْنٌ مَنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ وَ مَنْ رَمَى مُؤْمِنًا بِكُفْرٍ فَهُوَ كَقَاتِلِهِ.» (همان، ص ۵۱۲)

اسلام نه تنها از هرگونه (ستمکاری) تعدی و اذیت و آزار و ضرر اشخاص نسبت به یکدیگر (چنان که در بسیاری از مطالب گذشته این کتاب دیده شده) به شدت منع و نهی می کند، بلکه می گوید: افراد جامعه برادران یکدیگرند و باید به اصلاح و صلح و سازش بین خود پردازند و در تمام خوبی های زندگی، مادی و معنوی کمک یکدیگر باشند و گاه می گوید: همه نسبت به هم، به منزله اعضای یک خانواده هستند: پیرمردان و زنان به منزله پدر و مادر، جوانان به منزله برادر و خواهر، و اطفال به منزله اولاد همه می باشند؛ بلکه نسبت به یکدیگر در نیکی و مهربانی و عطف و کمک، مانند اعضای یک تن واحد باشند، که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا همگی برای آن یک عضو آرامش نداشته باشند.

اسلام می گوید: مردم با ایمان باید دوست دار و یاور یکدیگر و دلیل و رهنمای یکدیگر باشند، اهتمام به امور یکدیگر نمایند و نافع و ناصح و خدمتگزار یکدیگر بوده، کوشا در انجام حوائج یکدیگر باشند، و یکدیگر را به کارهای خیر و معروف وادار و از هرگونه کار زشت و منکر و فساد جلوگیری نمایند؛ هر فرد باید برای

دیگران، دوست بدارد هر آن چه را برای خود دوست دارد، و کراهت بدارد هر آن چه را که برای خود کراهت می دارد.

اسلام می گوید: در مقابل دشمن ستمگر، باید مردم در صف محکم، متحد و هم دست به منزله یک دست واحد بوده باشند و گذشته از حفظ وحدت و اتحاد بین خود - که بزرگ ترین عامل پیشرفت و موفقیت است - باید همیشه مسلمانان، مجهز به تجهیزات علمی و نیروهای هر عصر به حدی باشند که تمام دشمنان خود را مرعوب داشته باشند.

اسلام می گوید: طبقات و افراد جامعه در حقوق و در قبال قانون، همه مانند دندانهای یک شانه یکسانند، امتیازات جاهلیت، مانند امتیاز نژادی، از میان مردم ملغی است. آری! امتیاز (آن هم امتیاز شرافتی نه حقوقی) به زیادی تقوا و دانش است. اسلام با تأکید بسیار و به عناوین و بیانات بی شمار، حمایت از ضعفا و سفارش آنان را به دیگران کرده است.

اینک به ذکر نمونه ای از مدارک اسلام، راجع به مطالب فوق پرداخته و مطالب فوق را نیز، بخش بخش در جلوی هر دسته از مدارک، دوباره یادآوری می کنیم؛ انشاءالله تعالی.

صلح و سازش

اسلام می گوید که افراد جامعه مؤمنان، برادران یکدیگرند؛ پس باید به اصلاح (صلح و سازش) بین خود پردازند و در نیکوکاری و تقوا یکدیگر را یاری کنند، بلکه نسبت به یکدیگر به منزله اعضای یک خاندان و حتی به منزله اعضای یک تن شوند.

قرآن کریم

ص: ۱۸۸

«جز این نیست که اشخاص با ایمان برادرانند؛ پس میان برادرانتان اصلاح کنید و از خدا بپرهیزید، باشد که رحمت کرده شوید.» (۱)

«هیچ خیر و فایده ای در بسیاری از سخنان سرّی و راز گفتن مردم نیست مگر (راز گفتن) کسی که بر صدقه ای یا به کار نیکی یا به اصلاح میان مردمانی امر نماید و هر که به طلب رضای خدا چنین کند، (ما که خداوندگاریم) به زودی اجری بزرگ به او خواهیم داد.» (۲)

«بر نیکی و پرهیزگاری یکدیگر را یاری و کمک کنید، و بر گناه و ستم تعاون نکنید، و از (معاصی) خدا بپرهیزید که خدا در کیفر دادن سخت گیر و شدید است.» (۳)

روایات

ص: ۱۸۹

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.» (حجرات، ۱۰)
 - ۲- (۲) . «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا- مَنْ أَمَرَ بِصِدْقِهِ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.» (نساء، ۱۱۴)
 - ۳- (۳) . «وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.» (مائده، ۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که برای صلح بین دو نفر می رود، فرشته های خداوند تا هنگامی که برگردد بر او صلوات می فرستند و ثواب شب قدر به او داده می شود.»^(۱)

امام زین العابدین (علیه السلام): «حق هم آیینان تو بر تو، در دل گرفتن سلامت و رحمت است برای آنان (تا این که فرمود: و این که پیش تو، پیرمردانِ آنان به جای پدرت، و جوانانشان به جای برادران (و خواهرانت) و پیره زنانشان به جای مادرت، و کودکانشان به جای فرزندان باشند.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «اشخاص با ایمان در نیکی نمودنشان و رحمتشان و عطوفتشان به یکدیگر، مانند یک پیکرند که چون عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا با بیداری شب و تب او را همراهی می کنند.»^(۳)

ص: ۱۹۰

۱- (۱) روایات ۲. «مَنْ مَشَى فِي صَلَاحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَلَّى عَلَيْهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ أُعْطِيَ ثَوَابَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۶۳۲)

۲- (۲). «وَ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ اضْمَارُ السَّلَامَةِ وَ الرَّحْمَةُ لَهُمْ (الی ان قال (علیه السلام):) وَ اِنْ تَكُونَ شِيُوْحُهُمْ بِمَنْزِلَةِ اِيَّاكَ وَ شَبَابُهُمْ بِمَنْزِلَةِ اخْوَتِكَ وَ عَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ امِّكَ وَ الصُّغَارُ مِنْهُمْ بِمَنْزِلَةِ اَوْلَادِكَ.» (همان، ص ۴۴۲)

۳- (۳). «الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارُّهِمْ وَ تَرَاحِيهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمِثْلِ الْجَسِيدِ اِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَى.» (مستدرک الوسائل، ص ۴۱۰؛ به نقل از حسین بن سعید الاهوازی در «المؤمن»)

اهتمام به امور مسلمین

اسلام می گوید که مردم با ایمان باید یاور و دوستدار و چشم و راهنمای یکدیگر شوند و اهتمام در امور مسلمین داشته و نافع و ناصح و ساعی و کوشا در انجام حوائج آنان باشند.

قرآن کریم

«مردان و زنان مؤمن، همه اولیای (یاور و دوستدار) یکدیگرند؛ به معروف یکدیگر را وادار می کنند و از منکر باز می دارند، اقامه نماز و ایتاء زکات و اطاعت خدا و

ص: ۱۹۱

رسول او می کنند، آنانند که خداوند به زودی رحمتشان دهد که خداوند عزیز و حکیم است.»^(۱)

روایات

. امام صادق (علیه السلام): «مؤمن برادر مؤمن است، چشم اوست، دلیل اوست، به او خیانت و ستم و تقلب و خلف وعده نمی کند.»

امام صادق (علیه السلام): «مسلمان برادر مسلمان است، چشم او و آینه او و دلیل اوست، به او خیانت و خدعه و ستم نکند و دروغ نگوید و غیبت او ننماید.»^(۲)

ص: ۱۹۲

-
- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.» (توبه، ۷۱)
- ۲- (۲) روایات ۳۵۵. «الْمُؤْمِنُ أَخُ الْمُؤْمِنِ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ لَا يُخُونُهُ وَ لَا يظْلِمُهُ وَ لَا يُعْشُهُ وَ لَا يَعِدُّهُ عِدَّهُ فَيَخْلِفُهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۲۸)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که صبح کند در حالی که به امور مسلمین اهتمام نداشته باشد، مسلمان (صحیح و کامل) نیست. و کسی که صدای شخصی را بشنود که ندا می کند: ای مسلمانان (به فریادم برسید)، و او را اجابت نکند، پس او مسلمان (صحیح و کامل) نیست.» (۱)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «مردم، روزی خواران خداوندند، پس محبوب ترین مردم نزد خداوند کسی است که روزی خواران خدا را نفع رساند.» (۲)

امام صادق (علیه السلام): «از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سؤال شد که محبوب ترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود: نافع ترین مردم برای مردم.» (۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «خلق همگی شان روزی خواران خداوندند، پس محبوب ترین آنان نزد خداوند عزوجل، نافع ترین ایشان برای روزی خواران خدا است.» (۴)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «بهترین مردم کسی است که مردم از او بهره ور گردند.» (۵)

ص: ۱۹۳

۱- (۱). «مَنْ اضَيَّحَ لايَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ، وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي: يَا لَلْمُسْلِمِينَ! فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.» (همان، ص ۵۲۰)

۲- (۲). «الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ فَاحْبُ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفْعِ عِيَالِ اللَّهِ.» (همان)

۳- (۳). «سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): مَنْ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: أَنْفَعُ النَّاسِ لِلنَّاسِ.» (همان)

۴- (۴). «الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ فَاحْبُبْهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْفَعَهُمْ لِعِيَالِهِ.» (همان، ص ۵۲۱)

۵- (۵). «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۳؛ به نقل از «امالی» صدوق)

امام عسگری (علیه السلام): «دو خصلت است که فوق آن دو چیزی نیست: ایمان به خدا و نفع داشتن برای برادران (ایمانی)» (۱)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «به راستی عظیم ترین مردم از نظر مقام نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که بیشتر از همه در روی زمین، به خیرخواهی خلق خدا قدم برداشته باشد» (۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هر یک از شما همان گونه که برای خود خیرخواهی دارد، باید برای برادر (ایمانی) خود خیرخواهی داشته باشد» (۳)

امام صادق (علیه السلام): «بر شما باد خیرخواهی خالص نسبت به خلق برای خدا؛ پس هرگز خدا را به عملی افضل از آن ملاقات نخواهید نمود» (۴)

امام صادق (علیه السلام): «بر مؤمن واجب است که برای مؤمن در حضور و غیاب خیرخواهی داشته باشد» (۵)

ص: ۱۹۴

-
- ۱- (۱). «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ وَ نَفْعُ الْإِخْوَانِ.» (همان؛ به نقل از «تحف العقول»)
 - ۲- (۲). «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَهُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَهْلُهَا فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۶)
 - ۳- (۳). «لِيَنْصَحِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ.» (همان)
 - ۴- (۴). «عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ.» (همان)
 - ۵- (۵). «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ.» (همان)

برای ادامه مشاهده محتوای کتاب لطفا عبارت امنیتی زیر را وارد نمایید.

ص:

امام صادق (علیه السلام): «خداوند عزوجل فرموده: خلق، روزی خواران من هستند، محبوب ترین ایشان نزد من با لطف ترین آنان است به خلق و کوشاترین آنان در برآوردن حوائج خلق.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که در برآوردن حاجت برادر مسلمانش شتاب و کوشش بنماید و خداوند به دست او انجام آن حاجت را جاری سازد، برای او خداوند عزوجل (ثواب) یک حج و یک عمره و اعتکاف و روزه دو ماه در مسجدالحرام می نویسد، و اگر کوشش کند ولی انجام آن را خداوند به دست او جاری نسازد، برای او خداوند عزوجل (ثواب) یک حج و یک عمره می نویسد.»^(۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «با برادر مسلمان در پی حاجتی رفتن، نزد خداوند متعال از اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام محبوب تر است.»^(۳)

ص: ۱۹۶

-
- ۱- (۱). «قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: الْخَلْقُ عِيَالِي فَأَحَبُّهُمْ إِلَيَّ الطُّفُّهُمُ بِهِمْ وَ اشْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ.» (همان)
- ۲- (۲). «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ اخِيهِ الْمُسْلِمِ فَأَجْتَهَدَ فِيهَا فَأَجْرِي اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا وَ اِنْ اجْتَهَدَ وَ لَمْ يَجِرِ اللَّهُ قَضَاهَا عَلَى يَدَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً.» (همان)
- ۳- (۳). «مَشَى مَعَ اخِ مُسْلِمٍ فِي حَاجَةٍ احَبُّ اِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۸)

امر به معروف و نهی از منکر

یکی از دستورات و فرایض عظیم اجتماعی اسلام که به خیر و سعادت دنیا و آخرت مردم است و با آن سایر مقررات و فرایض الهی بر پا می شود، امر به معروف و نهی از منکر است.

ص: ۱۹۷

اسلام می گوید که مردم باید یکدیگر را به کارهای خیر و معروف وادار و از هرگونه کار زشت و منکر و فساد جلوگیری نمایند. (۱)

ص: ۱۹۸

۱- (۱). باید دانست که برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر، فقها شرایطی ذکر فرموده اند که در کتب فقهیه، مشروحاً بیان شده است و مجمل آنها این است که: الف) آمر و ناهی، عالم به معروف و منکر بوده باشند و در مسائل اختلافی بر شخص واجب نیست دیگری را بر وفق نظر خودش یا نظر مرجع فتوایی خودش امر و نهی نماید. ب) احتمال اثر در امر و نهی باشد. ج) خوف مفسده ای نباشد؛ مانند خوف ضرر جانی، عرضی، مالی قابل اعتنا بر خودش یا دیگری از خویشان یا سایر مؤمنین. آری چنان که دفاع از اساس و بنیان اسلام یا از مجتمع اسلامی، متوقف بر بذل اموال بلکه نفوسی شد، در این مورد بر مسلمانان لازم است که به بذل آنها از اسلام و مجتمع آن دفاع کنند. د) عاصی، بر ترک واجب یا فعل حرام اصرار و استمرار ورزد. برای امر و نهی و انکار از معصیت نیز، مراتبی است که مشهور فقها فرموده اند: رعایت ترتیب بین آن مراتب باید بشود: الف) انکار به قلب که به غیر زبان و دست (مانند گرفتگی در رو و صورتش و یا به ترک مراوده اش) انزجار قلبی خود را از ترک واجب یا فعل حرام اظهار نماید، به امید اینکه عاصی از معصیتش باز ایستد. ب) انکار به زبان. ج) انکار به دست. برای هر یک از این مراتب سه گانه هم، مراتب خفیف تر و شدیدتر است، و فرموده اند مادامی که با مرتبه پایین تر بتوان از معصیت جلوگیری نمود، به مرتبه بالاتر اقدام نشود.

در صفحهٔ اول فصل گذشته، آیه ای از آیات این دستور، برای نمونه ذکر شده است؛ و أيضاً:

قرآن کریم

«باید از شما گروهی باشند (خود را کاملاً مهیا نموده) که مردم را دعوت به خیر (دین) و امر به معروف و نهی از منکر بکنند و آنان رستگارند.»^(۱)

ص: ۱۹۹

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.»
(آل عمران، ۱۰۴)

«از اهل کتاب» آنان که به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) ایمان آوردند» گروهی هستند ایستاده (بر حق و بر انجام اوامر و نواهی الهی) آیات خدا را در اوقات شب می خوانند در حالی که سجده می کنند؛ به خدا و روز آخرت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و در خیرات و نیکی ها می شتابند و آنان از شایستگانند.»(۱)

«چرا الاهیون و علما (اهل کتاب) آنان را از گفتار گناه و خوردن حرام نهی نمی کنند، چه بد است آن چه را که ایشان انجام می دهند.»(۲)

«و خدا البته یاری می کند کسی را که (دین) او را یاری می نماید و به تحقیق خدا توانا و غالب (بر هر چیز) است، (یاری کنندگان دین خدا، یا اذن داده شدگان به قتال که در آیه قبل در قرآن ذکر شده است) کسانی هستند که اگر ما ایشان را در زمین تمکن و سلطنت دهیم، نماز را (به حدود و شرایطش) بپا دارند و زکات دهند

ص: ۲۰۰

-
- ۱- (۱). «مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَ هُمْ يَسْجُدُونَ * يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ.» (آل عمران، ۱۱۳ و ۱۱۴)
- ۲- (۲). «لَوْ لَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.» (مائده، ۶۳)

(و مردم را) به معروف امر و از منکر نهی نمایند، و عاقبت همهٔ امور مخصوص خداست.»(۱)

روایات

امام باقر و امام صادق (علیهما السلام): «وای بر گروهی که خدای را به امر به معروف و نهی از منکر اطاعت نکنند.»(۲)

امام باقر (علیه السلام): «مردمی که عیب می دانند امر به معروف و نهی از منکر را، بد مردمانی هستند.»(۳)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هنگامی که امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذارند، باید بدانند که صدماتی از طرف خدا به آنان خواهد رسید.»(۴)

ص: ۲۰۱

۱- (۱). «وَلْيَنْصِرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصِرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِذْ مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.» (حج، ۴۰ و ۴۱)

۲- (۲) روایات ۱. «وَيْلٌ لِّقَوْمٍ لَايَدِينُونَ اللَّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.» (فروع کافی، ص ۳۴۳)

۳- (۳). «بِئْسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يَعْبُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ.» (همان)

۴- (۴). «إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَأْذُنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.» (همان، ص ۳۴۴)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «همانا خداوند، مؤمن ضعیف بی خرد را، دشمن می دارد و او کسی است که از منکر جلوگیری نمی کند.» (۱)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «برای چشم با ایمانی که معصیت خدا را می بیند، جایز نیست که فرو بسته شود تا این که آن را تغییر دهد.» (۲)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «امر به معروف و نهی از منکر کنید و گرنه همگی شما را، عذاب خدا شامل شود.» (۳)

امام باقر (علیه السلام): «همانا امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و طریقه نیکان است، فریضه ای بزرگ است که فرایض دیگر بر آن برپا می شود و راه ها ایمن می گردد و کسب ها حلال، و آن چه به ستم گرفته شده رد می شود، زمین آباد می گردد و از دشمنان انتقام کشیده می شود، و امر مستقیم می گردد؛ پس به دل هاتان (از کارهای منکر و ناشایست) انکار و نفرت کنید و با زبان هاتان دور افکنید، پیشانی های مرتکبین را سخت بکوبید، و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نترسید؛ پس اگر پند پذیرفتند و به سوی حق برگشتند، ایرادی بر آنان نیست. جز این نیست که ایراد بر کسانی است که به مردم ستم می نمایند و در زمین به

ص: ۲۰۲

-
- ۱- (۱). «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَزَبْرُ لَهُ وَقَالَ هُوَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۸۹)
 - ۲- (۲). «لَا يَحِلُّ لِعَيْنِ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يُعْصِي فَتَطْرِفَ حَتَّى تُغَيِّرَهُ.» (همان)
 - ۳- (۳). «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لِيُعْمَنَنَّكُمْ عَذَابُ اللَّهِ.» (همان، ص ۴۹۱)

ناحق تجاوز می کنند؛ عذابی دردناک برای آنان است، و در این مورد با بدن هاتان، با آنان مبارزه کنید و به دل هاتان دشمنان دارید، بی آن که سلطنتی را خواستار و یا مالی را جویا باشید و یا به ستم پیروزی را خواسته باشید، تا آن که به سوی امر خدا برگردند و به راه طاعت او بروند.»(۱)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «پیوسته امت من در خیر و خوبی هستند، مادامی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و یکدیگر را بر نیکی کمک نمایند؛ چون این دو کار را ترک کنند، برکات از آنان گرفته شود و بعضی ایشان بر بعضی دیگر مسلط شود و برای آنان نه در زمین و نه در آسمان یآوری نباشد.»(۲)

ص: ۲۰۳

۱- (۱). «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تُحَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَانْكُرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفُطُورَ بِاللِّسَانِ وَ صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً، فَإِنْ اتَّعَطُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ أَنْمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْتَغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أَوْلِيَّكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَيْدِيكُمْ وَ ابْغُضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ ظَفَرَ حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ.» (فروع کافی، ص ۳۴۳)

۲- (۲). «لَا يَزَالُ أُمَّتِي بِحَيْرٍ مَا امْرَأُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سُلْطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ.» (مستدرک الوسائل، ص ۳۸۵؛ به نقل از «مشکوه الانوار»)

علی (علیه السلام): «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار شما بر شما تسلط داده شود و بعد دعا کنید و مستجاب نشود.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: مادر من دست هیچ لمس کننده را از خود دفع نمی کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود: مادرت را حبس کن (در خانه نگهدار). آن مرد گفت: این کار را کرده ام (فایده بخشیده است). فرمود: آنان را که وارد بر او می شوند منع کن. گفت: این کار را نیز کرده ام. فرمود: مادرت را زنجیر کن، که تو هیچ نیکی به مادرت نخواهی داشت افضل از این که او را از محرمات خداوند عزوجل منع نمایی.» (۲)

خوانندگان محترم خوب توجه داشته باشید:

از این حدیث شریف به خوبی معلوم می شود که بالاترین احسان ها و خدمت ها و نیکی ها بر جامعه، آن است که شخص آنان را از منکرات و معاصی الهی جلوگیری و نهی نماید، که در واقع از هلاکت و بدبختی دنیا و آخرت، آنان را نجات بخشیده است.

ص: ۲۰۴

-
- ۱- (۱). «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ أَشْرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.» (در وصیت امیرمؤمنان به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام))
- ۲- (۲). «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَقَالَ: إِنَّ أُمَّي لَا تَدْفَعُ يَدَ لَامِسٍ. فَقَالَ: فَاحْبِسِيهَا. قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. قَالَ: فَاَمْنَعُ مَنْ يَدْخُلُ عَلَيْهَا. قَالَ: قَدْ فَعَلْتُ. قَالَ: قَيِّدْهَا فَإِنَّكَ لَا تَبْرُّهَا بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ تَمْنَعَهَا مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.» (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۳۶)

خیر خواستن برای دیگران

اسلام می گوید که هر فرد جامعه، برای دیگران دوست دارد هر آن چه برای خود دوست می دارد و بد دارد هر آن چه برای خود بد می دارد.

روایات

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که خوش دارد از آتش دور شده و به بهشت داخل شود، باید با شهادت به توحید خداوند و رسالت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) از

ص: ۲۰۵

دنیا برود و دوست داشته باشد با مردم رفتار کند، آن طور که دوست دارد مردم با او رفتار کنند.»(۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی راجع به «حقوق مسلمان بر برادرش» می گوید: «و برای برادر مسلمانش دوست داشته باشد از خیر، آن چه را که برای خود دوست دارد، و کراهت داشته باشد از شر، آن چه را که برای خود کراهت دارد.»(۲)

امام زین العابدین (علیه السلام) در حدیثی راجع به حقوق است: «و حق اهل کیشت به تو آن است که برای آنان سلامت و رحمت در دل نهان داری (تا این که می فرماید)

ص: ۲۰۶

-
- ۱- (۱) روایات ۱. «مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يُرَخَّرَ عَنِ النَّارِ وَ يُدْخَلَ الْجَنَّةَ فَلْيَأْتِ مَبِيتَهُ وَ هُوَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى النَّاسِ مَا يُحِبُّ أَنْ يُؤْتَى إِلَيْهِ.» (تفسیر «مجمع البیان» در سوره نساء، ذیل آیه نهم)
- ۲- (۲) . «فِي حُقُوقِ الْمُسْلِمِ عَلَى اخِيهِ قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): «وَ يُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۲۹)

و دوست بداری برای آنان، آن چه را که برای خودت دوست می داری و کراهت داری برای آنان، آن چه را که برای خودت کراهت می داری.»(۱)

امام باقر (علیه السلام): «برادر مسلمانان را دوست بدار، و برای او دوست دار آن چه را که برای خودت دوست داری، و کراهت بدار آن چه را که برای خودت کراهت می داری.»(۲)

امام صادق (علیه السلام): «تو را به تقوای خدا و نیکی به برادر مسلمانان سفارش می کنم؛ برای او دوست بدار آن چه را که برای خودت دوست می داری، و کراهت دار آن چه را که برای خودت کراهت می داری.»(۳)

ص: ۲۰۷

۱- (۱). «وَحَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ أَضْمَارُ السَّلَامَةِ وَالرَّحْمَةُ لَهُمْ (الی ان قال) (علیه السلام) وَ تُحِبُّ لَهُمْ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ تَكْرَهُ لَهُمْ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ.» الخیر. (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۲)

۲- (۲). «أَحِبَّ إِخَاكَ الْمُسْلِمَ وَ أَحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ.» الخیر. (همان، ص ۲۲۹)

۳- (۳). «أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ بِرِّ إِخِيكَ الْمُسْلِمِ وَ أَحِبَّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ أَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ.» الخیر. (همان، ج ۲)

اتحاد در برابر دشمنان

اسلام می گوید که در مقابل دشمن ستمگر، باید مردم در صف محکم متحد و هم دست - به منزله یک دست واحد - بوده و دفاع از دین و حقوق خود بنمایند و گذشته از حفظ وحدت و اتحاد بین خودشان - که بزرگ ترین و قوی ترین عامل پیشرفت و عظمت و موفقیت در مقابل دشمن است - باید همیشه مسلمانان مجهز به تجهیزات علمی و نیروهای هر عصری بوده و به حدی آمادگی داشته باشند که تمام دشمنان خود را، حتی دشمنان احتمالی را که نمی شناسند، مرعوب کنند.

ص: ۲۰۸

«خدا و رسولش را اطاعت کنید و نزاع و اختلاف (در امور) نکنید که (در برابر دشمن و از پیکار با او) ضعیف و سست می شوید و شوکت و دولت شما، از دست می رود و (بلکه همه یک دل و یک دست در برابر دشمن و پیکار با او) صبر و شکیبایی داشته باشید که البته خدا با شکیبایان است (آنان را از شر دشمن نگهداری کرده و یاری خواهد نمود)» (۱)

«هر کس بر شما تعدی و تجاوز نمود شما هم مانند آن چه او تعدی کرده، بر او تجاوز کنید و (در تعرض بیشتر) از خدا بپرهیزید و بدانید که البته خدا با پرهیزکاران است.» (۲)

«در راه خدا، با کسانی که با شما کارزار می کنند، بجنگید و تعدی و تجاوز نکنید؛ که خدا متجاوزین را دوست ندارد.» (۳)

ص: ۲۰۹

- ۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.» (انفال، ۴۶)
- ۲- (۲). «فَمَنْ اِعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اِعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ.» (بقره، ۱۹۴)
- ۳- (۳). «وَ قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ.» (بقره، ۱۹۰)

«ای مردم با ایمان! برای (مقابله با) کفار آن چه می توانید از نیرو و اسبان بسته شده برای جنگ، آماده سازید که به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید؛ و بترسانید دشمنان دیگری از غیر از ایشان را هم که شما آنان را نمی دانید (و نمی شناسید)، خدا ایشان را می داند (و می شناسد)، و آن چه را در راه خدا (و برای مقابله با دشمنان خدا) صرف کنید، عوض آن کاملاً به شما داده خواهد شد و بر شما ستم نمی شود.»^(۱)

«خدا دوست دارد کسانی را که در صفوف متشکل در راه او جنگ و پیکار می کنند، (و چنان در برابر دشمن ایستادگی دارند که) گویی آنان چون بنا و ساختمانی به هم پیوسته اند.»^(۲)

روایات

ص: ۲۱۰

-
- ۱- (۱). «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسِيَّطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ.» (انفال، ۶۰)
- ۲- (۲). «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ.» (صف، ۴)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «مردمان با ایمان، برادر یکدیگرند و خون های آنان برابر یکدیگر است و ایشان بر غیر خودشان دست واحدند.»^(۱)

علی (علیه السلام): «لشکر به اذن خدا دژهای رعیتند، زینت والیانند، عزت دینند، راه های امنند، و رعیت بر پا نشود مگر به لشکر.»^(۲)

امام باقر (علیه السلام): «به راستی خداوند بنده ای را که (دشمن) داخل خانه او شود و او با وی مبارزه نکند، دشمن می دارد.»^(۳)

ص: ۲۱۱

-
- ۱- (۱) روایات ۲ «الْمُؤْمِنُونَ أَخْوَهُ تَتَكَافَى دِمَائُهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ.» (وافی، جزء نهم، ص ۱۸)
- ۲- (۲) . «فَالْجُنُودُ بِأَذْنِ اللَّهِ حُصُونُ الرَّعِيَّةِ وَزِينَةُ الْوَلَاءِ وَعِزُّ الدِّينِ وَسُبُلُ الْأَمْنِ وَلَيْسَ تَقْوَمُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِهِمْ.» (نهج البلاغه)
- ۳- (۳) . «إِنَّ اللَّهَ لَيَمُقَّتُ الْعَبْدَ يُدْخِلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ فَلَا يُقَاتِلُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۳۳)

برتری تقوا، ایمان و دانش

اسلام می گوید که امتیازات و افتخارات جاهلیت، مانند امتیاز نژادی از میان مردم ملغی است؛ بلکه امتیاز به ایمان و تقوا و دانش است؛ آن هم امتیاز شرافتی است، نه حقوقی و در قبال قانون.

قرآن کریم

ص: ۲۱۲

«ای مردم! محققاً ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را دسته‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، به درستی گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست، محققاً خدا (به همه چیز) دانا و آگاه است.» (۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیوسته ایستادگان به عدل و داد بوده و برای (رضای) خدا گواه باشید، گرچه بر ضرر خودتان یا پدر و مادر و خویشانتان باشد؛ اگر (کسی که به سود یا زیان او گواهی می‌دهید) غنی باشد یا فقیر، پس خدا به آن غنی و فقیر (از همه مردم) سزاوار و نزدیک‌تر است؛ پس هوای نفس را پیروی نکنید که از گواهی به حق، عدول و تجاوز کنید و اگر زبان خود را (در ادای مطلب) بیچنانید یا از حق اعراض کنید (یا اگر از گواه شدن سر بیچید یا از گواهی دادن رو برگردانید) البته خدا به آن چه می‌کنید آگاه است.» (۲)

ص: ۲۱۳

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.» (حجرات، ۱۳)

۲- (۲). «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلُؤْا أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا.» (نساء، ۱۳۵)

«بگو آیا آنان که می دانند و آنان که نمی دانند یکسان و برابرند؟ جز این نیست که خردمندان متذکر می شوند.»^(۱)

«آیا پس کسی که با ایمان است، مانند کسی باشد که فاسق است؟! اینان برابر و یکسان نیستند.»^(۲)

روایات

نبی اکرم (صلی الله علیه آله و سلم): «به راستی خداوند، نخوت جاهلیت و تفاخر به پدران جاهلیت را به وسیله اسلام از میان برد. آگاه باشید! که مردم همه از نسل آدم می باشند و آدم هم از خاک بوده است و گرامی ترین ایشان نزد خدا با تقواترین ایشان است.»^(۳)

ص: ۲۱۴

۱- (۱). «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ.» (زمر، ۹)

۲- (۲). «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ.» (سجده، ۱۸)

۳- (۳) روایات ۱. «إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذْهَبَ بِالإِسْلَامِ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ تَفَاخُرَهَا بِأَبَائِهَا إِلاَّ أَنَّ النَّاسَ مِنْ آدَمَ وَ آدَمَ مِنْ تُرَابٍ وَ أَكْرَمُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقِيَهُمْ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۷)

خطبه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در روز فتح مکه: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان مردم ایستاده خطبه ای خواند و حمد و ثنای الهی گفت و فرمود: «ای مردم! باید حاضر به غایب برساند که راستی خداوند تبارک و تعالی نخوت جاهلیت و تفاخر به آباء و عشائر جاهلیت را از شما برد. ای مردم! به تحقیق شما از آدمید و آدم از گل است. آگاه باشید! که بهترین شما و گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین و مطیع ترین شما است برای او.»^(۱)

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «همانا مردم از زمان آدم تا امروز، همه (نسبت به یکدیگر) مانند دندانه های شانه هستند؛ هیچ مزیتی برای عربی بر عجمی و برای قرمز بر سیاه، جز به تقوا نیست.»^(۲)

ص: ۲۱۵

۱- (۱). «لَمَّا كَانَ يَوْمَ فَتْحِ مَكَّةَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فِي النَّاسِ خَطِيبًا فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ لِيُبَلِّغَ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ أَذْهَبَ عَنْكُمْ نَخْوَةَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ التَّفَاخَرَ بِأَبَائِهَا وَ عَشَائِرِهَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ مِنْ آدَمَ وَ آدَمُ مِنْ طِينِ الْا وَ اَنَّ خَيْرَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَ اَكْرَمَكُمْ عَلَيْهِ اتَّقِيكُمْ وَ اطُوعُواكُمْ لَهُ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۴۰؛ به نقل از حسین بن سعید الاهوازی در «الزهد»)

۲- (۲). «إِنَّ النَّاسَ مِنْ عَهْدِ آدَمَ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا مِثْلُ اسِّنَانِ الْمِسْطِ لِأَفْضَلِ لِلْعَرَبِيِّ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَ لا- لِأَحْمَرِ عَلَى الْأَسْوَدِ الْا بِالْتَّقْوَى.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۴۰؛ به نقل از «اختصاص» شیخ مفید)

اسلام، حمایت از ضعفا و سفارش آنان را به دیگران با تأکید بسیار و به عناوین و بیانات بی شمار کرده است. اسلام در راه حمایت از ضعفا و مستمندان، گذشته از تشریح انفاقات واجبه - در مواردی تحت عناوین و شرایط ویژه - به شرحی که در کتب فقهیه مذکور است (مانند: زکات مال و زکات بدن، خمس، کفارات، ادای نذور) در سایر موارد نیز، توصیه و ترغیب و تحریص شدیدی به احسانات و انفاقات و رفع نیازهای طبقه ضعیف و محتاج نموده است و خود صاحبان شرع مقدس (یعنی نبی اکرم و ائمه هداة علیهم السلام) در این راه عملاً و در حد کمال، پیشوا و پیشقدم بوده اند.

«نیکویی آن نیست که روهای خود را در سمت مشرق و مغرب بگردانید؛ (۱) بلکه نیکوکار (یا نیکویی سزاوار اهتمام، نیکویی) کسی است که به خدا و روز واپسین (قیامت) و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیغمبران ایمان آورد، و مال را با آن که آن را دوست دارد (برای دوستی خدا) به خویشان و یتیمان و تهی دستان (آبرومند که سؤال نمی کنند) و مسافرین محتاج و بیچارگانی که درخواست و سؤال می کنند، و در راه آزادی بندگان بدهد، نماز را (درست و راست با شرایط آن) بر پا دارد، زکات بدهد، چون عهد و پیمان بست به عهدش وفا کند، در باء و ضراء (گرسنگی و رنجوری) و هنگام جنگ با دشمن، صابر و شکیباً باشد؛ آن گروه آنانند که (در پیروی از حق) راست گفته اند و آنانند که پرهیزکار و خود نگهدارند.» (۲)

ص: ۲۱۷

۱- (۱). نقل شده است که پس از تغییر قبله به سوی کعبه، یهود و نصاری می گفتند: نیکویی رو آوردن به سوی قبله ماست؛ نصاری به سمت مشرق و یهود به سمت مغرب، مردم را دعوت به قبله خود می نمودن؛ پس این آیه نازل شد: لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ... الآية.

۲- (۲) قرآن کریم ۱. «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي

«کسانی که اموالشان را در شب و روز نهد و آشکارا (بر محتاجان) انفاق می کنند، اجر ایشان نزد پروردگارشان است و نه ترس و بیمی بر ایشان است و نه (در قیامت) اندوهگین می شوند.» (۱)

در وصف پرهیزکاران، در اوایل سوره بقره می فرماید: «آنان که به غیب (به امور نادیده چون خدا، قیامت، قیام امام زمان علیه السلام) ایمان آورند، نماز را (به شرایط آن) به پا دارند، از آن چه آنان را روزی داده ایم (چون علم، قدرت، جاه و ثروت، بر نیازمندان) انفاق می کنند، آنان که به آن چه بر تو نازل شده و آن چه پیش از تو (بر سایر انبیاء) نازل شده می گروند و به آخرت یقین دارند، آنان از جانب پروردگارشان بر هدایتند و آنانند پیروزان و رستگاران.» (۲)

ص: ۲۱۸

۱- (۱). «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.» (بقره، ۲۷۴) در کتاب کافی و تفسیر عیاشی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که در تفسیر این آیه فرموده اند: «أَنَّهَا لَيْسَتْ مِنَ الزَّكَاةِ (یعنی منظور از انفاق در این آیه، زکات واجب نیست بلکه منظور انفاقات مستحب است).»

۲- (۲). «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ * أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» (بقره، ۲ و ۳ و ۴ و ۵)

«خدا را بپرستید و چیزی را به او شریک مگردانید و به پدر و مادر، خویشان، یتیمان و مستمندان، همسایه نزدیک و همسایه دور (یا همسایه خویش و همسایه بیگانه) و مصاحب در پهلوی و مسافر محتاج، و به آن چه دست های شما مالک شده (بردگان) نیکی و احسان کنید که خدا، متکبرِ خودبینِ فخرفروش را دوست ندارد. (که همین تکبر و خودبینی و فخر فروشی مانع از احسان و اعتنای به دیگران می شود).» (۱)

«بشتابید به سوی (موجبات) آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنای آن به قدر آسمان ها و زمین است که برای پرهیزگاران (از معاصی) آماده شده است؛ آنان که در حال خوشی و توانایی و هنگام تنگ دستی (هر چه می توانند به محتاجان) انفاق می کنند و فرورندگان خشم و عفوکنندگان از مردمنده؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.» (۲)

ص: ۲۱۹

۱- (۱). «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّيْحَابِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا * الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا.» (نساء، ۳۶ و ۳۷)

۲- (۲). «وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.» (آل عمران، ۱۳۳ و ۱۳۴)

«مثل آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همچون دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه صد دانه باشد. خدا برای هر که بخواهد (ثواب عمل او را) چند برابر می افزاید و خدا واسع (پر بخشش) و داناست. کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند و آن چه را که انفاق نمودند از پی آن منت و اذیتی (به اشخاص مورد انفاق) نمی رسانند، اجرشان نزد پروردگارشان است و نه ترسی بر ایشان است و نه (در قیامت) اندوهگین می شوند. سخن نیکو (به محتاجان گفتن) و مغفرت و گذشت، از صدقه و انفاقی که در پی آن اذیت و آزار (به اشخاص مورد انفاق) درآید بهتر است و خدا بی نیاز و حلیم است.»(۱)

«جز این نیست که اشخاص با ایمان (کامل) کسانی هستند که چون نزدشان خدا یاد شود، دل های آنان بیمناکه گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگارشان توکل و اعتماد می کنند، هم ایشان کسانی که نماز را (با شرایط آن) به پا می دارند و از آن چه ما آنان را روزی داده ایم (بر

ص: ۲۲۰

۱- (۱). «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُتْبِتَتْ سَبْعَ سِنَابِلَ فِي كُلِّ سُتْبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ * الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبَعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ.» (بقره، ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳)

محتاجان) انفاق می کنند؛ آنان همان کسانی که به حقیقت اشخاص با ایمانند، برای ایشان نزد پروردگارشان درجاتی و آمرزشی و روزی فراوان و عالی است.»(۱)

«محققاً کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز را (با حدود و شرایطش) به پا می دارند و از آن چه ما آنان را روزی داده ایم، در نهان و آشکار انفاق می کنند، تجارتی را امید دارند که هرگز کسادی نیابد تا خدا مزدهای ایشان را کامل بدهد و از فضل خود به آنان بیفزاید که خداوند آمرزنده و شکور (پاداش فراوان دهنده) است.»(۲)

«محققاً پرهیزگاران (در آخرت) در باغ ها و در (کنار) چشمه ها هستند، در حالی که آن چه را (از نعمت ها) که پروردگارشان به آنان عنایت فرموده است می گیرند، بدین جهت که ایشان قبل از آن (یعنی در دنیا) نیکوکاران بوده اند؛ چون کم شبی را

ص: ۲۲۱

۱- (۱). «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ.» (انفال، ۲ و ۳ و ۴)

۲- (۲). «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ * لِيُؤْفِقَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ.» (فاطر، ۲۹ و ۳۰)

(بدون عبادت) می خوابیدند (یا کمی از شب را می خوابیدند) و در سحرها استغفار می نمودند و در اموالشان برای سائل و محروم، حق و نصیبی می دادند.»(۱)

«هر کس به آن چه کسب و عمل نموده، در گرو است؛ مگر اصحاب یمین که (به سبب انجام اعمال نیک، خود را از گرو بیرون آورده و در آخرت) در باغ های بهشت بوده و از یکدیگر می پرسند: از (حال) گناهکاران (و به گناهکاران که در دوزخند از همان دور می گویند): چه چیز شما را به دوزخ کشاند و در آورد؟ گناهکاران می گویند: (سبب آوردنمان به دوزخ این که) ما از نماز گزاران نبودیم (و از اتباع ائمه معصومین نبودیم) مستمند را اطعام نمی کردیم و با داخل شدگان (در باطل و معاصی) داخل می شدیم و روز جزا را تکذیب می نمودیم تا این که یقین (مرگ) ما را آمد و به ما رسید.»(۲)

«اما انسان هرگاه پروردگارش او را آزمایش کند، پس گرامیش دارد و به او نعمت و وسعت دهد (به خود مغرور می شود و خود را شایسته اکرام می پندارد) و می گوید:

ص: ۲۲۲

-
- ۱- (۱). «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ * كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَشْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ * وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالمَحْرُومِ.» (ذاریات، ۱۵ تا ۱۹)
- ۲- (۲). «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الِئْمِينِ * فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ * وَ كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ * وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ * حَتَّى أَتَانَا الْيَقِينُ.» (مدثر، ۳۸ تا ۴۷)

پروردگام مرا اکرام نموده است. و اما چون آزمایشش کند به این که روزیش را بر او تنگ سازد (از خداوند ناراضی و شاکه شده) و می گوید: پروردگام مرا اهانت (و خوار و ذلیل) کرده است. چنین نیست که انسان می گوید، بلکه (این وسعت و تنگی روزی برای آزمایش است که شما) یتیم را اکرام نمی کنید و یکدیگر را بر طعام و خوراک دادن مسکین ترغیب و تحریص نمی کنید و میراث را یک جا می خورید (حلال و حرام و نصیب خود و دیگران را با هم) و مال را فراوان دوست می دارید... (تا این که می فرماید چون قیامت بر پا شود) در آن روز آدمی متذکر و پشیمان می گردد؛ ولی آن تذکر و پشیمانی کجا برای او سود می دهد؟ می گوید: ای کاش که برای حیات و زندگی (که حیات دائمی، اخروی است ذخیره ای از انفاقات و سایر اعمال حسنه) پیش فرستاده بودم. (۱)

«آیا برای انسان دو چشم و زبان و دو لب قرار ندادیم؟ و او را به راه خیر و شر هدایت کردیم پس او عقبه ی (۲) تکلیف و وظیفه را داخل نشد و در نیامد و چه چیز تو را دانا گردانید که عقبه چیست؟ (عقبه و گردنگاه تکلیف) آزاد کردن بنده است

ص: ۲۲۳

۱- (۱). «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ * كَلَّا- بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ * وَ لَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ * وَ تَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا * وَ تَجْبُونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا * كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا * وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا * وَ جِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَ أَنَّىٰ لَهُ الذُّكْرَى * يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي.» (فجر، ۱۵ تا ۲۴)

۲- (۲) (عقبه در لغت: گردنگاه و گذرگاه سخت در کوهها را گویند)

(از قید بندگی)، یا در روزِ گرسنگی، یتیم صاحب قرابت یا مسکین خاک نشینی را خوراک دادن است؛ و آن گاه (آن که بنده آزاد کند و یتیم و مسکین را طعام دهد) از جمله کسانی باشد که ایمان آوردند و به صبر و شکیبایی و نیز به مرحمت و مهربانی یکدیگر را وصیت و سفارش نمودند، آن گروه (در قیامت) اصحاب دست راستند. (۱)

«آیا دیدی (یا دانستی) آن کس را که به (روز) جزا تکذیب نموده و آن را دروغ می داند؟ پس او همان کسی است که یتیم را از پیش خود می راند و بر طعام مسکین تحریص و ترغیب نمی کند.» (۲)

روایات

ص: ۲۲۴

۱- (۱). «أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ * وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ * وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ * فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُ رَقَبَهُ * أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ * ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ * أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ.» (بلد، ۸ تا ۱۸)

۲- (۲). «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالذِّينِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ * وَ لَا يُحِضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ.» (ماعون، ۱ و ۲ و ۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): « کسی که شب سیر بگذراند و حال آن که همسایه او گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است؛ و هیچ قریه ای نیست که گرسنه ای در میان آنان شب بگذراند و خداوند در روز قیامت به سوی آنان نظر (رحمت) کند.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «از محبوب ترین اعمال نزد خداوند عزوجل، شادمان ساختن مؤمن است به سیر کردن او در حال گرسنگی و زدودن غم او یا پرداختن بدهی او.» (۲)

امام باقر (علیه السلام): «از حق مؤمن بر برادر مؤمنش، این است که در گرسنگی او را سیر کند و در برهنگی او را بپوشاند و غم او را زایل نماید و بدهی او را پردازد و هنگامی که بمیرد در میان اهل و اولادش جای او را (در کفالت و اداره امور آنان) بگیرد.» (۳)

ص: ۲۲۵

۱- (۱) روایات ۱. «ما آمنَ بی منْ باتِ شَبعانَ و جارهُ جائِع، و ما منْ اهیلِ قَریه یبیتُ فیهمْ جائِع ینظرُ اللهُ الیهمْ یومَ القیمه.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۱۸)

۲- (۲). «منْ احبَّ الاعمالِ الی اللهُ عزَّوجلَّ ادخالُ السُّرورِ علی المؤمنِ اشباعُ جوعتهِ و تنفیسُ کربتهِ او قضاءُ دینهِ.» (همان، ص ۵۲۲)

۳- (۳). «منْ حقُّ المؤمنِ علی اخیه المؤمنِ انْ یُشیعَ جوعتهُ و یواری عورتَهُ و یفرِّجَ عنه کربتهُ و یقضیَ دینَهُ فاذا مات خلفه فی اهلهِ و وُلده.» (همان، ص ۲۲۸)

امام صادق (علیه السلام): «از حق مؤمن بر مؤمن، مَوَدَّت و دوستی برای اوست در سینه اش، و کمک و غم خواری داشتن برای اوست در مالش، و جانسین او شدن در میان اهلش، و یاری کردن اوست بر کسی که ستم به او کرده است.»^(۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «هیچ چیز اسلام را مانند شح (بخل توأم با حرص) از بین نمی برد.»^(۲)

. امام صادق (علیه السلام): «هر مؤمنی که مؤمن دیگر را از مال خویش منع کند و حال آن که او به آن محتاج باشد،^(۳) خداوند از طعام بهشت او را نمی چشاند و از رحیق مختوم^(۴) نیشامد.

امام صادق (علیه السلام): «کسی که برای او مَسْکَنی (زاید) باشد و مؤمنی به سکنای آن محتاج شود، پس او را از آن مسکن منع کند (و به اجاره یا عاریه - مثلاً - به

ص: ۲۲۶

۱- (۱). «مِنْ حَقِّ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ الْمَوَدَّةُ لَهُ فِي صِدْرِهِ وَ الْمُوَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ وَ الْخَلْفُ لَهُ فِي أَهْلِهِ وَ التُّضَيَّرَةُ لَهُ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ.» (همان)

۲- (۲). «مَا مَحَقَ الْإِسْلَامَ مَحَقَ الشُّحِّ شَيْئًا» (همان، ص ۵)

۳- (۳). «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَبَسَ مُؤْمِنًا عَنْ مَالِهِ وَ هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ لَمْ يُدِقْهُ اللَّهُ مِنْ طَعَامِ الْجَنَّةِ وَ لَا يَشْرَبُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۲۱)

۴- (۴). (رحیق مختوم: شراب بهشتی است که در ظروف سر بسته به مشک می باشد).

او ندهد) خداوند عزوجل گوید: ملائکه من! بنده من بر بنده من بخل ورزید به سکنای دنیا؟ قسم به عزتم که بهشت های مرا هیچ گاه ساکن نشود.»

امام صادق (علیه السلام): «جز این نیست که خداوند این اموال زاید از احتیاج را به شما عطا نموده، تا این که آن ها را روآور کنید و سوق دهید به هر آن جا که خداوند آن ها را سوق داده (یعنی هر آن جا که خداوند به شما دستور انفاق و صرف آن را داده است) و این اموال زاید را به شما عطا نکرده تا آن ها را ذخیره و گنجی کنید.»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «محققاً بقای مسلمین و بقای اسلام از جمله در این است که اموال نزد کسی آید که او در آن ها، حق را بشناسد و با آن ها معروف انجام دهد، و محققاً فنای اسلام و فنای مسلمین از جمله در این است که اموال به دست کسی افتد که در آن ها حق را نشناسد و با آن ها معروف انجام ندهد.»^(۲)

امام صادق (علیه السلام): «معروف چیزی است سوای زکات، پس به سوی خداوند عزوجل به برّ و نیکی و صلّه رحم تقرب جوید.»^(۳)

ص: ۲۲۷

-
- ۱- (۱). «إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجِّهُوا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ وَ لَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتَكْنِزُوهَا.» (همان، ص ۵۱۵)
 - ۲- (۲). «إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ بَقَاءِ الْأِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ يَصْنَعُ الْمَعْرُوفَ، وَ أَنَّ مِنْ فَنَاءِ الْأِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ.» (همان، ص ۵۱۳)
 - ۳- (۳). «الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ فَتَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبِرِّ وَ صَلِّهِ الرَّحِمِ.» (همان)

امام صادق (علیه السلام): «کسی که بخواهد خدا او را در رحمتش داخل و در بهشتش ساکن کند خُلقش را باید نیکو کند، و از نفسش به دیگری باید انصاف دهد، و یتیم را باید رحم کند، و ضعیف را باید کمک کند، و برای خداوندی که او را خلق نموده باید تواضع کند.»(۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «کسی که از مالش فقیر را مواسات کند و از نفسش مردم را انصاف دهد، به حقیقت مؤمن است.»(۲)

ص: ۲۲۸

۱- (۱). «مَنْ ارَادَ أَنْ يُدْخِلَهُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ وَيُشْرِكِنَهُ جَنَّتَهُ فَلْيُحَسِّنْ خُلُقَهُ وَلْيُعِطِ النَّصْفَ مِنْ نَفْسِهِ وَلْيُرْحَمْ الْيَتِيمَ وَلْيُعِنِ الضَّعِيفَ وَلْيَتَوَاضَعْ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُ.» (همان، ص ۲۲۱)

۲- (۲). «مَنْ وَاسَى الْفَقِيرَ مِنْ مَالِهِ وَانْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ فَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ حَقًّا.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۵۸)

اسلام در دستورش به احسان و نیکی به دیگران، خصوصاً به پدر و مادر و بعد از آن به سایر ارحام و خویشاوندان، اهتمام بیشتری به خرج داده است و آنان را مقدم بر دیگران یاد کرده و سفارش بیشتری در بارهٔ ایشان نموده تا جایی که رفتار خلاف برّ و احسان را (و یا مجرد ترک شفقت و احسان را) نسبت به آنان، که از آن به عقوق پدر و مادر و قطع رحم تعبیر شده، از محرمات شدید و گناهان کبیره به شمار آورده است. مسلمان هرگز نباید از پدر و مادر یا سایر ارحام و خویشان خود ببرد و آنان را آزرده نماید که با این کار معصیت بزرگی مرتکب شده، خود را مستحق عقوبت دنیوی و اخروی نموده است.

«خدا را پرستش کنید و چیزی را شریک او ننمایید، و به پدر و مادر و به صاحبان قرابت و خویشان احسان و نیکی کنید.» (۱)

«پروردگار تو حکم فرموده که جز او را نپرستید، و به پدر و مادر، احسان و نیکی کنید، نیکی کردنی (کامل)، اگر یکی از پدر و مادر یا هر دو نزد تو به پیری برسند، پس به ایشان اف مگو (اگر مثلاً تو را تنگ دل گردانند)، و بانگ بر آنان مزن و بازیشان مدار (اگر مثلاً تو را بزنند)، و برای آنان سخن نیکو (مانند؛ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا) بگو، و از روی رحمت و مهربانی، بال ذلت و فروتنی فرود آور، و (در مقام دعا به درگاه خدای متعال) بگو: پروردگار من ببخش و رحم کن ایشان را، هم چنان که مرا در کوچکی تربیت کرده و پرورش دادند.» (۲)

ص: ۲۳۰

۱- (۱) قرآن کریم ۱. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَبِذِي الْقُرْبَىٰ... الآية.» (نساء، ۳۶)
 ۲- (۲). «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلاً كَرِيماً * وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيراً.» (بنی اسرائیل، ۲۳ و ۲۴)

در توصیف و مدح یحیی (علیه السلام) می فرماید: «و او پرهیزکار و به پدر و مادرش نیکوکار بود و (نسبت به آنان) متکبر و سرکش و گناهکار و نافرمان نبود.»^(۱)

«خداوند (مردم را) به عدالت و نیکوکاری و احسان و رسیدگی به خویشاوند، فرمان می دهد.»^(۲)

«پرهیزید (از نافرمانی و کیفر) خدایی که به او از یکدیگر سؤال می کنید (مانند این که می گوید: تو را به خدا چنین کن) و نیز ارحام را (از قطع نمودن و بریدن از آنان پرهیزید) که خداوند بر شما مراقب و نگهبان است.»^(۳)

روایات

امام باقر (علیه السلام): «سه امر است که خداوند در آن ها رخصتی قرار نداده است: ادای امانت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد و پیمان برای نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.»^(۴)

ص: ۲۳۱

۱- (۱). در توصیف و مدح یحیی (علیه السلام) می فرماید: «وَ كَانَ تَقِيًّا * وَ بَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا.» (مریم، ۱۳ و ۱۴)

۲- (۲). «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِبْتِئَاءِ ذِي الْقُرْبَى.» (نحل، ۹۰)

۳- (۳). «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيًّا.» (نساء، ۱)

۴- (۴) روایات ۱. «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ فِيهِنَّ رُحْصَةً: ادَاءُ الْأَمَانَةِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ.» (وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۳۵)

امام صادق (علیه السلام): «بزرگ ترین (گناهان) کبیره هفت تاست: شرک به خداوند عظیم، قتل نفسی را که خداوند حرام کرده مگر به حق، خوردن اموال یتیمان، عقوق والدین (یعنی رفتار خلاف احسان به پدر و مادر، استخفاف نسبت به آنان، آزدن آنان)، نسبت زنا دادن به زنان عقیقه پاکدامن، فرار کردن کسی که به سوی دشمن و جهاد می رود، و انکار آن چه خدا نازل کرده است.» (۱)

امام صادق (علیه السلام): «سه امر است که (انسان) در هر حال از به جا آوردن آن ها ناگزیر است: (ادای) امانت نسبت به نیکوکار و بدکار، وفای به عهد و پیمان برای نیکوکار و بدکار، نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.» (۲)

جمیل می گوید: از امام صادق (علیه السلام) در مورد قول خداوند عزوجل سؤال کردم:

"و اتقوا الله الذی تسائلون به و الارحام." فرمود: «مراد از ارحام، خویشاوندان مردم

ص: ۲۳۲

۱- (۱). «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ سَبْعٌ، الشُّرْكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَكْلُ أَمْوَالِ الْيَتَامَى وَ عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ وَ قَذْفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ الْفِرَارُ مِنَ الزَّحْفِ وَ انْكَارُ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (الحديث).» (همان، ص ۴۶۴)

۲- (۲). «ثَلَاثَةٌ لَا يُبَدَّ مِنْ أَدَائِهِنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ: الْأَمَانَةُ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۸؛ به نقل از «مشکوه الانوار»)

است که خداوند به صله و بزرگداشت آنان، امر فرموده است. آیا نمی بینی که خداوند ارحام را با خودش (در آیه) همراه قرار داده است؟»^(۱)

امام رضا (علیه السلام): «خداوند امر کرده است به تقوا و صله رحم، پس کسی که صله رحم نکند، متقی نشده است.»^(۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «از خویشاوند خود مَبْر، گرچه او از تو بریده باشد.»^(۳)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «امت من چون از خویشان ببرند، اموال در دست اراذل آنان قرار گیرد.»^(۴)

علی (علیه السلام): «مردم چون از خویشاوندان ببرند اموال در دست اشرار قرار گیرد.»^(۵)

ص: ۲۳۳

۱- (۱). عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: سَيِّئَةٌ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ، (الآيَةَ)» قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «هِيَ أَرْحَامُ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ بِصِلَتِهَا وَعَظَمِهَا، لَا تَرَى أَنَّهُ جَعَلَهَا مَعَهُ (مِنْهُ - نَسْخَهُ)». (وسائل الشيعه، ج ۳، ص ۱۴۱)

۲- (۲). «أَمَرَ (اللَّهُ) بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ.» (تفسير صافی در سوره نساء)

۳- (۳). «لَا تَقْطَعْ رَحِمَكَ وَ أَنْ قَطَعْتَكَ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۳۷)

۴- (۴). «إِذَا قَطَعُوا (يَعْنِي أُمَّتِي) أَرْحَامَهُمْ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَرَاذِلِ مِنْهُمْ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۱۰۴)

۵- (۵). «إِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ.» (وسائل الشيعه، ج ۲، ص ۲۳۷)

امام صادق (علیه السلام): «از گناهان کبیره، پیمان شکنی و بریدن از خویشاوند است؛ زیرا خداوند می گوید: "لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ" ۱»

علی (علیه السلام): «از گناهانی که موجب پیش افتادن فنا و مرگ می شود، قطع رحم (بریدن از خویشاوند) است.»^(۱)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «از عقوق والدین بپرهیزید که بوی بهشت از مسیر هزار سال مسافت درک می شود و (لیکن) آن را هیچ عاق والدینی و هیچ قاطع رحمی و هیچ پیرمرد زناکاری و هیچ کشاننده لباس به روی زمین از روی تکبر، درک نمی کند مسلماً کبریایی ویژه خداوند رب العالمین است.»^(۲)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم): «شخصی که صله رحم می کند و حال آن که از عمرش جز سه سال باقی نمانده، خداوند آن را تا سی و سه سال امتداد می دهد، و

ص: ۲۳۴

-
- ۱- (۲). «إِنَّ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي تُعَجَّلُ الْفَنَاءُ قَطِيعَةُ الرَّحِمِ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۷)
- ۲- (۳). «إِيَّاكُمْ وَ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ الْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ وَ لَا شَيْخٌ زَانٍ وَ لَا جَارٌ اِزَارَهُ خِيَلَاءٌ أَنْمَا الْكِبْرِيَاءُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.» (همان، ج ۳، ص ۱۳۷)

آن که قطع رحم می کند و حال آن که از عمرش سی و سه سال باقی مانده، خداوند آن را به سه سال یا کمتر تقلیل می دهد.» (۱)

ص: ۲۳۵

۱- (۱). «إِنَّ الْمَرْءَ لَيَصِلُ رَحْمَهُ وَ مَا بَقِيَ مِنْ عُمَرِهِ إِلَّا ثَلَاثُ سِنِينَ فَيَمُدُّهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً، وَ أَنَّ الْمَرْءَ لَيَقْطَعُ رَحْمَهُ وَ قَدْ بَقِيَ مِنْ عُمَرِهِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَصَيَّرَهَا اللَّهُ إِلَى ثَلَاثِ سِنِينَ أَوْ أَذْنَى.» (همان، ص ۱۴۱)

یکی از اموری که در اسلام از آن بسیار به بدی یاد شده است، محبت دنیا برای خود دنیا است؛ اما اگر محبت دنیا برای محبت خدا و طلب رضای او، یا برای محبت عالم آخرت و طلب ثواب های اخروی و مصونیت از عذاب های الهی باشد، در واقع محبت دنیا و دنیاخواهی نیست بلکه محبت خدا و محبت عالم آخرت و خداخواهی و آخرت خواهی است. به عبارت دیگر، محبت دنیا به خاطر آن که دنیا، محبوب «بالذات» شخص باشد، در اسلام مذموم است. محبت «بالعرض» به دنیا، که دنیا محبوب بالعرض برای شخص شود و محبوب بالذات او رضای خدا، یا نعیم و ثواب آخرت باشد، مذموم نیست بلکه ممدوح است. محبت دنیا برای خود دنیا، منشأ همه گونه فتنه و فساد و بدی ها است و به عکس، محبت دنیا برای رضای

خدا و یا تحصیل آخرت، منشاء و سرچشمه همه خوبی هاست و موجب مصونیت شخص از فکرها و اعتقادهای باطل و اخلاق و اعمال فاسد می شود. در مدارک اسلامی با بیاناتی، گاه از خود دنیا و زندگی دنیا و شئون آن مانند: ریاست و جاه دنیا و زن و فرزند و مال دنیا، مذمت و نکوهش شده است (تا شخص با ایمان، محبت بالذات به دنیا و شئون دنیا پیدا نکند) و گاه از دوست داشتن دنیا و دوست داشتن شئون دنیا. (۱)

قرآن کریم

«آیا به جای آخرت به زندگی دنیا راضی شدید؟ (در حالی که) متاع دنیا نسبت به متاع آخرت جز اندکی نیست.» (۲)

«ای مردم وعده الهی (نسبت به روز جزا و نعمت های اخروی) حق است؛ پس زندگی دنیا، شما را فریب ندهد (که از نعمت های آخرت باز مانید).» (۳)

«بدانید (ای مردم)! که زندگی دنیا (اموری بی ارزش و سریع الزوال بیش نیست) بازیچه و باز دارنده (از یاد خدا و آخرت) است و مایه زینت و آرایش و باعث فخر و مباهات بر یکدیگر و فزون طلبی در اموال و اولاد است. (زندگی دنیا از نظر ظاهر

ص: ۲۳۷

-
- ۱- (۱). این بحث محبت دنیا با بحث اصلاح نیت که در ابتدای کتاب بیان کردیم، مرتبط است.
 - ۲- (۲) قرآن کریم ۴۵۴. «أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ.» (توبه، ۳۸)
 - ۳- (۳). «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا.» (فاطر، ۵)

و زیبایی در ابتدا، و سرعت زوال و زشتی در انتها) مانند بارانی است که بیارد و گیاهی بیار آورد که (طراوت و زیبایی) آن، کافران را شکفت آورد، ولی (طولی نکشد که) خشک شود و آن را زرد بینی و عاقبت هم ریزه ریزه و در هم شکسته گردد و در آخرت (برای کسی که دنیا طلب بوده و هیچ به فکر آخرت نبوده) عذابی شدید مهیاست، و (برای کسی که به وسیله دنیا، طلب آخرت می کرده) از جانب خدا آمرزش و خشنودی است، و زندگی دنیا (برای دنیا طلب) به جز متاع فریب نیست.» (۱)

«بلکه دنیای حاضر و آماده (یا زودگذر) را دوست دارید (آن را می گیرید) و آخرت را وا می گذارید.» (۲)

«بدا به حال هر عیب گوی طعنه زن! آن که مالی جمع کند و آن را شماره و اندوخته نماید، پندارد که مالش او را برای همیشه نگه می دارد. نه چنین است؛ مسلماً در آتش شدیدی که او را در هم شکنند، افکنده می شود.» (۳)

ص: ۲۳۸

۱- (۱). «اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُضِيئًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ.» (حدید، ۲۰)

۲- (۲). «بَلْ تُجِئُونَ الْعَاجِلَةَ * وَ تَذَرُونَ الْآخِرَةَ.» (قیامه، ۲۰ و ۲۱)

۳- (۳). «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ * الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عِدَّدَهُ * يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ * كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ.» (همزه، ۱ و ۲ و ۳)

و (۴)

«اما آن که (از طاعت خدا) سرپیچی کرد و زندگی دنیا را برگزید، همانا دوزخ جایگاهش است.»^(۱)

روایات

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «ای پسر مسعود! پروردگار متعال که فرموده است: «لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» قصد کرده که کدام یک از شما بی رغبت تر در دنیا هستید. به راستی دنیا، دار غرور و فریب و خانه کسی است که (در بهشت) خانه ندارد، و برای دنیا جمع می کند کسی که دارای عقل نیست. حقیقتاً نادان ترین مردم کسی است که دنیا را بجوید (برای دنیا). پروردگار متعال (در پستی دنیا) فرموده است: "اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ..." (تا آخر آیه شریفه که قبلاً ترجمه شد)»^(۲)

ص: ۲۳۹

۱- (۱). «فَأَمَّا مَنْ طَغَى * وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى.» (نازعات، ۳۷ و ۳۸ و ۳۹)
۲- (۲) روایات ۴۶۰. «يَا بَنَ مَسْعُودَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى: «لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» يَعْنِي أَيُّكُمْ أَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا، أَنَّهَا دَارُ الْغُرُورِ وَ دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ أَنْ أَحْمَقَ النَّاسِ مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: اعْلَمُوا أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ اُعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُضِيئًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ.» (اواخر کتاب مکارم الاخلاق؛ در وصیتهای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابن مسعود)

در تفسیر آیه ای که قول ابراهیم (علیه السلام) را نقل می کند که آن حضرت به خدا عرض می کرد: «پروردگارا مرا خوار مکن در روزی که مردم برانگیخته می شوند، روزی که نفع نبخشد به انسان مالی و نه اولادی، مگر آن کسی که با قلبی سلیم، روی به خدا آورده باشد (که منفعت از آن اوست)»^(۱).

حضرت صادق (علیه السلام) روایت است که فرمود: «قلب سلیم، قلبی است که از محبت دنیا سالم مانده باشد»^(۲).

نیز از آن حضرت است که فرمود: «قلب سلیم، آن قلبی است که پروردگار خود را ملاقات کند در حالی که در آن قلب، جز او احدی نباشد»^(۳).

امام صادق (علیه السلام): «ما فوق (یا، سر) هر گناه محبت دنیاست»^(۴).

ص: ۲۴۰

۱- (۱). فی تفسیر آیه: «و لا تُخزِنی یومَ یُبْعَثُونَ یومَ لا یَنفَعُ مالٌ و لا بُنُونٌ إلاّ- مَنْ أتى الله بِقَلْبٍ سَلیمٍ» (هُیو مِنْ کلامِ ابراهیم (علیه السلام) عَنِ الصّادِقِ (علیه السلام) قَالَ: «هُوَ الْقَلْبُ الَّذِی سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْیَا.» (تفسیر مجمع البیان)

۲- (۲). عَنِ الصّادِقِ عِ فِی قَوْلِهِ تَعَالَى إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلیمٍ قَالَ هُوَ الْقَلْبُ الَّذِی سَلِمَ مِنْ حُبِّ الدُّنْیَا (مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۴۰)

۳- (۳). عَنِ الْکَافِی عَنِ الصّادِقِ (علیه السلام) قَالَ: «الْقَلْبُ السَّلیمُ، الَّذِی یَلْقَى رَبَّهُ وَ لَیْسَ فِیهِ أَحَدٌ سِوَاهُ.» (تفسیر صافی در سوره شعراء)

۴- (۴). «رَأْسُ كُلِّ خَطِیئَةٍ حُبُّ الدُّنْیَا.» (وَ فِی رِوَايَةِ أُخْرَى) حُبُّ الدُّنْیَا رَأْسُ كُلِّ خَطِیئَةٍ.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۷۳)

امام زین العابدین (علیه السلام): «بعد از معرفت پروردگار و شناسایی رسول خدا، عملی با فضیلت تر از مبعوض داشتن دنیا نیست.» (۱)

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «هر کس محبت به دنیا ورزید، به آخرت خود ضرر زد.» (۲)

امام صادق (علیه السلام) به نقل از کتاب علی (علیه السلام): «دنیا چونان مار نرم و ملایم است چون دست بر آن کشند؛ ولی در باطن آن زهر کشنده است، مرد عاقل از او حذر کند و بچه های جاهل به او روی آورند.» (۳)

امام صادق (علیه السلام): «قسم به خدا! محبت به خدا ندارد کسی که دوستدار دنیا است.» (۴)

علی (علیه السلام): «بزرگ ترین خطاها، محبت دنیا است.» (۵)

ص: ۲۴۱

۱- (۱). «ما مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلُ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا.» (همان)

۲- (۲). «مَنْ أَحَبَّ دُنْيَاهُ اضْرَبَ بِأَخْرَتِهِ.» (همان)

۳- (۳). «إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ مَا أَلَيْنَ مَسَّهَا وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ النَّافِعُ يَخِيدُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ.» (همان، ص ۴۷۴)

۴- (۴). «وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۱)

۵- (۵). «أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا * إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَأَخْرِجُوا مِنْ قُلُوبِكُمْ حُبَّ الدُّنْيَا * إِنَّكَ لَنْ تَلْقَى اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِعَمَلٍ اضْرَبَ عَلَيْكَ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا * حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتْنِ وَ اضِلُّ الْمِحْنِ * حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يُصِمُّ الْقَلْبَ عَنِ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ يُوجِبُ الِيمَ الْعِقَابِ * كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَاللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حُبُّ اللَّهِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ.» (همان؛ به نقل از «غرر» آمدی)

* «اگر شما دوست دار خدایید، محبت دنیا را از دل هاتان بیرون کنید.»

* «به راستی هرگز خداوند سبحان را به عملی ملاقات نمی کنی که ضررش بر تو از محبت دنیا بیشتر باشد.»

* «محبت دنیا، سرفتنه ها و ریشه محنت هاست.»

* «محبت دنیا عقل را فاسد و دل را از شنیدن حکمت کر می ماید و موجب عقاب دردناک می گردد.»

* «همان طور که خورشید (روشن) با شب (تار) جمع نمی شود، محبت خدا با محبت دنیا جمع نمی شود.»

علی (علیه السلام): «دنیا و آخرت دو دشمن روبرو و دو راه مختلفند: هر کس به دنیا محبت ورزید و با آن دوستی کرد با آخرت دشمنی می کند، و آن دو به منزله

ص: ۲۴۲

مشرق و مغربند و رونده بین این دو به هر کدام نزدیک شد از دیگری دور می گردد و آن دو، مانند دو هوو هستند.»^(۱)

امام کاظم (علیه السلام): «هر کس به دنیا محبت ورزید، خوف آخرت از دلش می رود؛ و به بنده ای علمی داده نشد که بعد محبتش به دنیا زیاد شده باشد، مگر این که از خدا دورتر گردیده و غضب خدا بر او زیاد گشته است.»^(۲)

ص: ۲۴۳

۱- (۱). «إِنَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِيدُوانِ مُتَقَابِلَيْنِ وَ سَبِيلانِ مُخْتَلِفانِ فَمَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَ تَوَلَّاهَا ابْتِغاصَ الْآخِرَةَ وَ عَاداها وَ هُما بِمَنْزِلَةِ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ، وَ ماشَ بَيْنَهُما كُلِّما قَرَّبَ مِنْ واحِدٍ بَعَدَ مِنَ الْآخِرِ وَ هُما ضَرَّتانِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۰؛ به نقل از نهج البلاغه)

۲- (۲). «مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ وَ ما اوتىَ عَبْدٌ عِلْماً فَازْدادَ لِلدُّنْيَا حُبًّا الاَّ اَزْدادَ مِنَ اللَّهِ بُعْداً وَ اَزْدادَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضَباً.» (تحف العقول، ۳۹۹)

نمونه ای از مدارک دالّ بر مدح دنیا و محبت آن

برای تحصیل رضای الهی یا ثواب های اخروی

ص: ۲۴۴

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «توانگری کمک خوبی است بر تقوای الهی»^(۱)

امام صادق (علیه السلام): «دنیا کمک خوبی، برای آخرت است»^(۲)

باقرالعلوم (علیه السلام): «دنیا کمک خوبی، برای طلب آخرت است»^(۳)

امام صادق (علیه السلام): «هیچ خیری نیست در کسی که دوست ندارد از راه حلال جمع مال کند تا به آن آبروی خود را حفظ کند و بدهی خود را پردازد و به خویشان خود رسیدگی نماید»^(۴)

مردی خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کرد: «به خدا قسم ما در جستجوی دنیا هستیم و دوست داریم دنیا به طرف ما بیاید.» حضرت فرمود: «دنیا را برای چه می خواهی؟» عرض کرد «برای این که به خود و عیالاتم برسم و صله و صدقه

ص: ۲۴۵

۱- (۱). «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى.» (وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۳۰)

۲- (۲). «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى الْآخِرَةِ الدُّنْيَا (أَوْ) نِعْمَ الْعَوْنُ، الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.» (همان)

۳- (۳). «نِعْمَ الْعَوْنُ، الدُّنْيَا عَلَى طَلَبِ الْآخِرَةِ.» (کافی ج ۵، ص ۷۲)

۴- (۴). «لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضَى بِهِ دَيْنَهُ وَ يَصِلُ بِهِ رَحْمَهُ.» (وسائل الشیعه، ج ۲،

ص ۵۳۰)

بدهم و عمره و حج خانه خدا کنم.» (۱) حضرت فرمود: «این در حقیقت طلب آخرت است نه دنیا.»

از وصایای نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) برای اباذر: «ای اباذر! دنیا و آن چه که در دنیاست ملعون است؛ مگر کسی که به وسیله دنیا رضایت الهی را بجوید و چیزی مبعوض تر از دنیا نزد خدای متعال نیست. (تا این که فرمود:) و چیزی محبوب تر نزد خدا از ایمان به او و ترک نمودن آن چه را که خدا به ترک آن امر نموده نیست. ای اباذر! پروردگار متعال به برادرم عیسی (علیه السلام) وحی نموده که ای عیسی! دوستدار دنیا مباش که من دنیا را دوست ندارم و آخرت را دوست بدار، زیرا آخرت، خانه رستخیز است.» (۲)

از وصایای نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به ابن مسعود: «دنیا را به لذات و شهوات، بر آخرت مگزین؛ که خداوند متعال در کتاب خود می گوید: «اما آن که از طاعت

ص: ۲۴۶

۱- (۱). قَالَ رَجُلٌ لَّابِعَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «وَاللَّهِ إِنَّا لَنَطْلُبُ الدُّنْيَا وَنُحِبُّ أَنْ نُؤْتَاهَا.» فَقَالَ (عليه السلام): «تُحِبُّ أَنْ تَصْنَعَ بِهَا مَاذَا؟» قَالَ: «أَعُوذُ بِهَا عَلَى نَفْسِي وَ عِيَالِي وَ أَصِلُ بِهَا وَ أَتَصَدَّقُ بِهَا وَ أَحُجُّ وَ اعْتَمِرُ.» فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): «لَيْسَ هَذَا طَلَبُ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ.» (همان)

۲- (۲). «يَا اِبَادِرُ الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا الْآلُ- مَنْ ابْتَغَى بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ ابْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّنْيَا (إِلَى أَنْ قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ سَلَّمَ):) وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْإِيمَانِ بِهِ وَ تَرْكِ مَا أَمَرَ بِتَرْكِهِ. يَا اِبَادِرُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى أَخِي عَيْسَى (عليه السلام): يَا عَيْسَى لَا تُحِبِّ الدُّنْيَا فَمَآئِي لَسْتُ أَحِبُّهَا، وَ أَحِبِّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ.» (اواخر «مكارم الاخلاق»)

خداوند) سرپیچی کرد و زندگانی دنیا را برگزید همانا جایگاهش دوزخ است» مراد خداوند متعال، زندگی دنیای ملعون است، و آن همه چیزهایی است که در دنیا است، مگر آن چه که برای (رضای) خداوند بوده باشد. (۱)

علی (علیه السلام) هنگامی که شنید مردی دنیا را نکوهش می کند، در قبال او به ستودن دنیا مطالبی فرمود که از آن جمله این است: «دنیا برای کسی که از آن توشه (آخرت) بردارد سرای «توانگری» است، و برای کسی که از آن پند گیرد سرای موعظه است، جای عبادت و سجده دوستان خداست، جای صلوات فرشتگان خدا، جای فرود آمدن وحی خدا، و جای تجارت دوستداران خدا که در آن رحمت خدا را کسب کردند و بهشت را به سود بردند.» (۲)

ص: ۲۴۷

-
- ۱- (۱) . «لَا تُؤْتِرَنَّ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ بِالدَّلَّاتِ وَالشَّهَوَاتِ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَ آثَرَ الْحَيَوَه الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى» يَعْنِي الدُّنْيَا الْمَلْعُونَه وَ الْمَلْعُونُ مَا فِيهَا إِلَّا مَا كَانَ لِلَّهِ.» (همان)
- ۲- (۲) . «(إِنَّ الدُّنْيَا) دَارُ غَنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا وَ دَارُ مَوْعِظَه لِمَنْ اتَّعِظَ بِهَا، مَسْجِدُ احْتِبَاءِ اللَّهِ وَ مُصَيِّمِي مَلَائِكَه اللَّهِ، وَ مَهْبِطُ وَحْيِ اللَّهِ، وَ مَتَجَرُّ أَوْلِيَآءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَه وَ رَبِحُوا فِيهَا الْجَنَّة.» (نهج البلاغه)

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

